

سینمای سینمای افغانی



نویسنده:

موسی رادمنش

سینمای افغانی



نویسنده: موسی رادمنش



مشخصات کتاب

نام کتاب: سیمای سینما افغانی (جلد اول)
نویسنده: موسی رادمنش
ناشر: انجمن نشراتی دانش
سال طبع: ۱۳۷۹ خورشیدی
تیراز: ۱۰۰
صفحه آرایی: عبدالرحمن سیاف
محل چاپ: دانش کتابخانه قصه خوانی پشاور

Ph: 2564513

E-mail: danish2k2000@yahoo.com

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

سخن ناشر

سینما یا بزرگراه مستقیم ترافیک فرهنگ و تمدن در زندگی معاصر بشریت چنان نقش ارزنده و سترگ ایفا کرد که تأثیرات همه جانبیه آن از دیدگاه هیچکس پوشیده نمانده است.

علماء و عملاً با ثبات رسیده که انسان ۷۵ درصد آگاهی اش را از کanal دید کسب مینماید. ازینرو، تخيیک و هنر سینما میتواند بخش قابل ملاحظه افراد یک جامعه را از عمدۀ ترین رویدادهای ارزنده و مهم در امر زندگی آگاهی دهد و دامنه شناخت و بصیر تش را گسترش بخشد.

چنانچه انسان آگاهانه یا نا آگاهانه خواسته باشد روزی مرزهای موجود تصنیعی و تحمیلی روابط باهمی زندگی فرهنگی و مدنی را در خانواده بزرگ بشری از سر راه خود دور سازد، از وسائل و روش های گوناگونی برای نیل به چنین هدف سترگ استفاده خواهد کرد. بدون شک، سینما یکی از پدیده های کاری و مؤثری خواهد بود که این پروسه کاملاً طبیعی را سرعت بخشد و ایفای رسالت نماید.

آری! سینما میتواند بحیث یک آموز گاریشگام در طرز تفکر جمعی یک ملت چنان تحبیل مثبت بوجود آورد که راه های

رسیدن به زندگی انسانی را نسبت به سایر وسائل موجود بهتر و بیشتر هموار سازد.

زیرا، وسیله همواره زیر اراده و فرمان انسان قرار دارد و به هر شکلی که مقصود باشد؛ مورد استفاده قرار گرفته میتواند. ما را آرمان برآنست که روزی جامعه آزار دیده و محروم ما در ضمن سایر فضیلتهای مدنیت معاصر از سینمای ملی خود نیز بحیث یک ضرورت والاً معنوی برخوردار گردد و برگنای فرهنگی خویش بیفزاید.

تمدید سخن اندر باب نقش وارزش سینما تکرار در ونمایه این اثر است، لذا بهمین مختصر اکتفا نموده، بنویه خویش خاطر نشان میسازیم که کار نویسنده گرامی در این راستا نهایت ارجمند و درخور ستایش پنداشته میشود.

آرزو میبریم و یقین کامل داریم که تالیف و نشر این کتاب بینش و دانش خوانندگان عزیز را در خصوص اهمیت فلم و سینما در امر ارتقای ذهنی یک جامعه افزایش خواهد داد و زمینه های مثبت تحولات فرهنگی را مساعد خواهد گردانید.

سپاس بیکران

دانش خپرندویه تولنه

بے نام آنکھ

کڑھر سچھ سه بار بزبان آیا۔

اهدا:

به روان پاک استاد توریالی شفق سینماگر مبتکر و آگاه، به اعضای خوب موسسه شفق فلم و انجمان سینماگردان جوان، شایقین سینمای افغانی به پسرانم ابراهیم راد منش و سلیمان رادمنش که آزرودارم عقل سلیم و موفقیت مقدم راهشان باشد.

اظهار امتنان

با کمال احترام و صمیمت از دانشوران محترم سرور انوری و
محترم عزیز آسوده پیر محمد کاروان، محترم حبیب مخمور که مرا
در زمینه، نگارش کتاب «سیمای سینمای افغانی» یاری و
همکاری کردند و از عکاس ماهر گرامی محترم ظاهر طاهری که
تعدادی از عکس‌های سینماگران و هنر پیشه‌ها را در اختیارم
گذاشتند، اظهار سپاس و امتنان مینمایم.

رادمنش

در اوارق این دفتر

صفحه

عنوان

الف	تقریض
۱	سخنی با خواننده گان
۳	پدیده سینما
۵	سینما و تأثیر آن
۹	سیمای سینمای افغانی
۲۳	سوند، لایت، کرہ، اکشن سینمایی افغانی به راه می افتد
۳۰	پرودکشن های شخصی، گامی در تقویت سینمای افغانی
۳۲	پرودکشن: نذیر فلم
۳۵	پرودکشن: آریانا فلم
۴۴	پرودکشن: شفق فلم
۵۴	پرودکشن: اپا رسین فلم
۵۵	پرودکشن: قیس فلم
۵۷	پرودکشن: گلستان فلم
۵۹	ریاست افغان فلم و سینماتوگرافی
۵۹	مرکز تولید و تورید فلم در افغانستان
۶۰	تشکیل ریاست افغان فلم
۶۷	فلم های سامد (بدون آواز)
۶۸	سینمای کارتونی
۶۹	باز هم (سوند، لایت، کرہ، اکشن)
۶۹	جلایش سینمای افغانی

عنوان

صفحه

جوانان اکادمیک ما	۸۴
فلم (دیوار، دایره و بیگانه)	۸۴
فلم آرزو	۸۷
فلم کارتونی (تلوزیونی)	۸۹
باز هم (سوند، لایت، کمره، اکشن)	۹۰
بهشد سینمای افغانی	۹۰
فلم سینمایی (شکست معاصره)	۹۰
یک گام استثنایی در سینمای ما	۹۹
دهه، شصت خورشیدی: ۱۳۶۰ زمان شگوفایی سینمای افغانی	۱۰۲
سینمای مستند افغانی	۱۰۶
دستاورد سینما گران، در دیار هجرت	۱۱۴
فلم نیلوفر در باران	۱۲۸
البوم سینمای	۱۳۰

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

سخنی در حاشیه «سیماه سینمای افغانی»

در دنیای پیچیده و آشفته، امروزی که نگاه میکنی، مینگری تاریخ با تمام فراز و فرود و با همه صعود و سقوط تمنها و ارزشها، در گهواره، خویشتن، هرگز چنین انسانی درمانده و بهت زده، پریشان و سرگردان نپرورانده است.

انسان زمانه، ما که دچار شتابزده گی و شبزده گی است، همواره در تکاپوی آن بوده که خود را از چنگال آشفته گی ها برهاند، دمی نفس تازه کند، روح و روان عاصی و طاغی را، لحظاتی با سر انگشتان آسایش و آرامش و نوازش دهد و طعم مهربانی و همدردی را در کام تلغی جان خسته، خویش احساس کند. لیکن چه چیزی در این برهوت و ناسوت میتواند این انسان خسته جان و غمزده را در توالی لحظه ها، دمی نوازشگر روح بیقرار باشد و همدم روان بیمار؟

شاید یک پاسخ بدین پرسش چنین تواند بود:

هنر و باز هم هنر!

آری، از اینروست که وقتی در قلمرو هستی آدمی، نظر میافگنی، می بینی هنر چه پرشکوه جایگاه و نمودو ها دارد و صنعت و صناعت چه زیبا جلوه ها و رنگها... و باز هم در امتداد پهناهای این رنگینی و انگار رنگی هنر ها در می یابی که هنر پرده

به عنوان کاملترین هنرها، برجسته ترین هنرها، بهترین هنرها و مزایای دیگر از این شمار، بر سرزمین هستی انسان معاصر، چه پر جاذبه‌پا گذاشته است. بلا تردید، هنر فلم و سینما، این پدیده، شکفت انگیز زمان کنونی که محصول تمدن نو و درب و دریچه‌یی رو به تجدد و مدرینسم در جامعه انسانی بوده است، همیشه از بابت جذابیت و طبعاً وسعت و عمومیت مخاطبینش، سخت طرف توجه گروه‌های مخالف مردم قرار گرفته است.

خردمندان و پژوهشگران بر این باور اند: همانگونه که صنعت چاپ، دانش زمان خود را به خدمت کتله‌های وسیع بشری گذاشت و شناسایی و شناخت و معرفت را از یک دایره، بسیار تنگ و محدود چند نویسنده و شاعر و دانشمند، بیرون آورد و به صفوای هزارها و ملیون‌ها مردمان جهان برد، فلم نیز در زمینه‌ها و موارد گونه‌گون، همین کار بزرگ را انجام داد.

بعضًا هم اگر این هنر و صنعت، کج اندیشی و بد آموزی را نیز به میان جمیعت‌های انسانی راه داد، هرگز این دلیل آن نتواند بود که خود این هنر و صنعت، کشی و اختراعی نامیمون است و دیگران را باید از آن دور نگهداشت. زیرا اگر بدون غرض و مرض نیک بیاندیشیم، در میباییم که از هر صنعت و هنر و دانشی «استفاده سوء» به میان آمده چنانچه از صنعت چاپ نیز چه، به وضوح مینگریم، صنعت چاپ بسیاری از چیز‌هایی را که نمی‌پسندیم به میان گروه‌های عظیم بشری برد و آثار و ناشیه‌هایی را پخش و نشر و دردسترس همه گان گذاشت که گمراهی‌ها بار آورد.

به هر رنگ، حرف دقیق و عادلانه آنست که هنر فلم میتواند ظرفیت های عالی را در جامعه، انسانی بپروراند و در خط بالنده گی و بهروزی جامعه، مؤثربت و سودمندی فراوان داشته باشد.

بگذریم، با اشاراتی به والایی و ارزشمندی هنر فلم، حکایتی هم از فلم و سینمای افغانی کنیم که با «عشق و دوستی»^(۱) زاده شد و «مانند عقاب»^(۲) پر و بال گشود و «روزگاران»^(۳) چندی را گذرانید، ولی هنوز ساخته ها و پرداخته های اندک داشت که نا بخردان به گلوله اش بستند و آشیانه اش (افغانفلم) را ویران کردند و بعد تر هم کوچکترین منفذ و روزنه اش را نیز مسدود نمودند و درب پولادین را قفل زدند و مهر و لام کردند...

القصه، مرغک پر سوخته با خیل «پرنده گان مهاجر»^(۴) آواره، سرزمین های دور و نزدیک شد و اکنون وضع رقتباری دارد، مثل اینکه سرنوشت درد آلوی برایش رقم زده شده است.

هان! فلم و سینمای افغانی، حال و احوال غم انگیزی دارد و سینمای نهفته و پنهانش در زیر ابر سیاه و تیره، هنوز همچنان در دیاران زادگاهش، نا پیدا است.

(۱) اشاره به فلم «عشق و دوستی» نخستین کار کرد سینمایی دست اندر کاران هنرور وطن ماست که در خارج از کشور تولید گردیده است.

(۲) منظور فلم «مانند عقاب» است، اولین ساخته، سینمایی در داخل کشور میباشد.

(۳) فلم «روزگاران» محسول سینمای مؤسسه افغانفلم در سه بخش به گونه داستانی انسجام و تدوین یافته بود که زیاد توجه برانگیز بود.

(۴) اشارتی به فلم «پرنده گان مهاجر»

مگر جسته و گریخته در دیار غربت، غریبانه چهره می‌نمایاند و نفس میکشد که این خود شکرانه، بسیار دارد، شکرانه به خاطر زنده ماندن و زنده بودن...

و اما از این اشارات و حکایات کوتاه و گزرا که بگذریم، سخن اnder باب سینمای افغانی را از قلم بدست نستوه، هنر پرور و پر تکاپو «موسی رادمنش» در اوراق این دفتر میخوانیم که با تلاش و کوشش و خدمات فراوان، دیدنی‌ها و گفتنی‌ها را، تدوین و تألیف کرده است.

رادمنش که از راهیان پر شور راه دشوار گذار کار فلم و فلمسازی در کشور بوده و با «اراده»^(۱) نخستین ساخته سینمایی خود را عرضه داشته است، از «روزو حال» سینمای افغانی نیک میداند و از «شرح پریشانی» آن آگاهی تمام دارد، لذا او بنابر همین آگاهی و دانایی به معرفی و چهره نمایی سینمای افغانی می‌پردازد و شناختنامه، قابل توجهی از دست اnder کاران فلم و سینما در کشور بدست میدهد. رادمنش هر چند در این اثر با ارفاق و خوبی‌بینی بیشتر از سخاوتمندی افزونتر پیرامون کار کرد های سینمایی همقطارانش، اعم از ساخته‌ها سینمای خام و پخته و پرداخته‌های اندک و نیم پخته، به یکسان قلم میزند، ولی باز هم از اینکه یک شناسنامه مطولی از کار فلم و فلمسازی در کشور بدست میدهد، بر او سخت نیتوان گرفت، کار و کوشش و تلاش را در فراهم آوری جمع‌بندی مطالبی چنین،

(۱) اشاره به فلم «اراده» که رادمنش آنرا کارگردانی کرده است.

ستایش بایست کرد و مرجباً گفت!

سخن کوتاه، من به عنوان دوستدار هنر پرده و علاقمند به فلم که پژوهش ها و سیاه مشق های در باب فلم و سینما داشته ام و نقد گونه هایی در خلال سالیانی چند که باد آنها را با خود برد. بر این پندارم که اگر هنر فلم و سینما گری با اندیشمندی تصویرگر فضیلت های انسانی و نمایشگر «اندیشه» سالم اجتماعی باشد، بدون شک، این هنر بزرگترین و بهترین هنر ها تواند بود و همچون چراگی فراراه آدمیان برای اندیشندگی، جوینده گی و راهیابی...

فیدانم در کجا خواندم که دانش مردی گفته بود: هیچ سرزمنی از صفحه، جغرافیای جهان از میان نمیرود، آنچه میرود، «اندیشه» باشندگان آن آب و خاک است.

حقاً «اندیشه» همه چیز است، ملای روم راست و درست میفرماید:

ای برادر، توهین اندیشه بی

ما بقی تو استخوان و ریشه بی^(۱)

و السلام

سرور انوری

پشاور- ماه قوس سال ۱۳۷۹ شمسی

(۱) مثنوی شریف.

سخنی با خواننده

کتاب و کتاب نویسی در جنب کار کرد های فرهنگی پدیده، نو و تازه نبوده، بلکه این فن پر ارزش و ارجمند مانند سایر فنون تحقیق و نگارش اصول ویژه خود را داشته و از دیر زمانی بدینسو بین جوامع بشری به ویژه بین اهل علم و دانش و اهل خبره ره گشوده است.

بساز قلمزنان در زانرها و یا به عباره، دیگر در فنون گوناگون و مختلف تحمل رنج و مشقت نموده و آثار قابل یادهای و حتی شاهکارهایی را در طول تاریخ و زمانه‌ها آفریده‌اند، که هر گام شان در زمینه در خورستایش و تقدیر می‌باشد.

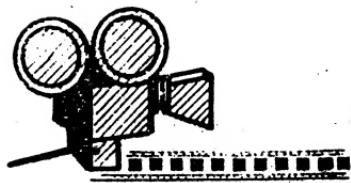
من نمی‌خواهم خود را در زمرة و ردیف اهل تحقیق به مثابه، نویسنده، اکادمیک و متبحر جا بزنم بلکه منظورم از این‌چند سطر بثابه، یادهای و سخنی با شما خواننده گان عزیز اینست که پدیده، فلم و فلمسازی در کشور عزیز ما از سالیان گذشته به این سو بین پژوهشگران و علاقمندان هنر سینما راه یافت و آثاری در زمینه‌های مختلف (بگونه، مستند و هنری) از طرف اشخاص مسلکی و افراد با تجربه روی دست گرفته شده، تهیه و اکمال گردیده، اقبال نمایش یافته و بعضاً هم مراحل پر اسی خود را طی نکرده در آرشیف افغان فلم و تلویزیون باقیمانده است.

اما دریغ که مساعی درین راه دیری نپایید، جنگ و عوامل مشخص بحران با تغییر رژیم های سیاسی، مجال هنر آفرینی حتی فرصت درست زیستن و با هم زیستن را از ما گرفت و سر نوشت ما را به نا کجا آبادی کشانید و در نتیجه بر کار و فعالیت تهیه، فلم و فلمسازی و ایجاد گری هایی اندر باب این رشته مهر سکوت بدان زده شد.

بنابر این خواستم در مورد سیمای سینمای افغانی و سیر تاریخی آن در کشور بلاکشیده، ما جسته و گریخته و آنچه در ذهن و یادداشتهای پراگنده ام مانده است، روی کاغذ بنشابه، کتاب کوچکی تهیه و تدارک ببینم، تا یادداشتی باشد برای آنانیکه روزی درین راستا گامهای استوار تری بر خواهند داشت و بیاد داشته باشند که ما هم روزی سینما داشتیم، (ساختار هایی سینمایی، تلویزیونی) سینما گران و هنر پیشه گان مستعدی داشتیم.

ممکن درین اثر کمبود هایی از لحاظ پرداخت جملات، اصول، قواعد و فنون نگارش وجود داشته باشند، لذا آرزو مندم اگر کاستی هایی به ملاحظه میرسد، منت گذاشته بر ملا سازند تا در مجلد ثانی یا طبع ثانی این کتاب تصحیح و تکمیل گردد.

رادمنش



«پدیده سینما»

۱- سینما یا هنر هفتم (سینما) که هر لحظه (فریم)، (شات)، (غا) و به معنی دیگر اینکه هر تصویر از ویژه گی (استتیک) زیبایی شناسی برخوردار باشد. با وجود این ویژه گی امتیاز بیشتر هنر هفتم در آنست که کلیه هنرهاي سمعی و بصری را در خویشتن آمیخته دارد. با این اندیشه بهتر است تا در زمینه های هنرهاي دیگر نیز اشاراتی داشته باشیم.

اگر دقیق بیندیشیم میتوان گفت که هنر در حکم یک زیان است. زیان بدیع عواطف و هیجانها و منعکس کننده احساسات بوده و از وجه بی شائیگی خود برتر از زیان است و همچنان از لحاظ جهانی بودن بر زیانها تفوق دارد.

به قول فیلسوف و متفکر بزرگ اگوست کنت «هنر تنها بخشی از زیان است که تمام افراد نوع بشر آنرا درک میکنند و به معانی آن پی میبرند.» در نظر فیلسوف مزبور هنر زیان حقیقی جهان است.

در ترکیب هنرها در سطح جهانی هفت هنر عرض وجود کرده است که هر کدام آن از ویژه گی خاص برخوردار است.

فن تیاتر (بازیگری و تئیل):

۱) پیشینه ترین و با اصالت ترین هنرها که در رشد و تنویر اذهان در گذشته های دور (انسان) تحرک، تحول و تفاهم را بوجود آورده همانا فن تیاتر (بازیگری، تئیل، نمایش) است که لقب مادر هنرها را به خود کسب کرده است.

۲) موسیقی:

فونتیک (سمعی) عبارت از هنریست که تأثیر آن در ذهن از راه حس سامعه حاصل میشود: صدا، آواز (آهنگ و موسیقی)، موسیقی اگر از یک جهت علم است از جهت دیگر هنر است و باذوق و احساس شر بسروکار دارد و احساس و عواطف بشر را ارضاء میکند و از آثار پریهایی است که طی قرون مختلف از ذوق تراویش گرده و خود را بصورت یکی از هنر های زیبا از دیگر هنرها متمایز و جلوه گر ساخته است.

۳) ادبیات:

ادبیات یا هنر ایجاد زیبایی به وسیله الفاظ (کلمات) و جملات نوشتاری است و امروز ادبیات در جهان متعاری والا دارد.

۴) معماری (مهندسی)

معماری یا ایجاد ساختمانهای زیبا، هنر آرایش و تزیین ساختمان (دکوراسیون) هم از فروع معماری به شمار میرود.

(۵) نقاشی:

از جمله صنایع ظریفه بوده مظاهر تجلی جمال و طبیعت و هم معرف ذوق، احساسات اندیشه و مهارت افراد بشر میباشد.

(۶) رقص:

هنر ایجاد زیبایی به وسیله، حرکات منظم و متوازن اندام است همراه با صدا (آواز) (آهنگ و موسیقی) یا بدون آن.

(۷) سینما:

هنر هفتم، هنر پرده.

سینما:

(سینما) این پدیده، عالی انسانی را در عصر حاضر میتوان به عنوان یکی از جهانی ترین هنرها تلقی کرد. هنر سینما القابی چون: کاملترین هنرها، هنر پرده، بهترین هنرها، والاترین هنرها و هنر هفتم را کسب کرده است و بدین جهت امتیاز بیشتر دارد که کلیه هنرهای سمعی و بصری را در خویشتن مزوج کرده است.

به تأیید ضرب المثل قدیمی که در پیش آمد «تاریخ سینما» درج شده است که میگوید: «یک تصویر برابر ده هزار کلمه است» چندان گزار نیست و مبالغه هم نمیتواند باشد.

در زمانیکه ما زیست میکنیم «سینما» کار کردی بس ارزنده و مؤثر داشته و شاید از همین جهت است که اکثر بر این نظر اند که

قرن ما قرن سینماست. قرن هنریکه در زایشها و فرسایشها و در تعیین سرنوشت انسان نقش چشمگیر و بارز داشته و تماشاگر را به هر سطح و سویه بی که باشد به خود میکشاند و ذهنش را به تحریر گرفته، اندیشه و مفکرمه بی را القاح میسازد. آرتور نایت در سرآغاز کتاب «تاریخ سینما» یاددهانی نموده است:

پیش از یکصد و پنج سال است که در سراسر جهان، مزدم به سینما میروند و به تماشا مینشینند و جادوی مرموز تصاویر زنده (متحرک) که در تالار تاریک روی پرده پدیدار میشود، و از برابر چشمان تماشاگران میگذرد آنرا مسحور میکند، آنها لذت میبرند و برداشتهای معین میتمایند.

پس سینما یعنی با ارزش ترین افزاییر قراری ارتباط در عصر ما شناخته شده است. یعنی بزرگترین ارتباط میان انسانها در زمانه، ما، ارتباط کلی در زمینه ها و موارد و مسایل گونه گون زنده گی به یقین که توسط هنر سینما به آسانی میتوان زنده گی را و آنچه در بطن آن میگذرد خس کرد و در میان آدمها رابطه برقرار و ایجاد نمود، راست است که به وسیله سینما یک گیاه و شکفتی یک گل تا عمدت ترین مسایل و موضوعات علمی و فنی را نگریست و با اندیشه ها و ایده های انسانی آشنا شده و به عنوان یک فرد انسان، خویشت را به افراد دیگر اجتماع نزدیک حس کرد.

سینما و تأثیر آن

آنطوریکه گفته آمدیم هنر سینما یکی از بهترین و کاملترین هنرها محسوب میگردد چنان تأثیر عمیق و همگانی دارد که ذهن و فکر مردم را بسوی خود میتواند بکشاند و جذب کند در باره تأثیر سینما، یکی از سینما گران نام آور بونوئیل گفته است:

«سینما سلاحی است عالی و مؤثر، اگر شخص آزاده آنرا به کار گیرد، سینما بهترین وسیله برای بیان جهان رویا ها، اندیشه ها، احساسها و الهام ها است.»

میتوان گفت تأثیر سینما تابدان حد است که میتواند مسیر افکار و اندیشه های بشری را عوض کند. در یکی از کتاب های سینمایی که پیرامون عملکرد سینما و مؤثربت هنر فلم، سخناتی گرد آمده، گفته شده است که سینما و در مجموع هنر، عرصه ای برای بیان و غایش اندیشه های آدمی بوده است. «از آنجا که انسان متفسکر از آینده بشر اضطراب داشته و بر هستی جهانیان و شیوه زندگی آنها نگران بوده است، لذا برخی اضطراب خویش را دستمایه آفرینش فلسفه ای ساخته و به ذهن خویشتن پناه برده اند، و جز جمعی که وسیله ای بیان هنری داشته این وسوسه را در اشکال گونا

گون به زیان آورده اند، چه مستقیم و چه پوشیده در زیر حجابی از نادها، البته هنرمند جز اندیشیدن و بیان کردن، کاری و وظیفه بی نداشته و ندارد و آن کس که بدین وظیفه عمل کرده، بلاتر دید، منشاء آثاری ماندگار و پایا بوده است.»

از همان روز و روزگاری که سینما به یک هنر غایشی و ترکیبی و آمیزه بی از دیگر هنرها پایه عرصه وجود نهاد، از همان آغاز پیدایش و تولد خود، چنان انباشته از جذابیت و رونق خاص بود که تماشاگران و بینندگان را به تعجب و حیرت اندر ساخت و چیزی باور نکردنی جلوه کرد چنانکه مردم آنرا «فانوس جادو» و «چراغ سحر» نیز خوانده اند.

براستی، دستگاه جادویی نو ظهور سال (۱۸۹۵ع) که هنر هفتم به هنر قرن بیستم عوض شده بود، هنری که فرزند علم و زاده دانش بود، سخت برای مردم عجیب و غریب می نمود. تاریخ سینما نشان میدهد که در همان سال (۱۸۹۵ع) در اروپا و امریکا انواع گونا گون کمره های فلم برداری و سینما تقریباً همزمان عرض وجود کرده و این دستگاه ها بنام های (کنتوسکوب) و (ویتاسکوب) و (بایوسکوب) یا سینما توگراف یاد می شدند.

«ادیسن» در امریکا، «لومیر» در فرانسه و (پل) در انگلستان، برای نخستین مرتبه تصویر های متحرک را بروی پرده، سپید به غایش گذاشتند:

بدون شک در کارهای اولیه سینمایی و فلمسازی، عامل واقعیت

و تازه گی برای تماشاگران همانا حرکت روی پرده بود که مردم را کاملاً مجنوب میساخت، بگفته، (آرتسورنایت) در این شکی نیست که تصویر های دو بعدی و لرزان سینما را به عنوان واقعیت پذیرفتند، در نخستین روزهای سینما هنگامیکه در حین نمایش فلم مثلاً: ریل در حال حرکت و سرعت و یا امواج دریا بسوی کمره پیش میآمدند و می شناختند تماشاگران قطار های پیش روی سالون سینما فریاد میکشیدند و بی اختیار چیز میزدند و بعضی ها از سالون به بیرون میبرآمدند همین طور آوازیکه بیننده گان در فلم که دیواری تخریب گردیده و گرد و خاک بلند میشود، چنان واقعی میپنداشتند که فوراً هر کدام به سرفه می افتدند و سرو صدا به راه می انداختند. فلم و سینما که هنر تازه تری در برابر تیاتر بود، مردم باشور و شوق و حیرت زده باآن روی میآوردند و به تماشای فلمهایی که حادثه های از زنده گی را نشان میداد، می نیشتند، گویا فلم تسبیت به تیاتر در زمینه نمایش واقعیت به آسانی پیروز شده بود، حتی ناشیانه ترین و ناقص ترین فلم های اولیه نیز این برتری را نشان میدهد.

پس بدین ترتیب، بنابر آنچه که در زمینه، اولین آثار پیدایش تداوم در فلم صورت گرفت، هنر فلم و سینما کاملتر و گستردگر شد، گرایش و توجه مردم دنیا به سینما فزونی یافت.

پس انکشاف سریع و عظیم سینما و هنر سینما توگرافی بدون شک در تنویر اذهان مردم و بلند بردن مسؤولیت های سیاسی و اجتماعی و تشویق مردم به طرف کار و مبارزه در برابر بد روزگاری

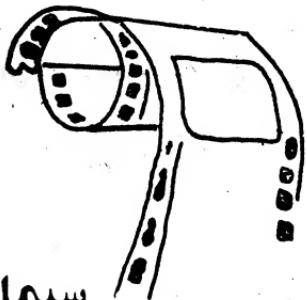
و نابسامانی وضع اجتماعی و سیاسی و در نهایت در امر بهتر شدن زنده گی افراد جامعه و کار غرض صلح و ثبات جامعه تأثیر فراوان دارد و بالآخر ذهنیت مردم را روشن کرده، ایشانرا با همدردی و انجام وظایف انسانی و تسريع آهنگ اقتصاد و فرهنگ، رول خود را موفقانه بازی میکند.

مأخذ:

کتاب «آهنگ و صدا» اثر انجنیر قیام.

کتاب تاریخ سینما - اثر: آرتونایت.

مجله هنر شماره چهارم، سال سوم ۱۳۶۲ - کابل.



سینمای سینمای افغانی

اگر سیر تاریخی مطبوعات کشور عزیزمان افغانستان را از نظر بگذرانیم در میبایبیم که از زمانه های دور و یا به عباره، دیگر از سالهای آنسوتر توجه به این پدیده، والا «سینما» مبدول گردیده بود که همانا علاقمندی شاه امان اللہ خان به تیاتر فلم و سینما میبایشد. زمانیکه شاه امان اللہ به سفر اروپا میرود و بعد از دید و باز دید از کشورها و دیدن تعالی و پیشافت مالک رشد یافته، متاثر میگردد و این تأثیر پذیری را میتوان به آوردن فلم های محدودی از سینما که ذریعه پروژکتور به نمایش گذاشته میشد توسط شخص خود شان به باور گرفت.^(۱) و این فلم ها در محل تجمع مردم که غرض رفع خستگی بدانجا روی می آوردن، و عبارت از تفریحگاه پغمان در شهر کابل میباشد، بنمایش گذاشته میشد و مردم با اشتیاق و علاقه مندی خاصی به تماشای آن می نشستند و از تماشای آن لذت می بردند.

قابل یاد آوریست که شاه امان اللہ بیشتر به این پدیده یعنی پدیده سینما و سایر بخشها و صنوف هنر چون: تیاتر، موسیقی، صنایع مستظرفه و اخبار و مطبوعات وغیره علاقه داشت و میخواست افغانستان در قطار کشور های در حال رشد، قرار بگیرد

و درین راستا بیشتر از پیش تلاش میورزید، ولی زمان و اوضاع و امکانات و همچنان دست درازی اجانب و دشمنان دین و دولت نگذاشتند که این غنچه های امید بشکفت و این آرزو ها و امیال بزرگ و انسانی به خاک کشیده شد و قریانی دسایس و توطنه های گونا گون دشمنان وطن گردید.

بهر صورت مطلب اینجاست که اگر از همان زمان یعنی زمانی که شاه (۲) به سینما علاقه ابراز می داشت امکانات رشد هنر سینما میسر میشد شاید خدمات بزرگی در زمینه صورت میگرفت و کارهای عظیم هنری و ساخته های فلمی در دسترس خویش میداشتیم. بدین گونه چانس یاری نکرد و به همان پروجکتور های که یاد شد بعضی از فلم های آورده شده به مناسبتهای مختلف همراه با اجرای درامه های تیاتری به نمایش آمد. به اثر توجه شاه وقت تعمیر مدرن توأم با اعمار ستیز، سالون سینما تهیه و تدارک دیده شد و به پایه اکمال رسید که بنام سینمای پگمان مسمی شد که گاه، گاهی فلم ها، نمایشها تیاتری (درامه ها) در آن اقبال نمایش مییافت.

۱) در قسمت آوردن فلم در زمان شاه امان اللہ خان منبع و مدرک دقیق بدسترس نگارنده قرار گیرد، نگرفت. امیدوارم در کتاب دوم اگر ممکن شد درین موضوع حرفهای خواهیم داشت.
۲) منظور نگارنده «شاه» شاه امان اللہ خان میباشد.

بگونه مثال سال ۱۳۰۲ اشن مردم ما شاهد نمایش درام «شهزاده

جاوا» که یک نمایش (درام) آموزنده، اجتماعی بود و در ستیز تیاتر و سینمای پغمان در مراسم استرداد استقلال کشور با هنر نمایی: عبدالعزیز ناصری، نور محمد، علی محمد، سرور صبا، حسن جان، محمد اکرم، میر محمد کاظم هاشمی، مولوی غلام محمد، محمد فرخ افندی، قاری دوست محمد، سید عبدالله، محمد اکبر ضیایی، درام نویس و مترجمین: فیض محمد ذکریا، محمود طرزی، صلاح الدین سلجوقی و عده، دیگر باقوت و کار بیشتر روی ستیز پیاده شد، البته در زمرة، تاشاچیان شخص امان اللہ و بعضی از اعضای خانواده، شان نیز حضور داشته اند. تاشاچیان در جریان نمایش خیلی تحت تأثیر آمده بودند و لحظه به لحظه احساسات تبارز داده، همنوایی خود را با بازیگر هایی که روی صحنه تشبیل میکردند ابراز مینمودند، چنانچه در صحنه، اخیر مردم با همان حالت و احساسات گرم و پرشور بر روی ستیز هجوم برداشت و به مدیر جریده، «جاوا» که هنوز با لباس بازی به غل و زنجیر کشیده شده بود، تحسین کنان به توصیف نمایش پرداختند. رویه مرفته سلسله نمایش هایی چون: فتح تل، بچه، نازدانه، حاکم ظالم، مادر وطن... و چند اثر نمایشی دیگر به محلات مختلف که نمایش داده میشد رونق خوبی داشت.

باید سینما و دیدن فلم ها مدت‌ها بعد، از طریق تورید فلمهای غربی، ایرانی، هندی وغیره را به تماشا نشسته و تایل و رغبتی خاصی از خود نشان داده اند، خاصتا به تماشای فلمهای وسترن (کاویایی) تاریخی، عشقی و داستانی از هر کشوریکه بوده است،

با علاقمندی زایدالوصی به سالونهای سینماهای شهر (سینمای کابل و سینمای بهزاد) میرفتند و از تماشای آن به نحوی از انحا متلذذ گردیده و عطش هنری خویش را فرونشانده اظهار مسرت میکردند. و هر یک به زعم خویش برداشتهای معین و لازمی با خود داشته و حتی چنین اتفاق افتاده که عده بی قصه های فلم را به دوستان و اقارب خویش به گفتگو گرفته وقتاً فرقتاً موجب علاقمندی و دلگرمی دیگران نیز گردیده است.

بعدها در کنار ورود فلم های خارجی، غایش های تیاتری نیز در شهر کابل به سالون های چون: مرستون ننداری، شهری ننداری، پوهنخی ننداری، رونقی داشت، تا اینکه این هنر در طلاطم امواج روزگار فراز و نشیبهایی را پشت سر گذراند و در مسیر راه اکشاف و شگوفایی آن آب گل آلوده شد و حتی از تحقیر و اهانتها نیز در حقش دریغ نداشتند. درست اوآخر برج دلو ۱۳۲۴ بود که درب مدیریت پوهنی ننداری بنابر معضلات آن وقت بسته شد و از فعالیت باز ماند، همانا شخص مسؤول پوهنی ننداری که جناب استاد عبدالرشید لطیفی بود همت گماشت و باب دیگر هنر، پدیده خجسته و هدفمند و پریار تر هنر فلمسازی را با همدمستی دوستان منور و فرهنگیان کار آزموده چون: نشاط ملک خیل، احمد ضیاء، عبدالرحمن بینا، طرح کرده که این سعی و ابتکارش طرف تأیید همه گان قرار گرفت و این اندیشه نخستین مفکوره ایجاد فلمسازی، تهیه و تولید فلم (پرودکشن) در سرزمین ما محسوب میگردد.

محمد ابراهیم نسیم که از جمله ممثل در درامه و نمایش‌های تیاتر هنرآفرینی میکرد و اکثر در وقفه‌ها نمایش‌آچی را به آهنگها کمیدی، طنزی و انتقادی مصروف می‌ساخت، خاصتاً آهنگ (میرزا عموجان) اش که روی زیانها گل کرد و یادش هنوز هم در خاطره‌ها باقیست او در برابر پرسش‌هایم پیرامون تهیه نخستین فلم افغانی ابراز داشت:

زمانیکه هیئت قصد کردند تا فلم افغانی را روی دست بگیرند به تدارک تهیه سناریو پرداختند. استاد عبدالرشید لطیفی مساعی به خرج داد و داستانی را که از آن عشق و محبت تیلور می‌بیافت به رشته، تحریر در آورد که بعداً به اساس محتوای سناریو، نام فلم به «عشق و دوستی» مسما شد.

در سال ۱۳۲۵ خورشیدی غرض تطبیق مفکوره (تهیه فلم) به حمایت اقتصادی بیشتر دوست محمد خان و معین عبدالجبار خان اسباب تشویق و آهنگ سفر هیئت را مهیا کرد که در زمرة، آن: عبدالرشید لطیفی، نشاط ملک خیل، عبدالرحمن بینا، احمدضیاء، خان و محمد ابراهیم نسیم اشتراک داشتند، از کابل جانب شهر لاهور کمپنی فلمسازی شور به کشور هندوستان که در آنوقت پاکستان و هندستان از هم جدا نشده بود عزم سفر کردند تا با اکمال این فلم در کشور محبوب مان هنر فلمسازی را هسته گذاری غایبند، هیئت باین آرمان به کمپنی شور در شهر لاهور وارد شد، ولی بنابر معضلات پروسه ساختار فلم مدت زیادی را دربر گرفت.

محمد ابراهیم نسیم که شامل یونت بود و بعد از گذشت مدتی که امور تهییه فلم در شهر لاہور سور سامان نگرفته بود، دوباره به کابل اعزام شد. موصوف باز هم طی پرسش در زمینه ساختار فلم مختصر اً چنین افزود: فلم بامساعی صادقانه هیئت بالآخره تهییه شد.

در اجرای نقشها:

کرکتر (نقش) سریاز- نور محمد افغان

کرکتر (نقش) شاعر و عاشق- نشاط ملک خیل

کرکتر (نقش) افسر- عبدالرحمن بینا

و کرکتر (نقش) دختر فلم (مریم) را زیب قریشی که کم و بیش به زیان دری آشنا یی داشت باز آفرینی کرد، در ضمن اجرای کرکتر یک آهنگ را نیزه مقابله فلمبرداری پلی بک (پسنگ) نمود.

«گر بتو افتند نظرم چهره به چهره روی رو»

شرح دهم غم ترا نکته به نکته مو به مو»

و یا آهنگ دیگری را که اصلاً یک چهاربیتی است و آنرا کریمداد سرحدی آواز خوانی کرد و کمپوز و تصنیف آهنگ از عبدالغفور برشنا با همدستی ابراهیم نسیم میباشد:

به برگ لاله رنگ آمیزی عشق به جان ما بلا انگیزی عشق
اگر این خاکدان را واشکافی درونش بنگری خونریزی عشق

فلم (عشق و دوستی) به عنوان نخستین فلم افغانی در تاریخ

سینمای کشور با وجود کاستپها و عدم رعایت ژانرهای سینمایی از دیدگاه کارگردانی و پرودیوسری بگونه «تیاتر کنسرو شده» تولید و یک و نیم ساعت وقت نمایش را در بر گرفت که اولین بار به سالون سینمای کابل که در کنار مکتب استقلال مولعیت داشت روی پرده به نمایش آمد و همچنان غرض نمایش به ولایات کشور نیز برده شد. این فلم به زمان حکومت دکتور غیب الله از طرف پرودکشن افغان فلم خریداری و منحیث یک نقطه آغاز در تاریخ سینمای افغانی به استاک ریاست افغان فلم غرض نگهداری گذاشته شد.

بعد از سلسله نمایش فلم «عشق و دوستی» آنطوریکه تصور میرفت، انعکاس فلم به دلها چنگ بزند، نزد و گمان بر آن بود که این سلسله ادامه یابد. در جریان پروسه، آن لنگشها بی به میان آمد. یکنوع رکود و سکوت نامرئی شاید هم مرئی در برابر آن قرار گرفت. شاید علت آن یکی اینکه فلم کاستیهایی بهمراه داشت و دو دیگر همانا مشکلات اقتصادی و عدم امکانات لازمه، بازاریابی بوده باشد. با وجود این دو نکته، قابل توجه و لازمی، ممکن نوپا بودن کار و عدم پشتیبانی دولتی و انفرادی در میان آمده باشد که سیر انکشاف پدیده را لنگانیده باشد، ولی با توجه با یاددهانیهای فوق الذکر با آنهم میان فرهنگیان این زمزمه هویدا و محسوس بود که نباید گذاشت تا این چراغ برافروخته شده در فراراه زمان جبرأ به خاموشی بگراید و درین راستا حتی المقدور از کوچکترین امکان و شرایط بزرگترین استفاده به عمل آید که این چنین پندارها و

پنداشتها اصولاً مسؤولیت افراد باهنر و خبیر جامعه را تشکیل میدهد.

بلی! همانگونه که این هسته و بنیاد در کشور نویا بود، روی بالنده گی و رشد و انکشاف آن بحث و مباحثه صورت میگرفت و بخصوص این حالت زمانی جهش پیدا کرد که فیض محمد خیرزاده، تازه بعد از دوره تحصیلات از ایالات متحده امریکا برگشته با یک دیدگاه وسیع به رشد این پدیده نگریسته و با امکانات اقتصادی که به دست داشت در جهت یابی این عرصه هنر و فرهنگ بذل مساعی کرد.

آنzman که حکومت محمد ظاهرشاه بر سراقتدار بود، محمد عثمان صدقی سمت وزارت اطلاعات و کلتور را به عهده داشت، فیض محمد خیرزاده با اینکه یک شخص روشنفکر و از جهت اقتصادی شخصی متولی بود، با تشیب شخصی و احساس وطندوستی در کنار پوهنی ننداری وقت امتیاز موسسه، دیگر را به نام موسسه، (هنرهای زیبا) از وزارت اطلاعات و کلتور آنzman به دست آورد که در زمرة، پرورش و رشد هنر رسامی و نقاشی آرت دراماتیک، موسیقی، بخش فلمسازی را نیز پی ریزی و ایجاد کرد و نخستین دست آورد آن، فلم نیمه هنری و نیمه مستند (دакومنتری) در نوار ۱۶ ملی متر زیر نام «مانند عقاب» را میتوان نام برد. که امور پراسیس آن در امریکا به اکمال رسید.

این اقدام خجسته در سیر بالنده گی سینمای افغانی دومین گام

قابل توجه در سیر تاریخی این هنر در کشور ما به شمار می‌آید و محتوای آن بیشتر ارائه مناظر طبیعی، روز استرداد استقلال کشور مراسم رسم گذشته عسکری و شاگردان مکاتب و بعضاً از ارگانهای دولتی وقت و ابتكارات مردم زینت بخش آن بود. در این مراسم که (روز جشن یاد می‌شد) و از دیگاه یک طفل در ذهن کنجهکاوی آن تجسم و تبلور میافت و آرزو داشت با هرگونه مشقت و مشکلات که برایش پیش آید آن را تحمل کرده، خود را در محل برگزاری مراسم پرشکوه و باعظمت جشن برساند و با دیده گان بالنده اش و با پشت پا زدن به مشکلات و تحمل رنج و مشقات از نزدیک مراسم را به تماشابگیرد، خاطر رنجور و پریشانش را شاد ساخته از آن لذت ببرد، بحیث طفل غیور افغان از جریان رسم گذشت بیاموزد و به نام فرزند افغان و افغانستان افتخاری نماید. سناریوی این فلم در سال ۱۳۴۳ خورشیدی به وسیله، فیض محمد خیرزاده و به معاونت ستار چفایی طرح و به رشته، تحریر در آورده شد.

روی این هدفمندی، تصامیم لازم جهت تهیه و تولید آن نیز اتخاذ گردید همان بود که مسؤولیت کارگردانی آن را نیز خود «خیرزاده» به دوش گرفته و با گروهی که به وجود آورده بود به فعالیت آغاز نمودند. البته بخش فلمبرداری آنرا ستارزاده و استانت فلمبرداری را سونه رام تلوار به دوش داشت. و در اجرای نقش و باز آفرینی کرکت‌ها: ظاهر هویدا و زرغونه آرام ایفاگر نقش ای اصلی بودند، هنر پیشه‌های دیگر: خان آقا سرور، مزیده سرور

و شور انگیز بودند. که در صحنه‌ها ظاهر می‌شدند.

وقتی فلم «مانند عقاب» اکمال و غرض نمایش روی پرده سینماهای پامیر، بهزاد، سینمای کابل، به معرض نمایش قرار گرفت، یکبار دیگر مردم هنر پورما به این باور شدند که فرهنگیان منور افغان سعی دارند تا این پدیده، نوپا (سینما) را در کشور از هسته بیرون آورده با تحرک و تحول زمینه پیشرفت را برایش مهیا نمایند. همانا با زمزمه‌های جسته و گریخته دولت وقت بالا اثر تقاضاها و پیشنهادهای سازنده و برازنده از سوی مردم هنر پر و رو روشن ضمیر و منورین بعمل آمد تا جهت بالنده‌گی و رشد این پدیده روزنه بی پدید آید که در نتیجه، سعی و تلاش‌های فراوان پیش، سینما در چوکات ریاست مطبوعات وقت گنجانیده شد که بعداً در تشکیل وزارت مطبوعات وقت تحت نام مدیریت عمومی عکاسی و فلمبرداری بنیاد می‌ساید، رویه‌مرفته در سال ۱۳۴۴ به حیث موسسه، غیر دولتی در چوکات موسسه افغان فلم شروع به فعالیت مینماید.

تلاش‌های خستگی ناپذیر دست اندکاران این هنر با درنظرداشت خواست زمان زمینه، آن را مساعد نمایند تا درین راه گامهای شمرده شده به مفهوم حرکت و جهش قابل تأمل برداشته شود، که بامکانات آن زمان کاری بود مؤثر و سازنده که امروزه می‌شود کوچکترین حرکت آنان را به مثابه، بزرگترین گام ارج نهاده و به حساب گرفت. زمان در گذر بود و کاروان در حرکت با پدید آمدن

این دو اثر (عشق و دوستی و ماتنده عقاب) هسته فلمسازی در کشور داشت جان میگرفت و به دور خود عناصر مبتکر و مستعد را باوصف اینکه سینما پدیده ایست دوست داشتنی و جالب که همه گونه احساس، عاطفه و اندیشه انسان را بر می انگیزد، نه تنها عده یی از عناصر مستعد افغان را بلکه سبب شد تا گروه های هنری و سینمایی کشور های خارج جهت باروری این پدیده به افغانستان وارد شوند و با مساعی همه جانبه سینمای افغانی را سمت دهند و آنرا روانه مسیر اساسی آن یعنی اکشاف هنر سینما در افغانستان بسازند. بدینگونه سال ۱۳۵۰ بود که گروپی از فلمسازان جوان امریکایی به منظور تهیه فلمی در زمینه انسان شناسی «انترپالوژی» وارد کشور گردیده و در همکاری دوستانه با مقامات افغان فلم تهیه میدیدند که در آنزمان توریالی شفق از جانب موسسه افغان فلم با این گروه به حیث مشاور و کمره مین معرفی و مؤظف گردید که مدت چهار ماه را با گروپ متذکره در علاقه داری های آقکپروک و شولگره، ولایت بلخ همکاری داشت.

به همسن سلسله سال ۱۳۴۹ ش یونت دیگر از کشور انگلستان تحت سرپرستی مشهور ترین دایرکتور تیاتر و سینمای جهانی (پیتر بورگ) وارد کشور میگردد و این یونت تقریباً از هر جهت یک یونت مکمل بود، در پلان داشتند تا فلمی را بنام (ملاقات با مردان برجسته) اثر گورجیف را که شیوه کلاسیک داشت تهیه و فلمبرداری نمایند.

سناریوی فلم به گونه یی بود که در جریان سفر دو جوان دانشجو که آرزو داشتند تحقیق کنند و پژوهشی را در مشرق زمین خاصتاً افغانستان به عمل بیاورند و با همین دیدارها، ملاقاتها، مطالعات از ورای کتابخانه ها و کتابهای چاپ شده در ز مینه کلتور و فرهنگ افغانها، شخصیتهای علمی و فرهنگی را دریابند و با آنها به ملاقات بنشینند. این یونت را نیز توریالی شفق سینماگر افغانی که منحیث دایرکتور کاست کننده، چهره های افغانی وظیفه داشت، مدت سه ماه همکاری نمود و از چهره های موفق سینمای ما چون: اکرم خرمی، قادر فرخ و فتح الله پرند نیز در صحنه های از فلم ظاهر گشتند. و هریکی از این چهره ها بنابر خصوصیات و ویژه گی های خاص شان در کارها نیکو درخشیدند و تلاشها قابل تأمل از خود در زمینه تبارز میدادند. بعدها پروژه دیگر امریکایی از کمپنی (میترو گولدین مایر) در سال ۱۳۵۰ ش وارد کشور میشود و این یونت میخواهد فلمی را با استفاده از سپورت عنعنی و مشهور (بزکشی) که شهرت و محبوبیت خاصی دارد تهیه و تولید نماید. البته درین یونت دوستان افغانی تحت رهنمودهای عبدالاصمد آصفی به همکاری گماشته شده بودند چون: توریالی شفق، ستارزاده، حکیم خلیق، قادر فرخ و دیگران.

البته قارفرخ منحیث دوبلیکیت (دوبلی کیت) عمر شریف که بازیگر معروف سینمای اروپایی است. درین فلم به صفت سوار کار ظاهر میگردید. چون هنر پیشه موصوف به سوارکاری بلدیت نداشت، قادر فرخ در لانگ شات (نمای دور) به جای کرکتر

عمر شریف نقش بازی کرد.

در سال ۱۳۵۲ ش بود که از کشور هند (سرزمین رقص و موسیقی) یونت فلمسازی وارد کشور میگردد و میخواهد فلم را زیر نام (پرهیزگار) یا (دهرماتا) با شرکت هنرپیشه، معروف هند هیمامالینی و فیروز خان بسازند. این گروپ را از سوی افغان فلم توریالی شفق منحیث دایرکتور کمکی همکاری مینمود که اکثر صحنه های این فلم در شهر کابل و ولایت بامیان فلمبرداری گردیده است.

همزمان با وارد شدن این گروپها (یونتهای فلمسازان) در کشور، موسسه افغان فلم در آن زمان جهت کشف و رشد استعدادها به تدویر کورسهای آموزشی نیز میپرداخت و حتی فارغین این کورسها با استفاده از بورسهای کوتاه مدت تحصیلی به کشورهای که حکومت به آنها در آن زمان روابط دوستانه و حسنی داشت، میفرستاد که از آن جمله به گونه مثال میتوان از توریالی شفق و عباس شبان و حکیم مرزی که به کشور هند غرض تحصیل رفته بودند و همچنان عبدالخاق علیل، ولی لطیفی، دوکتور رفیق یحیایی که در اتحاد شوروی وقت در زمینه سینما و کارگردانی به تحصیل پرداختند، یادهایی کرد. چرا که آموزش و آگاهیهای لازم در مورد سینما و کارهای سینمایی بدون شک در کمال و پختگی این هنر رول به سزایی داشته است که این رفت و آمد های هنری، زمینه آنرا مساعد ساخت تا از تجارت و کار کردهای هنر سینما

استفاده لازم به دست آورد. سفر فرصت خوب بود برای باروری و سمتدهی کار سینما و کار سینماگر آنهم در کشور ما، این پدیده داشت گامهای نخستین ولی استواری را در زمینه بردارد تا کار سینما در جامعه افغانی قد راست کند، رشد یابد و با ایجاد گری خود، خود به پا باپستد.

قابل یاد آوریست که در آن زمان بنابر امکانات دست داشته از کوچکترین تلاش بزرگترین استفاده صورت میگرفت تا این هنر را به نرdban هفتم آن دقیقاً رهنمود و رهنمون گردند که هر گام شان قابل ستایش و درخور اهمیت و تقدیر میباشد.

(سوند، لایت، کمره، اکشن) ملئ ن لغثه از دیده ها

20 cast along the base among the *Zygophyllum*

سینمای افغانی برآه رهی افتید!

با امکانات محدود، فلم آماده، نایش میگردید.

استندیوی افغان فلم که در سال ۱۳۴۷ ش ایجاد و بریاست سلطان حمید هاشم که امور عکاسی و کمپوزیشن مهارت بخصوص داشت و سعی میورزید تا شعب تخصصی و تولیدی ریاست با امکانات دست داشته، فعال نگهداشته شود و فعالیت آن نیز به تدریج فزونی می یافت، آن زمان به ابتکار دسته بی از شایقین هنر فلمسازی در کشور نخستین محصول ریاست افغان فلم را زیر نام «روزگاران» که شامل سه بخش میباشد در دست تهه گرفتند.

بخش اول (کلبگاران)

بخش دوم (شب جمعه)

بخش سوم (قاچاقبیران)

بخش اول - فلم «طلبگاران» به کار گردانی خلق علیل انسجام می یافت و اجرای نقش های عمدہ آن را محبوبیه جباری وحید، میمونه غزال، استاد رفیق صادق، خان آقا سرور بدوش داشتند و مسؤولیت فلمبرداری (کمرة مین) این بخش را سونه رام تلوار بدوش داشت. محتوی این بخش راهمانا طلبگاری های که در قید عنعنات ناپسند طلب طویانه های که منجر به مصارف هنگفت میشد و این بار کمرشکن اسباب تنازعات فا میلی را بوجود میاورد و پیامیست علیه رسم و رواج های بسی مورد و ناپسند.

بخش دوم شب جمعه- این قسمت فلم «شب جمعه» با علاقمندی زاید الوصف و زحمات فروان محترم انجینر محمد علی رونق کارگردانی میگردد موصوف نه تنها امور کارگردانی را پیش میبرد بلکه در زمینه دیکوریشن، لایت (نور پردازی) صحنه ها همت میگمارد و امور فلمبرداری آن را سونه رام تلوار عهده دار بوده است.

در اجرای نقش های عمدۀ آن مشعل هنریار، حریف، اختر، پیکر و.... در خشش درشتند.

محتوای این فلم را صدور مواد غیر قانونی و ایجاد سرگرمی های تشنیج آمیز تشکیل میدهد که سرانجام به جنبه های مفاسد اجتماعی، اخلاقی و جناحی و پولیسی پیوند داده میشود.

بخش سوم قاچاقبران- در فلم «قاچاقبران» که مسؤولیت کارگردانی آن را سلطان حمید هاشم و ستار عهده دار بودند و امور فلمبرداری آن بدوش ستار زاده بود که به همایی سونه رام تلوار به پایه اکمال میرسید. در اجرای نقش های عمدۀ میمونه غزال، پروین صنعتگر و وهاب صنعتگر، استاد عبدالقیوم بسید و دیگران درخشش داشتند.

محتوای این فلم را مهمانی های بی مورد، مخارج افراطی و کمرشکن تشکیل میداد.

همانا که مهماندار مجبور میشود جهت عزت داری مهمانان با

مصارف بی جا دست به دزدی مرغان همسایه بزند و از آبرو و شخصیت خود پکاحد تا به نوع به مهمانان خود برسد.

زمانیکه تهیه این فلم افغانی (روزگاران) به پایان رسید و از سوی ریاست افغان فلم جهت نمایش سینماهای شهر کابل روی پرده ظاهر شد، مردم هنر پرور ما از اقشار مختلف جامعه، دسته، دسته، جوقد، جوقد، با اشتیاق تمام به تماشای فلم میشتابند. و با خرسنده و افتخار به تماشای فلم می نشستند و بعد از تماشای فلم با کنش ها و واکنش های شان اهمیت این پدیده را تأکید و ارزشمندی آن را برای تنویر اذهان عامه، تقویه هنر و فرهنگ به حساب آورده باگرمی استقبال کردند.

در جریان سال ۱۳۵۱ ریاست افغان فلم بدنبال فلم روز گاران، فلم دیگری را زیر نام «اندرز مادر» روی دست میگرد و بعد از آنکه عبدالخالق علیل سناریوی انرا نوشت و مراحل قانونی آنرا به پایان آورد. در اجرای کرکتر های مرکزی فلم محمد نذیر، محبوبه جباری وحید را کاست مینماید. با انتخاب این دوچهره دست اندکاران تصمیم میگیرند تا امور شوتنگ فلم را هرچه زودتر بدست اجرا در آورند. بنا بر آن امور تهیه فلم به کار گردانی «علیل» و به فلمبرداری محمود نوری و دستیاریهای وحیدالله رمق جریان پیدا میکند. نظر به قول (محبوبه جباری وحید) فلم در ابتداء بنام «شیشه، شکسته» نامگذاری شده بود ولی زمانیکه تحول ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ کشور پدید میاید و سردار محمد داود

رژیم شاهی را ساقط میسازد و جمهوری را اعلام میکند، تصمیم بران میشود تا با افزودن چندین صحنه و ناهای ارتباطی در قسمت های اخیر فلم نام آن تغیر یابد و به فلم «اندرز مادر» مسمی شود.

محبوبه جباری در برابر سوالی می افزاید: بلی! حادثه تصادم موثر حین جریان شوتنگ واقعیت داشت، پس از آن من در شفاخانه و منزل مدتی در بستر ماندم که دوستان به عیادتم آمدند و لطف کردند ولی بعد از صحت یابی دویاره با اشتیاق تمام حاضر به شوتنگ شدم و همچنان در فلم متذکره بر علاوه اجرای نقش به مکیاز چهره ها و انتخاب لباس ها نیز همکاری داشتم.

محتوای فلم بربیک حادثه جنایی استوار است و سلسله بی از فربد دادن ها و اغوا گری را در جریان زنده گی نشان میدهد، ولی پیامد آن استقامت کرکتری به تصویر کشیده شده که تصادفات روز آنرا در آزمون قرار میدهد که اجرای همین کرکتر را محبوبه جباری و زرغونه آرام نیکو نقش آفرینی کردند، البته در مبارزه با نا ملایمات روز گار، کرکترها بگونه، پرورش یافته بودند که یک اندیشه را برملا میساخت تصمیم وارداده قوی انسان را به سر منزل مقصود میرساند و از منجلاب بدروزگاری و گردابهای خطر رهایی میبخشد، در اجرای کرکترهای عمدۀ :

محمد نذیر، محبوبه جباری وحید، میمونه غزال، اسد الله آرام، زرغونه آرام، استاد رفیق صادق، هارون، سایر اعظام، ف، عبادی و دیگران درخشش چشمگیر داشتند.

غایش فلم نیز با موفقیت همراه بود چون مردم هنرپرور ما دایماً در زمانه های گونه گون در برابر پدیده های جالب و قابل توجه واکنش از خود نشان داده اند که میشود از استقبال گرم مردم در آن زمان از تماشای فلم نام برد و فراموش نباید کرد که کار کرده ای هنری و جالب اهل هنر در جایگاه ها یش همواره قابل تحسین بوده است.

برج سنبله و میزان سال ۱۳۵۲ نقطه عطف در سینمای ما محسوب میگردد و آن اینکه دو تن از عناصر آگاه درفن سینما (دکتور رفیق یحیی‌ای و ولی لطیفی) تازه از تحصیل و آموزش در فن سینما از اتحاد شوروی وقت برگشته بودند و خواستند با مساعی مشترک شان به فعالیت سینمایی بپردازند. دکتور رفیق یحیی‌ای پس از مطالعه از اوضاع کشور و نابرابری های اجتماعی، داستان قبل از بچاپ رسیده یی از شفیع رهگذر را بر میگزیند، سوژه آن را در قید سناریو در میاورد که محتوای آن تصویری از انعکاس واقعیت های جامعه و مسؤولیت دادن روشنفکران در آن مقطع زمانی میتواند بود. با این تفکر و اندیشه سناریوی فلم را زیر نام «حاکم» برگشته تحریر درآورد. و تصمیم گرفته شد تا از سناریو متذکره فلمی تهیه بدارند. بدین ترتیب یونت امور تهیه فلم آماده میگردد و فلم روی خصوصیات ریخت سناریو به مرحله شوتنگ میرسد.

مسؤولیت امور فلمبرداری بدوش فلمبردار خوب و مجبوب سونه

رام تلوار با همدستی محمود نوری و به کارگردانی مشترک ولی لطیفی و رفیق یحیایی پیش بردہ میشود.

و در اجرای کرکتر های مرکزی و عمدہ فلم : ولی لطیفی، رفیق یحیایی، آصف وردگ حاجی محمد کامران، مینا، فتح الله پرند، قادر فرخ، انور رضا زاده، حنان زمربیال، عبدالباری جواد و دیگران درخشش داشتند و مسؤولیت میکیاڑ هنر پیشہ ها را نجیب الله سلطانی عهده دار بود.

زمانیکه این فلم به پایه اکمال میرسد، بنابر اوضاع جاری در کشور، فلم تحت قیچی سانسور قرار میگرد و با افزودن کرکتر «حاکم» دوم در کنار حاکم (نخست) که ولی لطیفی ایفاگر نقش حاکم نخست بود، رفیق یحیایی باز آفرینی کرکتر حاکم دوم را که تازه بوجود آمده بود، خود بدوش میگرد و همراهی دشوار «روز های دشوار» پراسس و اکمال میگردد. واندکی بعد فلم با تبلیغات خاص در سالون سینمای های شهر کابل اقبال غایش میابد و مردم با استیاق کامل به نمایش فلم شتافتند و از آن به گرمی استقبال نمودند.

بدینگونه رفیق یحیایی با پیشکش کردن فلم (روزهای دشوار) که هریتی ریالسیتیک داشت گام مشمری دیگری در جهت رشد و غنای سینمای نو پای ما گذاشت.

ریاه ثالث شده ریاه

پرودکشن های شخصی،

تیف، فیلما

من په ملایت

گامی در تقویت سینمای افغانی

ملا ابیض قبل از آنکه مفکوره ایجاد پرودکشن های شخصی در قبال سینمای دولتی رشد و پرورش یابد، جامعه افغانی در جریان سال ۱۳۵۴ شاهد تحول در حیات (سیاسی و اجتماعی) کشور عزیز ما میگردد.

بدینوسیله سردار محمد داود بحیث نخستین رئیس دولت زمام امور را بدست گرفت که ساعت ۷ صبح ۲۴ سرطان ۱۳۵۲ در بیانیه، «خطاب به مردم» از رادیو افغانستان به نشر رسید.

این تحول امید واریهایی را در عرصه های مختلف زنده گی برای مردم ماکه سالها رنج کشیده بودند نوید میداد، در چنین حالات و فضا فلم «روز های دشوار» روی پرده سینماهای شهر اقبال نمایش یافته بود و مردم با علاقمندی و اشتیاق به تماشای فلم مشتافتند، اکثریت تماشاگران فلم را منورین و روشنفکران تشکیل میدادند که از تاثیر پذیری و ایجاد و گسترش پدیده سینما اینجا و آنجا ها

صحبت‌های داشتند، فلم «روزهای دشوار» با اینکه با امکانات محدودی روی پرده آمده بود، ولی بانهم محتوای فلم و نوع تصویر پردازی و بعضی از نمایهای آن از بینش سینمایی با معیارهای سنجیده شده اخذ و انعکاس یافته بود که تماشگر چیز فهم و آگاه را بخود جلب و امید وار می‌ساخت. بدین لحاظ می‌توان گفت که این مساعی امیدهای تازه و دویز نه، خوبی را جهت رشد سینما در کشور باز کرده بود.



پرودکشن:

«نذیر فلم»

محمد نذیر

بادرک چنین بینش در جهت دادن روند تکامل سینمای افغانی یک عده از منورین و فرهنگیان بر این شدند تا در رشد یابی و تکامل پدیده نو پا، اقدامات لازمه را با مساعی مشترک با بهره گیری از امکانات ریاست افغان فلم، پرودکشن شخصی رای بنیاد بگذارند که نخستین بار در تاریخ سینمای مان شخصیت صمیمی و هنر پرور مرحوم محمد نذیر به این ابتکار دست زده است. زمانیکه موصوف فلم «روزهای دشوار» را تماشا میکند و در میابد که واقعاً ضرورت چنین یک پدیده موثر و انگیزende در جامعه ما محسوس است، همانا با همدستی عده بی از شخصیتهای فرهنگی چون: عبدالله شادان، داود فارانی، توریالی شفق وعدیی از دوستانش در سال ۱۳۵۳ پرودکشن دیگری را زیر نام (نذیر فلم) بنیاد میگذارند.

نذیر فلم در مدت کوتا، بادست اندر کاران سینما انس میگیرد و با دید وسیع اقدامات جدی را در تهیه و تولید فلم های افغانی راه اندازی میکند و تحرکی را در قبال هنر فلمسازی کشور بوجود

می اورد، شخص محمد نذیر با توانندی بی که داشت دیری نگذشت که با تفاهم همکاران (داود فارانی، عبدالله شادان) به اساس درامه رادیویی (رابعه بلخی) تدارک فلمنامه، آنرا روی دست میگرند.

سناریوی فلم متذکره را عبدالله شادان بار نخست بنام رابعه «دخترکعب» بعدها بنام «شعر ها ناسروده ماندند» مینوسد که بالاخره در اثر جزو بحث و جدال های فرهنگی به نام «رابعه بلخی» اکتفا نموده با اتفاق هم ، محمد نذیر بدون آنکه به شکست موانع درین راه بیندیشد مصممانه بر آن میشود تا از سناریو متذکره فلم تهیه و تولید نمایند. با مشکلات فراوان و عدم آماده گی استدیوی مجهز برای ساختار فلم تاریخی و عدم تجربه کافی در پرداخت زانرهای فلم تاریخی و همچنان دایرکت و کارگردانی چند کارگردان چون : عبدالله اعلیل، جلال پیروز، عباس شبان، توریالی شفق و عدم توافق روی صحنه ها و بازیگران فلم در چندین مرحله مسبب آن میشود که کیفت خاص داستانی و تاریخی صدمه پذیر گردد ولی باز هم بامساعی صدقانه مرحوم نذیر، فلم متذکره پروسه اکمال خود را می پیماید و غرض نمایش آماده میگردد.

مسؤولیت امور پرودکشن فلم را ~~محمد نذیر~~ ^{فتح الله} پرنده بدوش داشت.

در اجرای کرکترهای عمدۀ آن : عبدالله شادان، سیما شادان، محمد نذیر، فتح الله پرنده، داود فارانی، باقی خاچی و دبکران

درخشش داشتند. همچنان برای نخستین بار «سلام سنگی» درین فلم ظاهر میشود و بعداً آرام، آرام بانقش آفرینی هایش در سینمای افغانی ظهور میکند. و اما محمد نذیر که عطش ساختن فلم را پیش از پیش احساس میگرد و با اشتیاق کامل سعی بر آن بود تا امور تهییه سومین فلم را تدارک ببیند.

مگر با دریغ و درد که مریضی عاید حالت میگردد و این آرزو و این امیدش برآورده نمیگردد و سایه مرگ رد پای او را گرفته تا سرانجام گریبانگریش گردیده از پایش می اندازد و ناگزیر مرگ را لبیک گفته به خواب ابدی فرو میرود.

محمد نذیر مرحوم در شهر باستانی اهرات دفن میگردد، همزمان با آن فعالیتهای هنری و تلاشهای خسنگی ناپذیر نذیر فلم نیز خاموش و به سکوت ورکود مواجه میگردد، ولی کار کردها و تلاشهای موصوف این اندیشه را میرساند که چنین عناصر آگاه و هوشمند فمی میرند و همیشه از سوی هوا داران سینمای افغانی به نیکویی یاددهانی گردیده در خاطره ها خواهدماند. با مرگ نابه هنگام نذیر درب نذیر فلم نیز بسته میشود.

پرودکشن:

آریانا فلم

انجینیر لطیف

با استفاده از بیانیه، «خطاب به مردم» سردار محمد داود نخستین رئیس جمهور کشور شرایط و امکانات آنوقت در جهت گسترش هرصده های فرهنگی؛ شایقین هنر هفتم با همدمستی یکعده. منورین به منظور رشد و انکشاف پدیده سینما در جامعه متحداً دست بددست هم داده طرح و ریخت، ایجاد پرودکشن دیگر را زمینه سازی کردند. بالاثر این تصمیم در بهار ۱۳۵۴ ش توانستند امتیاز فلمسازی را تحت نام «آریانا فلم» از وزارت اطلاعات و کلتور وقت بددست آورند.

مسئولیت موسسه، متذکره به دوش انجینیر لطیف بود که با تشویق مامايش آقای (عزیز) و به همکاری و همدمستی توریالی شفق به سمت سناریست و کارگردان، عباس شبان به سمت کارگردان و دوستان دیگر: انجینیر عارف، قادر طاهری، محمد عمر، انجینیر قدرت الله پیوسته موسسه را به سوی آفرینش هنری جولان میدادند که همدوش با هیئت رهبری آریانا فلم عناصر آگاه و پرکاری چون: فتح الله پرند، محمد جان گورن، عبدالله وطندوست،

عارف الدین، سلام سنگی، عصمت الله مشهور به تفنگ ساز که اکثر مسؤولیت امور تخفیکی را نیز بدوشت داشت و همچنان ناصر عزیز، خورشید مندوزی، حنان زمربیال، صدیق برمک، حشمت فناهی، کریم، نایل، عزیز نایل و هم عده، دیگر جوانان علاقمند را جذب کردند تا در زمینه پیشبرد امور محوله با همآهنگی به کار هنری بپردازنند و این روزنہ را به سوی نور و روشنی و مستقبل راهگشایی نمایند. دیری نگذشت که مساعی جمعی اعضای این موسسه گل کرد و نخستین محصول هنری خویش را به نام فلم «مجسمه ها میخندد» غرض فایش روی پرده ظاهر ساختند.

مسئولیت کارگردانی به دوش توریالی شفق و سناریو و امور فلمبرداری آنرا اخجنیر لطیف با دستیاری قادر طاهری که بیشتر امور عکاسی را نیز بدوش داشته به انجام آوردند.

در باز آفرینی نقشهای آن چهره های موفق: ذکیه کهزاد، عبدالله خموش، محمد جان گورن، فتح الله پرند، عبدالله وطندوست و دیگران درخشیدند.

فلم که در محور یک حادثه، رومانتیک، شعر و ادب، انعکاس کار خلاقه هنر نقاشی در پیوند با داستان رومانتیک آن چرخش داشت، توجه تماشاگر را در زمینه های ارزشمندی هنر نقاشی، عشق و محبت جلب میساخت و همچنان درخشش چهره ها و سعی و تلاش خستگی ناپذیر دست اندر کاران فلم، زمینه کار پیشتر را درین عرصه پدید آورد.

بعد از قرار گرفتن فلم «مجسمه ها میخندند» در پرده سینما و استقبال بی پایان مردم، رهبری مؤسسه را بران داشت که تدارک فلم دیگری را با گستردگی بیشتر و خلاقیت بیشتر روی دست بگیرند. چرا که از کار قبلی تجارب هنگفتی داشتند، این بار توریالی شفق با سناریوی زیر نام «غلام عشق» که از روی یک داستان واقعی بر مبنای خان سالاری و تعصبات محلی ولی آمیخته با ماجراهی عاشقانه، دوجوان که در چنین یک شرایط ناگوار سعی میدارند تا بر مشکلات فایق آیند و از این دیدگاه بتوانند ایده پاکیزه نگری، روش بینی و روشنفکری و همچنان اندیشه زنده گی با همی و درک مسئولیت را در جامعه پدید آورند.

زمانیکه نگارش سناریوی فوق به وسیله داد فارانی اکمال گردید، غرض تأیید و اجازه مقامات اطلاعات و کلتور وقت برده شد و پس از تأیید به وسیله آریانا فلم زمینه تهیه و تولید آن بدست اجرا قرار گرفت.

فلم «غلام عشق» که امور کارگردانی آنرا توریالی شفق عهد دار بود و انجینیر لطیف با دستیاری قادر طاهری و ناصر عزیز امور فلمبرداری آنرا بدوش داشتند که پس از تهیه مواد خام و جلب همکاری ریاست افغان فلم، کارگردان با اتفاق فلمبردار به کاست چهره ها و تعین یونت پرداختند تا هر چه زود تر با پشت کار و هماهنگی امور شوتنگ را پیش ببرند.

یونت که بیشتر از اعضای آریانا فلم متشکل بودند با سعی فراوان و علاقمندی خاص مراحل شوتنگ (فلمبرداری) را با چنان

اشتیاق، شوق و صمیمیت کامل پیش میبردند که هیچ کدام از اعضای یونت احساس خستگی نمیکردند و با خاطرات شیرین جریان فلمبرداری آن به پایان رسید و دیگر مراحل پروسس آن نیز به وسیله ریاست افغان فلم با تفاهم و هماهنگی مسئولین آریانا فلم به پایه اکمال رسیده آماده نمایش گردید.

اما نسبت کودتای ۷۷ ثور ۱۳۵۷ فلم مدت زمان کوتاه اجازه نمایش نیافت و کودتای ثور به مشابه ایجاد یک شبکه منظم تبلیغاتی - ایدیولوژیکی همانند بسیاری از رژیم های دیکتاتوری عرصه سینما را در انحصار خویش قرار میداد و این نخستین باری بود که قیچی سانسور طبقه کارگر به رخ سینمای ما سیلی زد و فلم غلام عشق که در اصل پایان دراماتیک عشقی داشت که باب دندان روز نبود، دست اندر کاران رژیم فلم را تا زمانی اجازه نمایش ندادند تا غلام، قهرمان فلم پس از درگیری با ارباب محل مصمم شود که با دسته از فعالین دهقانی حزب بپیوندد و این طرح در قسمت دوم فلم انعکاس می یابد تا انقلاب را به پیروزی میرساند.

اما بعداز مساعی زیاد هیئت رهبری مؤسسه و سانسور صحنه های فلم و افزود نما هایی چند، کارگران فلم توریالی شفق تأیید فلم را از مقامات وقت بدست آورد و آماده نمایش ساخت.

اما قسمت دوم آن که کار تحکم و زور بود هیچگاهی ساخته نشد و فلم با تایتل دادن (قسمت اول) اقبال نمایش یافت.

در اجرای کرکتر های فلم چهره های موفق سینمای ما چون:

شاه جهان، مینا شفق، اکرم خرمی، فتح الله پرند، محمد جان گورن، قادر فرخ، سید علی عالمی، سلام سنگی، مجید غیاثی، عبدالله وطن دوست، خورشید مندوزی، بصیره خاطره، عارف الدین، موسی راد منش نیکو درخشش داشتند. زمان ایکه فلم روی پرده سینما به نایش آمد، مردم از آن با قدر دانی و تجلیل خاص استقبال نمودند و با خرد مندی از این در و آن در، تماشا چیان با ارج گذاری به زحمات یونت فلم ابراز داشتند که سینمای افغانی دارد آهسته آهسته به مرحله، شکوفایی گام مینهاد و آنانی را که به هنر به ویژه به هنر سینما علاقه داشتند و یا به توسعه و انکشاف هنر سینما در کشور معتقد بودند، امید وار ساخت که میشود عناصر آگاه با ایجاد گری و تخلیقات بیشتری در کار سینما پیروزی های بیشتر در آن مرحله، خاص زمانی برای تاریخ و مردم خوش به دست آورند.

قابل یاد دهانی است که مؤسسه آریانا فلم در کنار فعالیت های سینمایی خوش نخستین بار فلم های تبلیغاتی و تجارتی را نیز وارد سینمای ما ساخت که میتوان از تهیه، اسپات دو دقیقه یی نوشابه، کوکا کولا، اسپرایت و کفشنگ پلنگ نشان نام برد.

* * * *

سال دیگر این مؤسسه با همکاری صمیمانه، عده یی از هنر پروران هراتی با برداشت از داستان سیاه موی و جلالی، فلم هنری

رنگین را به نام «سیاه موی و جلالی»^۱ به دست تهیه گرفتند که سمت کار گردانی آن به دوش عباس شبان بود و فلمبرداری آن را انجینیر لطیف به هم‌ستی قادر طاهری به عهده داشت که نخستین فلم رنگین در سینمای ما می‌باشد.

در اجرای نقش‌های عمدۀ این فلم فقیر نبی، ستوری منگل، عبد الشکور حکم و فتح الله پرند درخشیدند.

البته آهنگهای فلم «سیاه موی و جلالی» به وسیله، آهنگساز و موسیقی دان کشور وهاب مددی تصنیف، کمپوز و خوانده شده است. فلم بعد از اکمال آن جهت نمایش آماده شد.

فلم «سیاه موی و جلالی» را مردم نیز با علاقمندی زیادی بنابر اینکه قصه، آنرا در قید داستان از ورای امواج رادیو و یا چاپ به جراید کشور قبل‌شنبیده و یا خوانده بودند به تماشای آن رغبت زیاد نشان داده و فلم را با استقبال گرم بدرقه کردند.

* * * * *

اقدام دیگر موسسه «آریانا فلم» را که تولید فلم (مزرعه سبز) است می‌توان نام برد.

فلم «مزرعه سبز» که به مناسبت روز جهانی غذا و به یاری و حمایت اقتصادی بانک انکشاف زراعت و شرکت تخمهاي اصلاح شده و شرکت کود کیمیاواي افغان تدارک یافت که بعداً با توجه مسئولین ریاست افغان فلم پروردگشن آن سازماندهی و فلم به پایه

اکمال رسید. سناپریوی فلم به وسیله، بورڈ مشترک: انجنیر لطیف، حنان زمربال، عبدالسلام سعیدی و وهاب آصفی به رشته، تحریر در آمد.

البته کارگردانی و امور فلمبرداری آنرا انجنیر لطیف متقبل گردید. که در اجرای نقشهای عمدہ: زمربال، بصیره خاطره، انور رضازاده، عارف الدین، سرور سرمد درخشیدند.

* * * *

«دام مرگ»

علم نیمه هنری و نیمه مستند (داکومتری) به نام (دام مردگ) به فرمایش وزارت صحت عامه وقت روی دست گرفته شد، محتوای اساسی فلم را بیماری توبرکلوز تشکیل میداد و فلمنامه، آن را لطیف ناظمی به رشته، تحریر در آورد و دایرکت آنرا انجنیر لطیف با مساعی رؤوف راصع عهده دار بودند و امور معاون پرودکشن (تهیه و تدارک) را کمال الدین مستان به دوش داشت.

موضوع فلم روی این اندیشه استوار بود که وزارت صحت عامه چگونگی جلوگیری از این مرض خطرناک یعنی توبرکلوز را بگیرد تا صحتمندی و سلامتی افراد جامعه ایجاد گردد. و نقشهای عمدہ فلم را فتح الله پرنده، محمد جان گورن، ابراهیم طفیان، بصیره خاطره، محبوبیه، ناصر عزیز، عارف الدین به عهد داشتند که در نقشهای خویش به شایستگی درخشیدند.

* * * *

موسسه آریانا فلم با سعی و پشت کاریکه داشت فلم هنری دیگری را به دست تهیه میگیرد زیر نام «گناه» که فلمنامه آن را انجینیر لطیف مینویسد و اعضای آن با علاقمندی به تکمیل آن کمربهت میبندند و این بار انجینیر لطیف با همدستی دوستانش مسؤولیت فلمبرداری و کارگردانی را به دوش گرفته و آنرا به پیش میبرد.

ولی در جریان فلم نسبت ضعف و مضيقه، اقتصادی کار «شوتنگ» آن به مشکلات مواجه میگردد، ناگزیر با تفاهم ریاست افغان فلم بقیه امور تهیه (پردوکشن) آن به دوش بخش تهیه و تولید ریاست افغان فلم تکیه میکند. با ادامه امور تهیه فلم «گناه» انجینیر لطیف به این اندیشه میشود که موسسه آریانا را با ریاست افغان فلم تیز یکجا سازد، به این ترتیب دیگر موسسه آریانا فلم از فعالیت باز میماند. صرف یک عده اعضای فعال آن در افغان فلم به فعالیت خود ادامه میدهند بالاخره فلم «گناه» آماده غایش میگردد. محتوای فلم برمحور نا برابر های جامعه ظلم و عیاشی چرخش داشته و در ارانه، سناریو- صحنه آرایی های «تجاویز، کسه بوری، دزدی، قمار و تجارت شیره، چرس، فریب و اغواگری، عقده گشایی و انتقام...» تجلی یافته، تسلسل صحنه ها را با دوستی و عشق دودلداده و عدم رعایت نظم اجتماعی برمبنای قانون که مفاسد اجتماعی از آن بروز میکند، پیوند میباید.

دو برجسته گی در فلم توجه تماشاگر را بخود جلب میکند، یکی

یکدست بودن دیالوک ها و دیگر باز آفرینی نقش است بوسیله سلام سنگی، فقیر نبی، حشمت فنایی که بیشتر بر محاسن و زیبایی فلم افروده است.

در تهیه و تولید فلم «گناه» این بخشها و افراد سهم با ارزش داشتند:

امور تهیه: عارف کیهان و ابراهیم عارفی

امور عکاسی: قادر طاهری

چاپ و لابراتوار: سلطان استالفی، احمدشاه صدیق

ثبت آواز: عبدالرحمن صفتی

نور پردازی (لایت) عارف الدین

موئیتزاور: حکیم مرزی

در اجرای کرکترهای فلم: فقیر نبی، سلام سنگی، حشمت فنایی، معرفت شاه خاطره، فرید فیض، نصیر القاس، عظیم جسپور، حکیم خان، خورشید مندوزی، انور رضا زاده، تورپیکی، قدیری، کریم نایل و الفت هیروی درخشیدند و مردم از تماشای فلم به نیکی استقبال کردند.

پرودکشن:

شفق فلم

توریالی شفق

که با دید وسیع و بینش گسترده در جهت رشد و بالاندگی سینمای افغانی می‌اندیشید. او از نامالیمات نمی‌هراست و با دید و نگرش ژرفی به آفرینش و ایجادگری می‌پرداخت. بعد از آنکه فلم «غلام عشق» را که بین سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ به موسی رادمنش سرپرست پایه، اکمال رسانید و بعد از بررسیها و ارزیابیهای موفق شد فلم را به نایش بگذارد. خواست نهاد مستقلی را بنیاد نهاد که گام مشمر دیگری باشد به سوی اوجگزینی سینما در یک افق وسیع ایجادگری و انکشاف، روی چنین اندیشه، سليم و استوار. موصوف در پاییز سال ۱۳۵۸ امتیاز موسسه، استدیوی (پرودکشن) شفق فلم را از وزارت اطلاعات و کلتور وقت به دست آورد.

این سینماگر آگاه و خوش قلب در آغازین روز افتتاح موسسه «شفق فلم» ابراز داشت: «دستیاب نمودن نام مقدس هنر سینما،

اگر از سویی افتخار بزرگی است، از جانبی رسالت سترگی نیز هست که بردوش مان گذاشته میشود. باید ما رهپوی صادق ژرفها باشیم و به ظواهر و شهرتهای فربینده دل نبازیم بل عمق مسایل را درک و دوراندیشی کنیم، حب و بعض را کنار بنهیم و به تعالی بیندیشیم. »

بلی! در روشنایی این اندیشه، والا در آغاز فتح اللہ پرند، موسی رادمنش، مرحوم ایوب معصومی، محمد جان گورن، اکرم خرمی، احمد سیر رحیل، مرحوم عارف الدین و مرحوم عبداللہ وطندوست... بحیث اعضای هیئت رهبری و ایجاد گران موسسه فعالیت داشتند تا امور سینمایی را در این کانون تنظیم و رونق دهند. تا هر تصویر شان بیان و زیان هنری باشد که نبض آن با خواست زمان گره خورده و در تپش بود و از نیاز های زمان غایبنده گی میکرد.

و این زمانیست که حاکمیت سیاسی و دولتی را سردمداران ^۷ ثور عهده دار بودند و گمان بران بود که میشود بنابر مشی ظاهراً انساندوستانه در عرصه فرهنگ نیز پیشرفتهای لازمde مرعی الاجرا قرار گیرد.

با آنهم در شرایط سخت و دشوار سیاسی تلاشی بعمل میآمد تا سینمای افغانی مسیر اصلی خود را آگاهانه و هوشمندانه بپیماید و ورود خود را طبق خواست و امکانات اوضاع باقبول مردم سازگار و هماهنگ سازد، سینما و سینماگر کارش را تداوم بیخشد، اما نباید فراموش کرد که این آرمان خجسته هرگز به تحقق نخواهد پیوست

مگر آنکه سطح آگاهی و دانش مسلکی (بینش سینمایی) هنر و ران بلند رود و زرفنگری و راست اندیشه جانشین سطحی نگری در ازهان و اندیشه ها گردد.

روی این اندیشه موسسه شفق فلم نخستین اثر تولیدی خود را بنام «جنایت کاران» بدست تهیه میگیرد، در قسمت امور تهیه و پرودیوس فلم، حاجی فیض محمد فیض و توریالی شفق باهم همکاری داشتند، امور فلمبرداری به وسیله انجینیر لطیف بادستیاری ناصر عزیز صورت گرفت. سناریست و کارگردان فلم مرحوم توریالی شفق بود که با دستیاری احمد سیر رحیل و موسی رادمنش تهیه و به نایش آماده شد. محتوای فلم از بی بندویاری جامعه سخن میگشاید و نشان میدهد که چگونه حاکمیت زور و زر در جامعه حکمفرماست و ارزشهای انسانی پایمال میگردد، محبت و صداقت حیف و میل گردیده فاجعه و جنایت به وقوع پیوسته زنده گی صدها انسان منظوم به وسیله اغواگران به نابودی کشانیده میشود. این درد و رنج جامعه با حوادث و صحنه آرایی با بیان تصویری از شرایط ناهنجار زمان، زمینه ساز عصیان بوده است و طفیانها و تحرک و پویایی و رزمنده گی در برابر سالاران زر و زور، انعکاس یافته است، فلم متذکره با نقش (کرکتر) های عمدۀ در فلم «جنایت کاران» ابراهیم طفیان، محمد جان گورن، سلام سنگی، احمد سیر رحیل، ایوب مقصومی، موسی رادمنش، فتح الله پرند، محمد حکیم، شاکر، ناهید سرمه، نوریه، حمیده، تورپیکی، خورشید مندوزی و ... بدوش داشته و هر کدام در قالب

کرکتر ها به شایستگی درخشیدند. عکاسی صحنه های فلم را با ارائه کمپوزیشن های زیبا قادر طاهری بدوش داشت، موسیقی و انعکاس آهنگ های آواز خوان محبوب کشور احمد ظاهر که به وسیله عارف کیهان در چند صحنه رومانتیک لبسنگ میشدیر موفقیت فلم نیز افزوده بود فلم «جنایت کاران» بگونه آزاد به فیستیوال «کانت» کشور فرانسه دعوت گردید ولی بنابر قیود و پالیسی رژیم حاکم نه برای کارگردان فلم «توريالی شفق» و نه به ارسال فلم بحث یک ساخته سینمایی موافقه شد، زمان تدویر فیستیوال گذشت و فلم از شرکت در فیستیوال باز ماند و خاطره تأثیر آور آن برای کارگردان فلم و اعضای شفق فلم فراموش ناشدندی است. بعد از نمایش فلم، شفق فرضت یافت تا غرض رشد و بالنده گی جوانان تازه وارد در عرصه سینما کورس های مقدماتی را در زمینه تیوری و شناخت هنر سینما در سه بخش (تاریخ سینما، تخيیل و هنر با زیگری) (تشیل) راه اندازی کرد که بدینوسیله در چندین دوره استعداد های قابل توجه را به سینمای افغانی تحت تربیه گرفت که میتوان بطور مثال در بخش کمره و تخيیل از محمد احسان، محمد عیسی رادمنش و در زمینه تیوری و باز یگری (تشیل) تیمور حکیمیار، همایون سدوزی، صفور آهنخیل، عادله ادیم، حنیفه، صدیقه بشدوست، ذکیه داماج، شاه محمود شارق، حبیب ذلگی، واسع صمدی، شریف خیرخواه، محمد حیدر رادمنش، عنایت الله محب زاده، حسین جان که بعداً به امور کارگردانی به کشور چکوسلواکیا به تحصیل پرداخت یاد کرد.

و خاصتاً شفق فلم به همت همین افراد کهورس توانست یک گروه مکمل فلمبرداری به میان آورده تا گاره هنری و تختیکی موسسه را حسب دخواه به انجام آورد.

دومین محصول ابن موسسه فلم میهنی و جهانی «عشق من میهن من» بود. گرجه در ابتداء سناپیوی ابن فلم به نام «رستورانت» تحریر یافته بود، و گویکتر مرکزی از میان شاگردان که بنابر ضعف اقتصادی و عدم شرایط مساعد به کارهای و بودگار نا به سامان مجبور به شاگردی و پیشخدمتی در رستورانت ها گار میگردند و یغداً یا آشناپی یا دختر روشنفکری و روال زنده کی و سرنوشت آن دگرگونی روفا شده سمت معین اختیار مینماید. وقتی سناپیو به مقامات ذصلاح غرض تایید و طی مراحل تعقیب شد، بنابر پالیسی وقت و شرایط حاکم بر اوضاع مقامات فرهنگی و هنری سناپیو فلم تغییر میباید و به نام «عشق من میهن من» مسما میگردد و موسسه مجال میباید تا به دومین محصول خوش اتفامات عملی را روی دست پکیرد.

سناپیست و کارگران و پرودیور فلم، توربالی شفق بود و امور کارگردانی آن به هستیاری موسی رادمنش صورت می پذیرفت. امور فلمبرداری آن به دوش سلیمان علم و در اجرای نقشهای عمدت: ابراهیم طفیان، عادله ادیم، اکرم خرمی، فتح الله پرند، موسی رادمنش، ذکیه داماج، علیف الدین، عبدالله وطندوست، تیمور حکمتیار، صفور آهنگیل، عنایت الله محب زاده، رحیم الله

و عده، دیگر درخشش داشتند. این فلم بعد از پروسس و چاپ در استدیو های افغان فلم، غرض نایش آماده شد.

فلم گرچه به استقبال گرم مردم روپرتو گردید اما به تناسب فلم «جنایت کاران» بازار نیافت. ولی به فیستوال (چشواره سینمایی) مسکو کاندید گردید و حائز جایزه، فیستوال و دیبلوم گردید.

سومین محصول این موسسه یک فلم رزمی که تقریباً به شیوه و ساختار فلمهای جنایی تدوین یافته بود به نام «کامهای استوار» است که امور تهیه و پرودیوس آنرا وزارت امور داخله وقت به دوش داشت.

سناریت و کارگردان فلم (توریالی شفق) و معاون کارگردان موسی رادمنش، و فلمبرداری فلم را فلمبردار ورزیده، ما محمده نوری و استانت فلمبردار محمد حاشم تصویربرداری کرده اند و بعد از چاپ پروسس در افغان فلم آماده نایش گردید.

در فلم «کامهای استوار» ابراهیم طغیان، عاقله، عادله ادیم، اکرم خرمی، عبدالله وطندوست، فتح الله پرند، حبیب زلکی، تیمور حکمتیار، یاسین خموش، شاه محمود شارق، عتو خنده، رحیم الله، عنایت محب زاده و موسی رادمنش نقش آفرینی نمودند.

در کنار فلمهای سینمایی موسسه شفق فلم به کار گردانی مرحوم توریالی شفق دو فلم هنری تلویزیونی زیر نام (جاوید من و فرشته) نیز که جنیه، آموزشی داشتند و بر محور رسالتمندی

جوانان در پرتو اندیشه سلیم جهت صلح و آبادانی کشور میچر همپید آمده، تهیه بود. اما دریغ که توریالی «شفق» را بیماری دوامدار مجال نداد تا این دو اثر انسانی و عاطفی خویشرا با جمعی از اعضای موسسه و شاگردان که به دور این موسسه گرد آمده و روز تا روز به آموزش و آگاهی پدیده، سینمایی مصروف بودند، اکمال و به قماشان بنشینند. او به ابدیت پیوست روح اش شاد و جنت فردوس نصیبیش باد. با مرگ و نبود «شفق» در فعالیت این موسسه یکنوع رکود ایجاد میگردد اما بعد از اندک زمان اعضای با درک و فعال موسسه بر آن مصمم میشوند که در وضعیت موسسه توجه وسعی نماینده تا موسسه ایرا که بر ایشان حیثیت مکتب را دارد. رکود و خموشی نگراید و مشعلی را که برآفراخته شده فروزان نگهدازند، همانا در نتیجه چنین تصمیم، اعضای بر جسته موسسه: اکرم خرمی فتح الله پرند، تیمور شاه حکمتیار، نصر الله نوروز، همایون سدوزی، صبور آهنخیل، شاه محمود شارق، سید میران فرهاد، محمد عیسی، محمد حیدر، یار محمد، غلام سخی بربالی، عنایت الله محب زاده، رحیم الله رحیم الله، حشمت نایی، مهدی همت، شجاع، ابراهیم، نجیب الله صدیقی، عادل شاه، رفیق احمدی، محمد سنجر، ناهید، محمد حنیف، صفائی الله، صبور خنجری، وسیع فقیری، نصرت، توریالی واحدی، نبیل، عبدالله، ظهیرالدین، احمد ولی عقاب، نوریه، نسرین، شکیلا، زرلشت، نورضیا، نزهت و عده دیگر به سپرستی موسی رادمنش و معاونیت تیمور حکمتیار موسسه را

دویاره فعال سازند. رادمنش با ارادتمندی به استادش (شفق) و علاقمندی و اندیشه ایکه در غنامندی و شکرفاوی سینمای افغان داشته و دارد با قبول بار سنگین با همدستی یارانش پیمان بستند تا با خرد سالم و قبول هر نوع رحمت موسسه رافعال و به سمت بالنده گی رهنمایی کنند در قدمه نخست کورس آموزشی را با تفکیک صنف بندی آن مطابق به تقسیم اوقات معین فعال ساختند و از سینما گران مجرب خواهش برده شد تا بوقت معین به موسسه تشریف آورده و جوانان علاقمند را که عضویت موسسه را پذیرفته بودند تدریس نمایند که سرانجام از سوی ریاست افغان فلم و ریاست انجمن سینما گران انجمن های هنرمندان این اقدام به قدر دانی نگریسته و سلسله آن به پیش برده شد. البته این مرجع وقتاً فوتاً از چگونگی و وضع کورس های آموزشی موسسه دیدار و حالت آنرا تحت ارزیابی و بررسی قرار میداد که مدتی بعد در اثر یک بررسی هیئت سینما گران افغان، موسسه را کانون یا مکتب کوچک در عرصه آموزش و هنر پیشه گی سینمای افغانی نام نهاده شد.

موسسه با گسترش فعالیت های خویش با انجمن سینما گران و ریاست نشرات تلویزیون با استفاده از پروتوگول در تهیه فلم های کوتاه آموزشی، تربیه هنر پیشه ها و فلم بردار و کارگردان سوژه های را به انتخاب گرفته و آنرا در قالب فلم های آموزشی و هنری که بوسیله کمراه ویدیویی امداده مبنی مودند که اکثر آن از طریق برنامه های تلویزیون خاصاً اداره، فلم های هنری و مستند، برنامه جوانان،

برنامه ساعتی با شما جهت تشویق و کشف استعداد ها و باروری عناصر مبتکر تهیه و بدست نشر سپرده میشد.

و اکثر از میان جوانان مستعد کارگردانان، اعضای موسسه را شامل یونت فلمبرداری نموده و از کار و استعداد شان استفاده مینمودند و قبل از معرفی اعضای موسسه به گروههای تلویزیونی و سینمایی اکیداً برای آنها توصیه میشد تا اصول «سیت Sete» فلمبرداری و پالیسی کارگردانان را در نظرداشته با دسپلین و انضباط خاص و آگاهانه در پیشبرد امور صمیمانه سعی ورزیله سهم خویشرا صادقانه ادا کنند.

خوبی ختنانه این وجبیه از سوی اعضای شفق فلم در پرتو انعکاسات نیکو ارزیابی گردیده و از اجرای وظایف کارگردانان، ریاست افغان فلم، اتحادیه انجمن های هنرمندان رضایت داشته اند که این حرکت موجب افتخار موسسه شفق فلم به حساب میآید.



پرودکشن :

اپارسین فلم

این موسسه باسعی، تلاش و هنر پروری و هنر دوستی که به پدیده سینما و همه هنرها و ایجاد گری و تولید سینما گران ارزش قایل میشد بنیاد یافته است. این مرد هنر پرور بنام (آغا صاحب) مشهور و سر زبانها قرار گرفت و پا تصمیمی که داشت امتیازی را تحت پرودکشن (اپارسین فلم) جهت روند تکامل سینمای افغانی از وزارت اطلاعات و کلتور وقت بدست آورد و موصوف با علاقمندی فراوان نخستین محصول موسسه خویشرا تحت فلم (غارتگران) روی دست گرفت و با شرکت هنر پیشه خوب سینما و تیاتر چوز وکیل نیکبین، اکرم خرمی، عارف الدین، ابراهیم طفیان، عزیز فروغ و عده از جوانان تازه کار به کارگردانی عباس شبان و فلمبرداری... امور تهیه و تولید آن پیش برده میشد ولی با تأسف که در مسیر پراسس آن مشکلات اقتصادی ویسا معاذیر دیگر بروز میکند و فلم «غارتگران» به پایه اکمال نمیرسد و مسئول موسسه دیگر نتوانست بر مشکلات فایق آید و فعالیت اپارسین فلم نیز به رکود مواجه گردید.



پرودکشن:

قیس فلم

سلیمان علم

قیس فلم نهادیست که به ابتکار سلیمان علم پس از ۱۳۶۵ خورشیدی زمانیکه اپارسین فلم به رکود میپیوند، بوجود می آید و امتیازی مستقلی بدست میآورد، قیس فلم در آغاز فعالیت های خویش سه فلمنامه را زیر مطالعه گرفت و آرزو داشتند تا یکی پی دیگر به پرده سینما آید.

یکی ازین سه فلمنامه بر اساس داستان هجرت سلیمان اثر محمود دولت آبادی به نبشت میآید، دومی بر اساس داستان «وقتی نیها گل میکند» از قصه نویس خوب کشور دکتور اکرم عثمان و سومی نیز کاری است گروهی از مسئولان بخش ادبی قیس فلم با نام «خشامیر».

قیس فلم در کنار چنین مساعی خویش کورس های آموزشی را نیز جهت بلند بردن سطح آگاهی اعضای خویش گشایش داد تا بوسیله افراد آگاه و با صلاحیت تدریس گردد.

اما بالاخره سلیمان علم با همdestی روؤف راصح و وکیل

نیکبین فلمنی را زیر نام «تلاش» با شرکت هنرپیشه خوب ابراهیم طغیان و دیگر جوانان شامل موسسه قیس فلم روی دست گرفت و امور شوئنگ آنرا راه اندازی کردند و فلم متذکره را سلیمان علم در نوار سیاه و سپید بگونه ۳۵ ملی متری فلمبرداری کرده است که امور کارگردانی آنرا عباس شبان عهده دار بود، فلم در مرحله پر اسیس خویش با قیچی سانسور پالیتیسی سیاسی قرار گرفت و با به میان آوردن تغییرات از سوی مقامات حاکم موفق نشد روی پرده به غایش اید، بعداً قیس فلم نتوانست فعالیت خویش را دنبال کند.

پرودکشن:

گلستان فلم

مهدی دعائی

آوانیکه موسسه شفق فلم با نایش فلم «جنایت کاران» در روند تکامل سینمای افغانی قد راست کرد تأثیرات آن در جامعه این پنداشت و برداشت را پدید میآورد که سینمای افغانی باسیعی و پشت کار سینما گران خویش گام بگام به پیش میرود، بادرک سالم این پروسه، انسانی، همانا با همت شخصیتی بنام آشنا در عرصه رادیو، تیاتر و درامه نویس (مهدی دعائی) در نیمه دوم سال ۱۳۵۸ خورشیدی امتیاز گلستان فلم را از وزارت اطلاعات و کلتور بنام خویش کسب مینماید که در زمینه بنیه، اقتصادی محترم عارف فیض موسسه، متذکره را حمایت کرده، ایشان با مساعی مشترک و همکاری اعضای خویش دست به فعالیت میزنند و نخستین محصول خویش را تحت نام فلم (خانه ۵۵۵) تدارک می بینند.

سناریت و کارگران: مهدی دعائی

پردازش: عارف فیض

فلمبردار: اخنییر لطیف

و نقش آفرینان این فلم (فرید فیض، عاقله، سیما، ابراهیم طفیان، ابراهیم عارفی، گلبن، ذاکیه داماج، عارف الدین، محمدجان گورن، شاه محمود شارق و عده، دیگر در اجرای نقشهای خویش از خود شایستگی نشان دادند.

فلم (خانه، ۵۵۵) که در اصل یک فلم میلودرام خاتوناده گی با کرکتر های تبارز یافته، خویش سیر فلم های جنایی را بخود میگرد و آنچه قابل دقت است دیالوک های زیبای آن که از ادبیات خوب مایه می گرفت. زمانیکه فلم مراحل پراسس خویشرا میپماید و آماده نمایش قرار میگرد (بورد سانسور) با افزودن صحنه های ناجور و قطع صحنه های ارتباطی روای فلم را صدمه زده و در نتیجه برای تماشگران نیز سوالاتی را پدید میآورد و این گونه سرکشی های ناسالم از دیدگاه پالسی رژیم از سرعت کار میکاهد و کار را به کندی میلان میدهد. بالاخر گلستان فلم با تقدیم نخستین محصول خویش تحت آماج فشار های عناصر سیاسی قرار میگرد و آنچه انتظار میرفت که این مؤسسه از سوی ریاست افغان فلم و مسؤولین وقت حمایت و تشویق شود اما نبود چنین فضایی سبب آن میشود که گلستان فلم نیز از فعالیت باز ماند.

ریاست افغان فلم (سینماتو گرافی)

مرکز تولید و تورید فلم در افغانستان

این موسسه در ابتدا به حیث مدیریت عمومی و فلمبرداری در چوکات ریاست مطبوعات وقت تحت سر پرستی و رهنمایی مرحوم عبدالصمد آصفی در بخش سینما شروع به فعالیت کرد و به رسمیت شناخته شد. در سال ۱۳۴۴ خورشیدی به حیث یک استدیوی تولید فلم تحت اسم افغان فلم فعالیت هایش را بیشتر گسترش داد.

این موسسه آغازین فعالیت هایش را تحت نظر سه نفر متخصصین آمریکایی که طبق پروتوكول برای مدت ده سال در افغانستان میبودند و معاشات شان از طرف دولت وقت پرداخته میشد، به کار پرداختند. اما بعد از مدت کوتاهی جوانان افغانی علاقمند به رشته سینما رموز کار آنها را فرا گرفتند و دیری نگذشت که به اثر مساعی محمد اکبر شالیزی متخصصین دو باره به کشور های شان برگشتند.

این موسسه که یگانه مرجع برای برآورده شدن خواست ها و نیازمندی های سینما گران افغانی به شمار میرفت، نخست جهت تهیه فلم های (مستند، داکو منتری، نیمه داکو منتری) از رویداد

ها و انکشافات، تحولات کشور در جریان سالها میپرداخت و این گونه فلمها قبل از نایش فلم هنری از کشور های خارجی در سالون سینما ها شهر به نایش می آمد و یا در وقفه ها ی نایش فلم روی پرده به نایش میامد و بعداً این موسسه توان آنرا پیدا کرد که به فعالیت تورید فلم هایی دست یافید و همچنان به تهیه و چاپ و تشكیل فلمهای هنری نیز همت گماشت که شمار زیادی از فلمهای مستند و هنری سینمایی افغانی درین موسسه مراحل پروسس و چاپ را نیز بر پایه اکمال رسانیده است.

تشکیل ریاست افغان فلم

مقام ریاست

معاونیت تکنیکی

مدیریت اداری

مدیریت پرودکشن (تولید)

مدیریت فلمبرداری

مدیریت مونتاژ

مدیریت لابراتوار

مدیریت تورید

مدیریت صدایگذاری (سوند)

شعبه، دایرکتران (کارگردانان)

شعبه، عکاسی

این ریاست یا همین امکانات و خدمات تخصصی محدود بیشتر از هی سال فعال بوده است و در جریان امور اشخاص ذیل به جیش روسای این منسسه اجرای وظیفه نموده اند وهم بر علاوه، این مسئولیت در زمینه ساختار فلمهای افغانی منعیت کارگردان، سناریست، فلیمبردار، مکیاژور، دوبلر سهی شایسته خریش را ادا نموده اند.

- محمد اکبر شالیزی وارد به فنون عمومی سینما
- سلطان حمید هاشم وارد به فنون عمومی سینما
- عبد الصدح آصفی وارد به فنون عمومی سینما
- فیض محمد خیرزاده
- عبد الجمید غیانی
- مصطفی رسلی
- عبد اللطیف جلالی
- عبدالخالق علیل (سناریست و کارگردان)
- واحد نظری (سناریست و کارگردان)
- انجینیر لطیف (سناریست و کارگردان)
- صدیق برمهک (سناریست و کارگردان)
- انجینیر خیر محمد محمود به صفت معاون تخصصی ریاست
- رفیق یحیی معاون تورید ریاست
- انجینیر کاکر معاون تورید ریاست
- حضرتی مسؤول تورید فلم و سینما های شهر
- همایون پاپیز معاون تورید و سینما های شهر

- سلطان استالفی معاون تخنیکی

و به همین گونه اشخاص ذیل به حیث فلمبرداران ورزیده و ضمناً مستقلانه به تهیه فلمهای مستند (دакومنتری) نیز پرداخته اند.

- محمد اکبر شالیزی - فلمبردار (به اثر تجارت شخصی)
- سلطان حمید هاشم - فلمبردار (به اثر تجارت شخصی)
- عبد الصمد آصفی - فلمبردار (به اثر تجارت شخصی)
- سونه رام تلوار - فلمبردار (تحصیل کرده در موسفلم)
- محمد اسحاق ستار زاده - فلمبردار (تحصیل کرده در موسفلم)
- احمد ولی کهزاد - فلمبردار (تحصیل کرده در فرانسه)
- محمد عثمان صدیق زاده - فلمبردار (تحصیل کرده در روسیه)
- محمد کبیر درانی - فلمبردار (به اثر تجارت شخصی)
- دوست محمد دهقان - فلمبردار (به اثر تجارت شخصی)
- عبد الستار - فلمبردار (به اثر تجارت شخصی)
- ضیا الله - فلمبردار (به اثر تجارت شخصی)
- محمود نوری - فلمبردار (به اثر تجارت شخصی)
- وحید الله منصوری رمق - فلمبردار (به اثر تجارت شخصی)
- سید موجود حسینی - فلمبردار (به اثر تجارت شخصی)
- عبد الباقی خا ځی - فلمبردار (به اثر تجارت شخصی)
- قادر طاهری - فلمبردار (به اثر تجارت شخصی)
- حبیب طلوع - فلمبردار (به اثر تجارت شخصی)
- نور هاشم ابیر - فلمبردار (تحصیل کرده چکوسلوکیا)

- محمد داود - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- غلام سخی سلطان زاده - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- سرور الدین - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- فاروق سعد - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- حیات الله حیاتی - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- سلیمان علم - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- توریالی غشتلى - فلمبردار (تحصیل کرده در روسیه)
- لطیف منصوری - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- شاه محمد - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- محمد امین - فلمبردار (به اثر تجارب شخصی)
- صدیق امین زی-فلمبردار (تحصیل کرده پونه انسیتوت هندستان)

و تعداد زیادی از جوانان که همه در آگوش این استدیو به فلمبرداران مجبوب و پر کار مبدل شدند.

در زمینه پرودکشن این اشخاص فعال بودند:

- واحدی
- حسینی (تحصیل کرده هندستان در رخش تهیه تولید)
- ابوبکر عاطف
- عبدالولی تلاش

در مورد لبراتوار و چاپ اشخاص ذیل با ابتكارات خویش نوار فلم های افغانی را صیقل داده اند:

- سید مصطفی
- خواجه احمد شاه
- سلطان استالفی

درمورد صدا گذاری (سوند) از این اشخاص میتوان نام برد که با کار خلاقه شان به فضای هر فلم افغانی جان و روح بخشیده اند:

(تحصیل کرده در هندوستان)	- سید علی عالمی
(تجارب شخصی)	- انجینیر خیر محمد محمود
(تحصیل کرده در روسیه)	- حکیم خلیق
(تریبیه شده ریاست افغان فلم)	- عبد الرحمن صفتی
(تریبیه شده ریاست افغان فلم)	- نور الله ملتفت
(تریبیه شده ریاست افغان فلم)	- محمد قاسم کریمی
(تریبیه شده ریاست افغان فلم)	- احمد شاه
(تریبیه شده ریاست افغان فلم)	- احمد علی
(تریبیه شده ریاست افغان فلم)	- سید مظفر شاه

در زمینه فن مونتاژ از این اشخاص میتوان یاد هایی کرد که با خلاقیت در مونتاژ ذهن تماشا گر را در بافت فلمهای افغانی دقیق ساختند.

- مرحوم توریالی شفق (تحصیل کرده انسیتوت پونه هندوستان)
- جلال پیروز (تحصیل کرده هندوستان و اتحاد شوروی)
- حکیم مرزی (تحصیل کرده انسیتوت پونه هندوستان)

- (تربیه شده ریاست افغان فلم) - طاهر محبی
- (تربیه شده ریاست افغان فلم) - قدیر رشیدی
- (تربیه شده ریاست افغان فلم) - افضل بر یالی
- (تربیه شده ریاست افغان فلم) - اسدالله رشیدی
- (تربیه شده ریاست افغان فلم) - ممتاز احمد زی

و بخش نور پردازی (لایت) را دوستان ذیل اکثراً به دوش داشتند:

- خواجه ابراهیم
- غلام جان

این نکته قابل تذکر است که سینما گران فوق الذکر تا سالهای اخیر که فعالیت های سینمایی قربانی حوادث و بحران در کشور نشده بود به کار و فعالیت مشغول بودند.

بخش عکاسی:

اعضای بخش عکاسی که در طول سالیان متمامدی در عرصه های مختلف هنری، اجتماعی، سیاسی کشور وظایف خویشرا به وجه احسن انجام میدادند و تعداد زیاد آنها بعداً در بخش فلمبرداری آغاز به کار میکردند ولی عکاسان فعل این دوستان بودند:

- خلیل الله
- نادر وصال

- همایون مرزی

- عبید الله

شعبه قابل توجه دیگریکه همه فعالیت های ریاست افغان فلم در لابلای اوراق آن ثبت و سنجش و کنترول گردیده است همانا بخش اداری میباشد که از کار های:

- فضل احمد خان در بخش اداری

- سیار در بخش اداری

- عبدالقدوس در بخش واحد های سیار

- میر افغان و عبدالواحد در بخش کنترول سینما های شهر و سانسور فلم یاد دهانی کرد: در کنار کارمندان ذکور ریاست افغان فلم اعضای اناش نیز نقش برازنده شان در پروسه اکمال آثار و

پیشبرد امور محوله محسوس بود

در بخش مونتاژ لیلی و آدینه

در بخش لابراتوار شکیبا و نجلا

در بخش اداری نسیمه فعالیت داشتند.

فلم های سامد (بدون آواز)

سینمای افغانی در حیات خود بنمایش آوردن فلم های سامد (بدون آواز) را باز طریق پروجکتور نیز سپری کرده است که این نوع فلم ها در سینمای کابل، پوهنه ننداری که برای تماشچیان بنمایش میآمد، جهت جلب توجه و زوق آرایی تماشگران (استاد غلام حسین خان موسیقی دان افغان با هیلون و استاد محمد فرج افندی تیوریسن موسیقی افغانی با بیانو) از عقب پرده سینما تصاویر فلم را دیده و ذریعه نوشتن آلات موسیقی دست داشته هم‌زمان با آن بگروند موزیک میدادند و بدین ترتیب بر تصاویر جا روح بخشیده و تصاویرایکه از برابر چشمان تماشگران میگذشت لذت برده لحظات خوشی را میگذشتندند.

سینمای کارتون

در اوایل سال ۱۳۵۳ ریاست افغان فلم جهت ساختار فلم های کارتونی با استفاده از کارتون های مرتب شده دوکتور عبدالرحیم نوین وزیر اطلاعات و کلتور زمان شاه، پیرامون موضوعات مختلف زنده گی و خاصتاً کارتون های قبل از ترسیم شده در زمینه ارایه پیام صحت و سلامتی بدست تهیه گرفتند که مسؤولیت تصویر برداری آنرا فلمبردار کار آزموده، صدیق امین زی بدوش داشت.

۵
بازهم (سوند، لایت، کمره، اکشن)

«جلایش سینمای افغانی»

به همین ترتیب در سال ۱۳۵۹ دست اnder کاران سینمای ما با استفاده از سناریوی که بوسیله داستان نویس ورزیده، ما (رهنورد زریاب) تحریر یافته بود فلم را بدست تهیه گرفتند و نام فلم را «اختر مسخره» گذاشتند. محتوای فلم بر محور احساس کمبودی و تبارز شخصیت و پرابلم های محیطی، خانواده کی و خلاصه حالت های خاص روانی افراد جامعه چرخش داشت.

سوژه این سناریو را که در رابطه با مسائل خاص اجتماعی ارتباط میگیرد انجینیر لطیف با نویسنده آن توافق میکند و در زمینه تهیه و تولید آن از ریاست افغان فلم استمداد جسته با مساعی مشترک در تهیه و تولید آن اقدام عملی می نمایند، بعد از توافق هم دست بکار میشوند و مسؤولیت امور کارگردانی آنرا انجینیر لطیف بدوش گرفته و تصویر برداری آن بوسیله وحید الله رقم صورت گرفته است.

زمانیکه فلم مراحلی پر اسی خود را طی کرد بزودی آماده نمایش شد، چون محتوای فلم در رابطه با مسائل خاص اجتماعی تبلور یافته از زیر فیچی سانسور، جان به سلامت میبرد و جهت نمایش به

سالون های سینماهای شهر راه باز میکند و زمانیکه علاقمندان و مردم هنر پرور با اشتیاق تمام به تماشای آن می نیشنند ازین فلم به نیکی استقبال مینمایند، خاصتاً درخشش فقیرنی را که با اجرا گردن نقش درخور توجه و حساب شده اش بربایی فلم افزوده بود، از هر زبان مورد تحسین قرار میگرفت که در کنار آن نقش آفرینان چون: ابراهیم طفیان، ناصر عزیز، بصیره خاطره و دیگران نیز نیکو درخشش داشتند.

فلم سینمایی «فرار»

(فرار) بعد از فلم (دثور انقلاب) نخستین فلم رنگین در نوار ۳۵ ملی متری از تولیدات افغان فلم بشمار میاید، این فلم سینمایی در برگیرنده داستانی است که عشق و محبت بدو زاویه رخنه میکند، یکی بطرف هوس و کدورت و سوی دیگر محبت و زندگی همچنان در کنار هم حوادث و نابسامانی های روزگار که موجب فرار خانواده ها میگردد و در پیامد اش عواطف، مردانگی دفاع از ننگ و نوامیس در قالب کرکتر «جاله وان» پایان می یابد که جاله وان خود قریانی عمل جوانمردانه خرد گردیده و مظلومیت را در برابر خشم و خشونت استواری و پایداری میدهد.

سناریست و کارگردان فلم، انجینر لطیف بوده برای اولین بار فلمبردار خوب ما قادر طاهری که با تشویق انجینر لطیف منحیث فلمبردار تبارز می نماید بعداً باپشت کار، استعداد اش در سینمای

افغانی مقام والایی را کسب مینماید درین فلم که بعد از طی مراحل پراسس و چاپ در سال ۱۳۶۳ آماده نمایش گردید و طرف استقبال گرم نمایشچی (مردم) قرار گرفت، بعداً جهت نمایش راهی ولایات کشور و حتی در فیستیوال های سینمایی شرکت جست.

نقش آفرینان این فلم هنر پیشه های خوب ما چون : ناصر عزیز، فریما، انور رضازاده، خورشید، معرفت شاه، شکيلا، ولی تلاش، اسد الله آرام، حشمت فنایی، همایون پاییز، محمد عثمان، عارف الدین، کریم نایل، عادله ادیم و سلام سنگی بودند.

مکیاژ و کنیتونتی : حنان زمربال
 معاون کار گردان و مونتاژور : حکیم مرزی
 آهنگ : شادکام
 (سوند) صدا گذاری : عبدالرحمن صفتی
 عکاس : ظاهر طاهری

فلم پرنده های مهاجر

فلم سینمایی «پرنده های مهاجر» ساخته دیگری از انجینیر لطیف در نوار ۳۵ ملی متر رنگین که از سوی ریاست افغان فلم تهیه و تولید گردیده است. این فلم زیبا و خوب از تصویر دو دلداده آغاز میابد و قصه شرین و جالب هم در قبال دارد، بخاطر آنکه افکار عنعنی و تاریک را زیون میسازد. ولی باز هم اکشاف تصویر پردازی و داستان فلم تحت شرایط زمانی ملوث میگردد و

کرکتر های فلم در لحظات گذرا از هویت شخصیت خود برآمده دنبال منافع روان میگردد و بالاخره نواب قهرمان فلم در یک صحنه، پُر مفهوم نزد خاتول میاید و تفنگ را که نشانه مزگ است در میان پشته، خار که این تصویر نیز سمبول بد بختی است میگذارد و با پیامی میرود و در فرجامین همین تفنگ است که بر زنده گی خمیه نیستی را هموار میکند.

در قالب کرکتر های این فلم هنر پیشه های ورزیده ما چون : اسد الله آرام، ناصر عزیز، عادله ادیم، صبور توفان، قادر فرخ، حبیب زلگی، ولی تلاش، همایون پائیز، عثمان علیم، نعمت آرش، خورشید، زرغونه آرام، واسع صمدی، اسد رحمانی، سیر دهقان، کریم تنویر درخشیدند.

(لایت) نور پرداز : خواجه ابراهیم
 امور تهیه : حکیم مرزی، ج، حیدری
 معاون کارگردان : جان محمد، جوانشیر حیدری
 موزیک متن : احمد شاه حق پرست
 آهنگ : شادکام
 مکیاژ : عثمان علیم
 صدا گذار : عبدالرحمن صفتی
 مونتاژور : حکیم مرزی
 سناریست: سرور انوری- ا-لطیف
 فلمبردار : قادر طاهری

کارگردان: انجینر لطیف

این فلم در خزان سال ۱۳۶۵ اکمال و به سینماهای شهر کابل و ولایات کشور بنمایش برآمد و از سوی مردم باگرمی استقبال گردید.

فلم حماسه عشق

فلم رنگین در نوار ۳۵ ملی متری بنام (حماسه عشق) باز هم از ساخته های کارگردان مستعد سینمای افغانی انجینر لطیف به نمایش می آید. محتوای این فلم از بازی قهرمان آفرینی و باستانی ما (بزکشی)، مایه میگیرد که با ارج گذاری به این ورزش پاستانی، دلیری و شهامت نسل افغان در تصاویر زیبای خود در پیوند با محبت، مرووت و عشق متجلی میشود، اما در فرجامین لحظات فلم یک مطلب را درک میکنم که زور، زور است و صداقت و ایمانداری نیز جای خود را دارد.

درین فلم چهره های محبوب سینمای ما چون: اسد الله آرام، نعمت آرش، صابرہ، حبیب ذلگی، یاسمین، ولی تلاش، اسد رحمانی، کریم تنویر، صبور توفان، زرغونه آرام نقش آفرینی داشته اند.

کارگردان: انجینر لطیف

فلمبردار: وحید الله رمق

آرت دایرکتور: عثمان علیم

منتاثور : حکیم مرزی

صدبردار : نور الله ملتفت

امور تهیه : محسنی

نور پرداز (لایت) خواجه ابراهیم

تهیه موزیک : ارگستر گل سرخ

فلم «حمسه عشق» بعد از مراحل پر اسپس خویش روی پرده سینما های شهر کابل و ولایات کشور عزیز بنمایش آمد و مردم هنر پرور ما از تماشای آن لذت برده و استقبال گرم از آن بعمل آوردهند.

فلم صبور سرباز

فلم سینمایی «صبور سرباز» به طریقه رنگین در نوار ۳۵ ملیمتر از سوی ریاست افغان فلم تهیه و تولید شده است.

سناریست و کارگردان آن، انجینر لطیف بوده و فلم در زمان معین مبنی بر تحکیم قوای مسلح کشور با بافت در اماتورگی ساز و برگ یافته و حالات روانی افراد نیز در نظر گرفته شده و همین عوامل و انگیزه ها محتوای فلم را به اوچ کشانیده، این اندیشه را میرساند که چگونه از خود و دیگران به دفاع برآمد.

فلمبردار : قادر طاهری

مونتاثور : قدیر رشیدی

در اجرای نقشها : سلام سنگی، صبور توفان، ناصر عزیز،

ابراهیم طفیان، جان محمد حیدری، عادله ادیم، خورشید، واسع صمدی و... در خشش داشتند.

در همین سالهای نزدیک یک عدد از هنردوستان ما که به هنر هفتم «سینما» علاقمندی گرفته بودند و از زمرة نزدیکان مرحوم محمد نذیر بنیانگذار موسسه «نذیر فلم» سعی بر آن شدند تا با اسم «نذیر فلم» بار دیگر به فعالیتهای سینمایی در کشور دست یازند و با مساعی همه دست اندر کاران سینمای افغانی به سینمای کشور آرام، آرام هویت ملی و بین المللی داده شود.

و نخستین محصول این اقدام خجسته خویشرا به نام فلم «گماشته» به افتتاح گرفتند ولی بنابر معاذیری موفق نشدند تا این سلسله را به پیش ببرند، اما ریاست افغان فلم، فلم متذکره را با مساعی دست اندر کاران فلم به طریقه رنگین در نوار ۳۵ ملیمتر به دست تهیه گرفتند.

سناریست: بشیر رویگر

کارگردان: انجینیر لطیف

فلمبردار: وحید الله رمق

مونتاژور:

در اجرا نقشها (کرکترها) : قادر فرخ، صبور توفان، حبیب ذلگی، معرفت شاه، لینا، خورشید و... درخشیدند.

فلم متذکره بعد از مراحل پروسس و پاس اقبال نمایش یافت.

فلم «بهار میشود»

فلم سینمایی رنگین در نوار ۳۵ ملی متری «بهار میشود» بوسیله سینما گران ما چون : رفیق یحیایی، ولی لطیفی، که در دهه شصت از سوی ریاست افغان فلم تهیه و تولید گردیده است و محتوای آن در برگیرنده فعالیت‌های اعضای حزب و شاخص‌های معین حاکمیت وقت را به تصویر در آورده است.

فلمبرداران : وحید الله رمق، قادر طاهری

مونتاژور : حکیم مرزی

بازیگران فلم : یحیایی، لطیفی، زلی رزمی، وزیر محمد نگهت که در نقش‌های عمدۀ درخشیدند

وقت نمایش : در برگیرنده ۳۰ دقیقه که بعد از مراحل اکمال خویش بنمایش روی پرده ظاهر شد.

فلم تابستان داغ کابل

نام فلم مشترک است از سوی (افغان فلم - موسفلم) که سناریست و کارگردان آن : علی هماییف با دستیاری ولی لطیفی منحیث معاون کارگردان در نوار ۳۵ ملیمتر به گونه رنگین تهیه و اکمال گردیده است. و امور فلمبرداری آن به وسیله وحید الله رمق و توریالی غشتلى انجام یافته است. موضوع یا محتوی فلم را جگونگی زنده گی قشون اتحاد شوروی در افغانستان نشان میدهد

که میشود یکی از مقاطع خاص زمان مانرا به مثابه تاریخ زنده به مشاهده گرفت.

در نقشهای عمدۀ فلم : قادر فرخ، ولی تلاش، همایون پاییز از سوی هنرپیشه های سینمای افغانی نقش آفرینی کرده اند. این فلم بعد از اکمال و پروسس و چاپ در استدیوهای اتحاد شوروی، در شهر کابل روی پرده سینماهای شهر به نایش آمد.

فلم دهکده ها بیدار میشود

فلم سینمایی «دهکده ها بیدار میشود» به طریقه سیاه و سپید در نوار ۳۵ ملیمتر فلمبرداری گردیده و فلم یکی از محصولات ریاست افغان فلم به شمار میرود. محتوای فلم را موضوع مشی دولت وقت به منظور تحقیق مشی سیاسی و نظامی در بر میگیرد.

سناریست و کارگردان فلم : عبدالخالق علیل

فلمبردار : صدیق امین زی

مونتاژور :

در اجرای نقشها : قادر فرخ، ناصر عزیز، نجیب سلطانی، عزیز الله هدف و نغمه و منگل درخشیدند. فلم متذکره بعد از طی مراحل پروسس خویش در سینما های شهر کابل به نایش گذاشته شد.

فلم سینمایی دیگر از همین کارگردان (عبدالخالق علیل) زیر نام

«الماس سیاه» به گونه، رنگین در نوار ۳۵ ملیمتر از سوی ریاست افغان فلم تهیه و تولید گردیده است. سناirst فلم احمد ژوند بوده و فلمبرداری فلم به وسیله، فلمبردار ورزیده، ما قادر ظاهری تصویر برداری گردیده و در اجرای نقشها : قادر فرخ، صیا شفق، ستوری منگل وعده، دیگر ظاهر شدند. اما فلم بنابر عواملی روی پرده نیامد و در استاک ریاست افغان فلم موجود است.

فلم «الماس سیاه»

فلم سینمایی «الماس سیاه» در نوار ۳۵ ملی متری رنگین بdst تهیه گرفته شد.

نویسنده گان سناریو : احمد ژوند، عبدالخالق علیل

کارگردان : عبدالخالق علیل

فلمبردار : قادر ظاهری

با شرکت هنر پیشه های ورزیده ما : قادر فرخ، ایبر، ستوری منگل تهیه میگردید اما فلم متذکره در جریان تهیه، آن با مشکلات رویرو میشود و در نتیجه مراحل اکمال خود نمی پیماید.

فلم فرجام

فلم سینمایی «فرجام» به گونه، کوتاه در نوار ۳۵ ملیمتری سیاه و سپید از سوی ریاست افغان فلم به دست تهیه گرفته شد. سناریو و کارگردان : سعید ورکزی

فلمبردار : صدیق امینزی
 اسیستانت دایرکتور (کارگردان) حنان زمربیال
 مونتاژور : قدیر رشیدی

محتوای آن در رابطه به آگاهی یک معلم در روستای دور دست ما در آن مقطع زمانی اقدامات عملی را در جهت تنویر و آموزش تعلیم و تربیه کودکان وطن روی دست میگیرد که در مسیر آن موانع و مشکلات از جهت عناصر ضد چنین شیوه، متوجه در جامعه به حوادث کشانیده شده تا سرانجام معلم بر مبارزه، خویش پیروز میشود. در گرکتر عمدۀ این فلم : عبید بکتاش، ولی تلاش، همایون پائیز، امین رحیمی، معرفت شاه، مرتضی بایقرا، محمد رحمت ناده قیام، خورشید، هما مستمندی و زمربیال درخشیدند.

فلم بعد از اکمال خویش روی پرده های سینماها به نایش آمد که بعداً به صفحه تلویزیون نیز به دست نشر سپرده شد.

فلم مسافر

فلم سینمایی رنگین «مسافر» به طریقه، ۳۵ ملیمتر که از طرف ریاست افغان فلم تهیه و تولید شد. این فلم که ۹۰ دقیقه وقت نایش را دربر گرفت به اساس داستان مرحوم رفیق یحیایی که سناریوی آنرا بشیر رویگر به تحریر در آورد.

موضوع فلم روی چگونگی فعالیت و مبارزه جوان تحصیل کرده چرخش داشته که به شکل وظیفوی در یکی از قصبات دور دست

کشور سفر نموده وقتی در آنجا مقیم میشود به ایجاد مکتب سعی میورزد اما در مسیر کارش به مخالفتها بی رویرو میگردد تا آنکه از امواج رادیو میشنود که در جامعه تحولی دیگری به وقوع پیوسته است و رژیم سردار محمد داود خان از بین رفته و تحول ۷ ثور ۱۳۵۷ عرض اندام کرد.

کارگردان فلم: سعید اورکزی

فلمبرداران: قادر طاهری و سید موجود حسینی

در اجرای کرکترها: نصیر القاس، هما مستمندی، رابعه مستمندی، امین رحیمی، کریم نایل، فتح الله پرند، موسی رادمنش، فقیر و عظیم جسور درخشیدند.
این فلم بعد از اکمال و پروسس اقبال نمایش یافت.

فلم مرد هاره قول اس

سینمای افغانی در سال ۱۳۶۳ شاهد ساختار فلم رنگین دیگری تحت نام «مرد هاره قول اس» در نوار ۳۵ ملی متری بود که فلمنامه آن را از داستان معروف نویسنده بنام آشنای ما داکتر اکرم عثمان به رشته تحریر در آورده اند.

امور پرودکشن و تهیه آن از سوی ریاست افغان فلم رویدست گرفته شد. کارگردانی و اجرای نقش مرکزی این فلم را سعید اورکزی بدوش داشت محتوی فلم علاوه بر بافت داستانی و ارزش‌های اجتماعی و فولکوریک مامایه داشت که این خود یکی از ویژه‌گی‌های فلم به حساب میرود.

امور فلمبرداری آنرا قادر طاهری عهده دار گردید و تدوین و مونتاژ آن بدوش قدیر رشیدی میباشد.

فلم با نقش آفرینی : عادله ادیم، امین رحیمی، ولی ^{محمد نجفی} روزگاره خورشید، طاهره، فضل احمد و دیگران آزین یافته است.

این اثر سینمایی بعد از مراحل پر اس س و چاپ از سوی ریاست افغان فلم در سینما های شهر کابل و ولایات کشور غرض نمایش روی پرده آمد و مردم از نمایش آن همچو دیگر آثار به گرمی استقبال نمودند.

فلم سفر

فلم سینمایی «سفر» در نوار ۳۵ ملیمتر به گونه رنگین از سوی ریاست افغان فلم در سال ۱۳۶۵ به دست تهیه گرفته شد

سناریست و کارگردان فلم : سعید اورکزی
اسیستانت کارگردان : موسی راد منش

فلمبردار : قادر طاهری
مونتاژور : قدیر رشیدی

محتوای فلم در برگیرنده سفر جمعی جوانان در قریه های دور دست کشور به منظور تنویر اذهان و اموزش سواد در جهت تعلیم و تربیه افراد که از مشعل سواد بی بهره اند ولی در انتقال این گروپ ذریعه، طیاره که باید صورت میگرفت حین سفر طیاره مورد اصابت مردمی از طرف عناصر ضد دولت قرار گرفته و گروپ به

مشکلات مواجه میگردد تا آنکه استدلال سرگروپ که جوان منور است گروپ ضد دولتی را که تصادفاً پدرش نیز در آن زمرة عليه دولت قرار دارد، تغیر جهت داده سلاح بر زمین میگذارند و صلح و آشتی را به ارمغان میگیرند. در این فلم نقش آفرینان: سعید اروکزی، فریده همراه، غفور عبادی، انجانا، لیزا، خورشید، فتح الله پرنده، امین رحیمی، موسی رادمنش، شاه محمود شارق، واسع صمدی، سید میران فرهاد، تیمور حکمیار، محراب، زلی، سیدایشان سنگشکن، رحیم الله، محمد حیدر رادمنش، عنایت الله رحمتزاده اند.

این فلم نیز بعد از مرحله پراسس در سینما های شهر و ولایات کشور اقبال نمایش یافت.

فلم خاکستر

فلم سینما یی «خاکستر» به گونه رنگین در نوار ۳۵ ملیمتر از جانب ریاست افغان فلم پرودکشن (تهیه) میگردد.

سناریویست و کارگردان: سعید اورکزی

فلمبردار: قادر طاهری

پرودکشن منجر: میر ابوبکر عاطف

مونتاژور: قدریز رسیدی

محتوای فلم بر محور حادثه، ترافیکی میلان پیدا میکند که بعد از معیوب شدن کرکتر مرکزی رخدادها طوری عیار میشود که تجلی دوستی مبدل به اشتباه و بدگمانی گردیده روند فلم در قالب

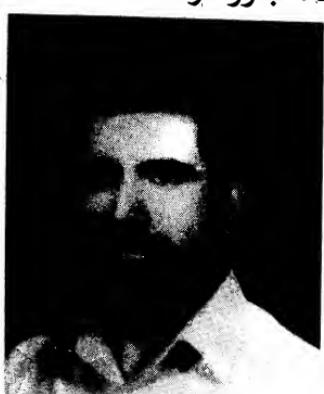
کرکتر مرکزی در چنین گرداد قرار — داده شده تا اینکه به طرف مرض اعتیاد سوق می‌یابد که اکثراً جوانان ما در چنین حالتهای روزگار قرار گرفته است. می‌شود و دیدگاه نظر کارگردان را به دیده قدر نگریست. چون سوژه، فلم برداشتی است از عینیت جامعه افغانی.

در اجرای کرکترها : عبدالله صمدی، هما مستمندی، امین رحیمی، واسع صمدی، غفور عبادی، شریف خیر خواه، غنی بیژن، محراب و سید میران فرهاد درخشش داشتند.

فلم متذکره بعد از پراسس و اکمال خویش جهت نایش روی پرده های سینما های شهر به نایش آمد.

جوانان اکادمیک ما

یکعدده از جوانان ما در دور اخیر جهت آموزش رشته سینما به کشور های مختلف اعزام گردیده بودند که از میان آنان دو جوان مستعد، چون شاخه پر بار صدیق برمک و سید همایون مرووت که در جریان تحصیل و بعد آن با ساختار فلم های شاخص از خود شایستگی نشان دادند و منحیث سینما گر آگاه تبارز کردند.



صدیق برمک

فلم (دیوار، دایره، بیگانه)

فلم های کوتاه، ولی پر محتوی سینمایی «دیوار، دایره، بیگانه» باسعی و تلاش خاص سینما گر بر تلاش صدیق برمک، ساخته شده است که میشود مختصر ازین دست آوردهای خوب موصوف که در زمان تحصیلات در اتحاد شوروی وقت که موفقیت بدست آورده اند درنگ نموده یادهایی کنیم.

۱- فلم دیوار:

وقت نمایش ۱۵ دقیقه

بگونه سیاه سپید در نوار رنگی ۳۵ ملی متری
کار گردان و سناریست: صدیق برمک

فلمبردار: واهاگن اکوپیان

مونتاژور: لوتیلا کراکو نسکایا

صدا بردار: ذاکریزفسکی

امور تهیه: اولگا میگا چورا

محصول سال ۱۹۸۳ استدیوی آموزشی VGIK انتستیتوت عالی

شوری

باشرکت: تیمور، ناشا سرگینزوفا، دنیس کولوفسکی و
موریسیلومیراندو.

۲- فلم دایره:

وقت نمایش ۲۰ دقیقه

رنگین در نوار ۳۵ ملی متری

کار گردان: صدیق برمک

سناریو نویسان: پوگف رازقوف، صدیق برمک

فلمبردار: فاروق سعد

مونتاژوران: برمک، کراکوفسکایا

صدا بردار: الکساندر سلاوین، موسیقی از کلاوس شولتس

امور تهیه: عبدالرحمن عارفی، ویتالی میروپنخکو

محصول شترک سال ۱۹۸۹ استدیوی VGIK و افغان فلم، با
شترک داود عارفی، آصف تنها و همایون پائیز

۳- فلم سینمایی «بیگانه»:
وقت نمایش ۴ دقیقه ای
در نوار رنگین ۳۵ ملی متری
کارگردان، سناریست، مونتاژور، صدیق برمک
فلمبرداران: فاروق سعد، نورهاشم ابیر با دستیاری ابراهیم
عارضی.

امور تهیه: میرابیکر عاطف و عبدالرحمن عارفی
صدا بردار: قاسم کریمی و صدا گذار ذاکریزخسکی
آواز خوان: سیما ترانه
شعر: قهار عاصی

نقش آفرینان: سلام سنگی، عادله ادیم، ابراهیم طغیان، ظاهر
گرنده، بلوج، همایون پائیز.

محصول مشترک ۱۹۸۶ افغان فلم و استدیوی VGIK

فلم آرزو

یکی از جوانان مستعد و آگاه دیگریکه در جریان آموزش سعی ورزیده تا ساختار های سینمایی خویشرا از عمق اجتماع به انتخاب بگیرد، همانا سینماگر جوان ما سیده هایون مرووت است که در سال ۱۳۶۵ خورشیدی در

سید همایون مرووت جریان تحصیل با همکاری افغان فلم و انستیتوت سینمایی مسکو، فلمی را زیر نام «آرزو» که اکثر صحنه های آن در شهر کابل روی پر ابلم های مردم در زمینه عدم شرایط مساعد و داشتن وسایل ترانسپورتی و ازدحام و هجوم جهت استفاده از ملی بس تصویر برداری گردیده و جهت دیگر اینکه در آن زمان انان نیز به شغل دریوری می پرداختند و در قبال این همه فراز و نشیب زنده گی، بسیاری از وسایل از زاویه انتقادی به تصویر کشیده شده بود.

سناریوی و کارگردان: همایون مرووت

معاون کارگردان: بصیر عمری

فلمبردار: ابیر

مونتاژ: کاساپووا

صدا بردار: سلاوین

فلم در نوار ۳۵ ملی متری رنگین به سال ۱۳۶۵ جهت نمایش آماده شد.

فلم سینمایی «خواب طلایی»

دومین تجربه است از ساخته های همایون مرووت با همکاری افغان فلم و انستیتوت سینمایی ماسکو، محتوای آن بگونه ساختار پورتريت گونه از زنده گی آهنگ ساز مستعد و خوب ما «امیر جان صبوری» که با کشیدن رنج و مشقات زنده گی بالاخره موفق شد که خودش را در قطار آهنگ سازان افغانی قرار دهد. و ضمناً رهبری ارگستر گل سرخ را نیز عهده دار بود و توانست تا حدود سه صد آهنگ را کمپوز کرده و علاوه بر آن به آفرینشکری و خلاقیت علاقمندی خاص داشت.

سناریت و کارگردان: همایون مرووت

فلمبرداران: ابیر، ابراهیم عارفی

امور تهیه: سید حسین محسنی

محصول سال ۱۳۶۷

* * *



باز هم (سوند، لایت، کمراه، اکشن) بهشید سینمای افغانی

فلم «شکست محاصره»

این فلم به گونه سیاه و سپید به طریقه ۳۵ ملیمتری که از سوی افغان فلم تهیه و تولید گردید است.

سناریست: بشیر رؤیگر

کارگردان: فقیر نبی

فلمبردار: وحید الله رمق

مونتاژور: قدیر رشیدی

موضوع آن روی تجارت غیر مسئولانه چوبهای چارتراش و قطع جنگلات به گونه، مخفی و مداخله، نیروی حکومتی وقت جهت جلوگیری از این سرمایه ملی و مبارزه آنها با نیروهای ضد دولتی پرداخت گردیده است.

در اجرای نقشها: سلام سنگی، ناصر عزیز، قادر فرخ، عزیز الله هدف، موسی رادمنش، واسع صمدی، اسد الله تاجزی، جان محمد حیدری، نجیب الله سلطانی، شکیلا و ... درخشش داشتند.

فلم متذکره بعد از اکمال فلمبرداری در استدیوی افغان فلم پروسس و اقبال چاپ یافت بعداً در سینما های شهر و ولایات و صفحه تلویزیون به نایش آمد.

فلم کارتون تلوزیونی

بار دیگر بنیاد ساختار فلم های کارتونیک در نوار صفحه تلوزیون به اثر اقدام خجسته هنرمند مستعد هژیر شینواری ایجاد گردیده است. نخستین فلمش «تمرین» نام دارد، این ایجادگری واقعاً تجربه بی بودابتكاری که به کوشش پروین پژواک و حسن حامدی اکمال گردید و فلمبرداری این فلم را که بیشتر از یک دقیقه وقت نمایش را در بر میگرفت فلمبرداری آنرا حیات الله حیاتی بدوش داشت. موزیک متن آن بوسیله اسد بدیع کمپوز گردید. دومین فلم کارتونی هژیر شینواری «بسوی خورشید» تهیه گردیده است.

سناریست: پروین پژواک، هژیر شینواری.
کارگردان و فلمبردار: هژیر شینواری بدستیاری حسن حامدی.
امور تهیه: منصور پویل.

نقاشی بکر وند: یوسف آصفی
موزیک متن: اسد بدیع

وقت نمایش: پنج دقیقه، سی ثانیه
قابل یادداهنیست که درین فلم زیبا بیشتر از ده هزار تصویر رسم شده بوسیله این هنرمند ما تخیل و ترسیم و دایرکت گردیده تا در پیوند تصاویر، مفاهیم که بیانی از وضع جامعه، ما میگیرد، بگونه سمبولیک، انتقادی و طنزی انعکاس یافته است.

فلم «رد پا»

این فلم از سوی افغان فلم تهیه و تولید گردیده است. فلم به گونه سیاه و سپید در نوار ۳۵ ملیمتری ساخته شده و دربرگیرنده موضوعات جنایی و اجتماعی میباشد.

کارگردان : فقیر نبی

سناریست : عظیم جسور

فلمبردار : سید موجود حسینی

مونتاژور : قدیر رشیدی

در نقشهای : قادر فرخ، فرید فیض، محمود هاشمی و فریده همراه، درخشیدند. که بعد از اکمال آن روی پرده سینما به نایش آمد.

فلم بابا

فلم سینمایی «بابا» در نوار ۳۵ ملی متری بگونه سیاه و سپید از سوی افغان فلم تهیه شد.

سناریست و کارگردان : جان محمد جوانشیر حیدری

فیلمبردار : نور هاشم ابیر

پرودکشن : محسنی

مونتاژور : حکیم مرزی

وقت نایش : (۴۰) دقیقه

محتوای فلم بر محوری از پرایلم های اجتماعی بافت یافته و موضوع روی منازعه یی که صورت میگیرد، مردم دو قریه به اثر تخریب عناصر مخرب و بدکنش آتش نفاق را شعله ورمیسازند ما جرا پدید میآید، ولی بنابر رسم کهن سرزمین ما مرد صالح و خیر خواهی در میان آمده هر دو طرف را به صلح و آشتی دعوت میکند، این فلم در آن مقطع زمانی به استقبال مشی مصالحه ملی بدست تهیه گرفته شده بود.

در اجرای نقش های عمدہ فلم :

جان محمد پلار، سلام سنگی، ناهید، همایون پاییز، حاجی محمد کامران، ف، فضلی، اسد الله آرام، ولی تلاش، ابراهیم طفیان و عارف الدین درخشیدند. خاطره، تلخ این فلم آنست که مرحوم عارف الدین مورد اصابت راکت قرار میگیرد و جان بجان آفرین میسپارد و آخرین تصاویرش در سینمای افغانی ماند گار میماند. و فلم محسول سال ۱۳۶۷ است.

فلم آرمان

فلم سینمایی «آرمان» نخستین فلم به زبان پشتو است که در نوار ۳۵ ملیمتری به گونه رنگین از سوی افغان فلم تهیه و تولید گردیده است. محتوای فلم در برگیرنده واقعیتهای جامعه افغانی میباشد.

کارگردان : واحد نظری
سناریوی آن بصورت مشترک بوسیله واحد نظری، احمد ژوند به رشته در آورده شد.

فلمبردار : قادر طاهری
پرودکشن منیجر : میر ابوبکر عاطف
مونتاژور : قدیر رشیدی
صدا گذار : نور الله ملتفت
موزیک : شادکام

دراجرای نقشها : عبدالله صمدی، عادله ادیم، فریده فیض،
جان محمد پلار، میرویس پتنگ، شاه محمود شارق، مرتضی باقراء
و زلیخا فخری درخشیدند.

فلم لحظه ها

فلم سینمایی «لحظه ها» در نوار ۳۵ ملیمتری از سوی افغان فلم به دست تهیه گرفته شد.

فلم‌نامه «لحظه ها» که نگارشی است از واحد نظری در درونایه، خود تصویری روانی و نهادی را از زنده گی مردم که چگونه با ناملایمات دست به گریبان اند و کارگردان سعی بر آن داشت تا مفاهیم را روی تصاویر سمبولیک روشنفکرانه منعکس ساخته و ارائه تصویر میداد.

کارگردان : واحد نظری

فلمبردار : صدیق امین زی

مونتاژور : قدیر رشیدی

در اجرای نقشها : قادر فرخ، عزیز الله هدف، عبدالله صمدی، سایرہ اعظم و وکیل نیکبین درخشیدند.

این فلم بعد از مراحل پراسیس و چاپ در حدود یک ساعت و چهل دقیقه وقت به نمایش روی پرده آمده و به نمایش قرار گرفت.

فلم سایه

فلم سینمایی کوتاه «سایه» بکونه سیاه و سپید در نوار ۳۵ ملی متری ریاست افغان فلم بدست تهیه گرفته شد.

فلم به اساس داستان جلال آل احمد که فیلمنامه آنرا صدیق برمگ به تحریر در آورد.

کارگردان فلم : نصیر القاص

فیلمبردار : نور هاشم ابیر

مونتاژور : قدیر رشیدی

با شرکت : یاسمين یارمل، عمر (طفل خورده)، جمیل کریم پور و لطیف همدد یار نقش آفرینی گردیده است.

محتوای فلم را موضوع سرنوشت طفل و مادر، در زمان جنگ در برمیگیرد. فلم بعد از مراحل فلمبرداری، مراحل پردازش خود را پیمود و اقبال نمایش یافت که مردم به گرمی از آن استقبال کردند.

فلم اراده

فلم سینمایی «اراده» به طریقه سیاه و سپید در نوار ۳۵ ملیمتری، فلم مشترک است از جانب موسسه شفق فلم و افغان فلم در اواخر ۱۳۶۹ و اوایل ۱۳۷۰ در دست تهیه قرار گرفت.

فلم سینمایی «اراده» نخستین فلمیست بعد از وفات مرحوم «توریالی شفق» که به سرپرستی موسی رادمنش و همت اعضای فعال و متحد شفق فلم تدارک دیده شده و به مساعی افغان فلم تهیه و اكمال گردید.

محتوای فلم را موضع «اختطاف اطفال» که در جامعه افغانی منحیث یک فاجعه تازه بروز کرده بود احتوا میکند و در پیوند به آن محبت و نیروی پر تحرک جوانان که از خود شجاعت و مردانگی نشان میدهند بر کیفیت فلم افزوده است و فلم برای جوانان ما ارزشمندی خاص خود را دارد.

کارگردان و دیالوگ نویس : موسی رادمنش

فلمنامه : معروف قیام

اسیستانت کارگردان : همایون سدوزی

فلمبردار : نور هاشم ابیر

پرودکشن منیجر : میرابویکر عاطف

منتزهور : قدیر رشیدی

صدا گذار : محمد قاسم کریمی

لابراتور : سلطان استالفی

چاپ : محمد ناصر باقر

مونتاز نگتیف : خواجه احمد شاه صدیقی

لايت (نور پرداز) : غلام، حیدر رادمنش و نصر الله نوروز

مشاور ورزش : حبیب معراج

موزیک متن : محمود شاه حق پرست

آهنگ : شاد کام، وجیهه رستگار

معاون پرودکشن : عیسی رادمنش

در اجرای نقشها : قادر فرخ، اکرم خرمی، حشمت فنایی، احمد سیر سلطانی، زمان دلاور، سویتا، لینا امید، نفیسه یلدا، نسیمه رویا، نور ضیا نزهت، خورشید، جمیل کریمپور، ف، عبادی، شریف خیر خواه، صفور آهنگیل، تیمور حکیمیار، رایض، معروف قیام، عنایت الله رحمت زاده، دگروال رحیم امان و موسی رادمنش درخشش داشتند.

زمانیکه فلم در مرحله، چاپ و ریلز خود قرار داشت چرخش دیگر در وضع سیاسی و اجتماعی کشور به وقوع پیوست و با تغیر رژیم، فلم و فلمسازی در حالت رکود قرار گرفت. بنا بر آن فلم «اراده» از اراده، غایش باز ماند.

فلم د کھو سرگردان

دومین فلم سینمایی به زیان پشتو «د کھو سرگردان» میباشد که در نوار ۳۵ ملی متری در اوایل سال ۱۳۷۰ امور تهیه آن از سوی ریاست افغان فلم بدست تهیه گرفته شد.

سناریوست و کارگردان : احمد ژوند

فیلمبردار : نور هاشم ابیر

پرودکشن منیجر : میر ابویکر عاطف

اجرا کننده نقش عمه فلم را حشمت فنایی، سویتا، شیرین گل
عهده دار اند.

یک گام استثنایی در سینمای ما

فلم «دثور انقلاب» یکی از کار کرد های سینمایی افغان فلم میباشد، این فلم شاید در نوع خود استثنایی ترین فلمی باشد همانند همه حوادث استثنایی در افغانستان.

میشود گفت که همه پرسنаж های این فلم را کرکتر هایی تشکیل داده اند که در واقعیت در رخداد ۷ سور فعالانه سهم داشتند، آنها یکبار دیگر در یک طرح جدید سناریوی حوادثی را که در آن سهیم بودند جلو (دوربین) کمره، سینما ظاهر گشتندو عملأ در نقش هایی بازی کردند.

حفيظ الله امين حکمروایی مطلق العنانی افغانی با عده، زیادی از همکارانش بر اساس سناریوی از قبل تهیه شده در نقش های این فلم جا گرفتند.

سناریوی این فلم را داود فارانی با همکاری عده، زیادی از اعضای کمیته، مرکزی و بیروی سیاسی حزب دیمو کراتیک خلق نوشتند. کار گردانی این فلم را نیز داود فارانی به عهده داشت.

امور فلمبرداری آنرا انجینیر لطیف با همراهی سونه رام تلوار

بدوش گرفته بودند، عکاسی صحنه های فلم را قادر رطابی انجام داده بود. مونتاژور فلم حکیم مرزی و پرودکشن منیجر آن آقای وکیل واحدی و در حصه، صدا گذاری سید علی عالمی توظیف گردیده بودند.

این فلم در نوار ۳۵ ملی متری رنگین تصویر برداری گردیده بود که بعد از اکمال در لبراتوار های رنگین یکی از استدیو های انگلستان پراسس چاپ آن انجام یافت ولی زمانیکه قرار بود مواد آن پشت میز مونتاژ برود، دیگر نه تنها حفیظ الله امین وجود نداشت، بلکه شوروی ها با قیام قدرت داخل کشور شده بودند و فلم هیچگاهی روی پرده، سینما اقبال نمایش نیافت.

همان ها بودند که بعد ها برای توجیه عملکرد های شان دست به مانور تبلیغاتی وسیع زدند، فلم مستندی را در راستدیوی فلم های مستند «اوزوکینو خوروینکا» ساختند که از تمامی تصاویر زیبا و مستند گونه، «دثور انقلاب» در میان فلم استفاده کرده بودند.

آنها این نگتیف ها را در زمان ریاست آقای خالق علیل از افغان فلم بردن و دو باره بر نگردانیدند که به این عمل خود شوروی ها اسناد جالب هنری تاریخی زمان مارا از آرشیف سینمای افغانی ما گرفتند، زیرا با موجودیت آن میشد که اولاد آینده، وطن با مشاهده، فعالین هفت ثور و چهره های آن برگی از تاریخ کشور را

زنده به مشاهده بگیرند و نفرت عده از شهر وندان کابل را در مورد بلند کردن بیرق ۷ ثور توسط فعالین آن و همچنان اوج احساسات عده را در مورد پایین کردن علم و نشان جمهوریت رژیم محمد داود به مشابه برگه بی جالب و قابل توجه تاریخی مشاهده نمایند که این حوادث در کنار تم اصلی فلم تصویر برداری گردیده بود.

دده شصت خورشیدی (۱۳۶۰) زمان شگوفایی سینمایی افغانی

سینما خود یک پدیده انسانی و والاست که منحصر به فرد نبوده به کار و مساعی مشترک و جمعی نیاز مند است و روند تکامل آن نیز به دست اندر کاران این هنر «کارگردانان» نویسنده گان، فلمبرداران، نقاشان، میکیاژوران، آهنگسازان، تخنیکران، همچنان شعبات، چاپ و لابراتوار، صدا گذاری، مونتاژ، علم و تکنالوژی بستگی دارد.

تجربه ثابت کرده است که بدون اشتراک مساعی و هماهنگی نمیتوان به مغراج کار کرد های خویش نایل آمد. این اندیشه و مساعی صادقانه، دست اندر کاران سینمای افغانی در دده شصت ۱۳۶۰ خورشیدی مشابه نقطه عطفی در تاریخ سینمای افغانی از لحاظ شگوہمندی و جلال و بهشد سینمای افغانی بشمار میرود.

بخاطریکه درین دهه برای سینما گران و تولیدات سینمایی ما پیشرفت قابل ملاحظه دست داده است و در پهلوی ساخته های سینمایی یکی پی دگر چهره های تازه و مستعد در زمینه های کارگردانی فلمنامه نویسی، فلمبرداری، مونتاژ، صداگذاری، پرودکشن و تخنیک به تربیه گرفته شد و موسسات (پرودکشن های شخصی) ایجاد گردید و همراه با نوع و کار و

فعالیت های فرهنگی و هنری ریاست نشرات تلویزیون افغانستان در عرصه تهیه و تولید فلم های مستند و هنری با در نظر داشت امکانات بهتر و زودرس آن، نقش رشد یابنده را به جا آورده چه از ناحیه تربیه کادرها (کارگردان، سناریست، هنر پیشه، فلمبردار) و پیوست با آن نقش سمتدهی و مؤثر ریاست انجمن های هنرمندان بخصوص انجمن سینما گران و انجمن سینما گران جوان، تهیه موزیک و آهنگ بوسیله آهنگسازان چون : (ظاهر هویدا، احمد شاه حق پرست، عبدالله شاد کام) که با آهنگهای شاد شان به صحنه های فلم زیب و رونق بخشیدند، نقطه عطف دیگر اینکه در طول این دهه در روند تکامل سینمایی افغانی تحول و تحركی پدید آمده که بعضی از ساختار های سینمای ما بنابر ویژه گی های خاص هنری که داشتند راهی فیستوال های سینمایی بین المللی گردید که این خود نشانه بی از تحرك و بهشد سینمای افغانی در همین دهه محسوب میگردد. ولی با دریغ و دردکه تحولات بعد از سال ۱۳۷۱ خورشیدی به این هنر والا پدیده انسانی (سینما) و دست اندک کاران آن طوریکه مقدور بوده، مجال پرویال گشایی نداد، در حالیکه مسؤولیت این هنر والا که بیک معنی تاریخ ساز است و هر رخدادی را در نوار ثبت ضبط مینمود و به دست تاریخ میسپارید، از جهش باز میماند و شاخه های تازه شکفته، آن خشکید و از ثمر ماند و شکست.

بحران در کشور چون توفان دامنیگر همه شد و همه مارا به هر

جا و هر کجا کشاند و آرزو های بسیار پر پر شد، بالاخره پرده رکود بر هنر پرده کشیدند و فقیرش ساختند.

گرچه نباید از مساعی صادقانه صدیق برمک در زمان مسؤولتیش منحیث رس افغان فلم انکار نمود که روز های دشواری را سپری کرد و بقول خودش : «تولیدات این سالها تعدادی از فلم های مستندی بودمانند : «گشتزار مرگ» از ساخته نور هاشم ابیر، «خانه، تاریخ» افرنیشی از فلمبردار خوب ما قادر طاهری و «گذر گاه مرگ» فلم مشترک تلویزیون و افغان فلم از حسین دانش و همچنان فلم سینمایی «عروج» محصول همان روز های سخت جنگ به کارگردانی نور هاشم ابیر و در کنار این ساخته ها، (مراحل اکمال) فلم سینمایی (د کوخو سرگردان) به کارگردانی احمد زوند و مراحل چاپ و ریلز فلم سینمایی (اراده) به کارگردانی سینماگر خوب ما موسی رادمنش می باشند.

در کنار این فعالیتها عده بی از اعضای شفق فلم و قیس فلم ذریعه کمره، ویدیویی اما با اسلوب سینمایی با مساعی صادقانه همایون سدوزی منحیث کارگردان و سناریست، سیلم شاهین، اکرم خرمی، صفور آهنخیل، شریف خیر خواه، حکیم جان، عبدالاحد خاکسار، تیمور حکیمیار و نور احمد حمید فیلمبردار با جمعی دیگر جوانان به امکانات محدود و شرایط دشوار و اشتیاق قام ایثار گرانه به تهیه فلم های هنری کوتاه ویدیویی پرداختند. از جمله بهترین آنها (آتش و گرداپ) به کارگردانی همایون سدوزی

راکه با معیارهای خوب تصویری، تهیه گردیده است به نیکوبی یاد کرد. ولی با دریغ و درد که تندباه حوادث بتاریخ ۲۰ عقرب ۱۳۷۴ بافیر راکتهای کور فاجعه، بزرگ بوقوع پیوست، هفت جسد خونین : همایون سدوزی، شریف خیرخواه، نسیم سحر، دیدار سحر، عتیق ذهیر، زرغونه و عده دیگر جان های شرین خود را از دست دادند و در سیر تاریخ سینمایی افغانی واقعه، تأثراًوری را بجا گذاشتند و مرتبه، شهادت را کمایی کردند. روح شان شاد. اما فلم گرداد را تیمور حکیمیار با یارانش و به همکاری انجمن های هنرمندان ۱۳۷۵ اکمال و آماده نمایش گردانید.

و دیگر اوضاع روز تا روز در حال دگرگون شدن قرار گرفت و تحولات سیاسی سد راه شد و بار دیگر قفل بر دروازه های سینماهای شهر و افغان فلم آویخته شد.

سینمای مستند افغانی

نظری گذرا بر: فلم های مستند سینمایی در افغانستان

اساساً عکاسی مادر سینماست و به همین ترتیب راز حرکت فلم (سینما) گذشتن ۲۴ فریم در یک ثانیه میباشد. پس یک قطعه عکس یا یک فریم زیبا با کمپوزیشن عالی و زاویه سنجیده شده هسته های است که با حرکت آن سینما پدید آمده است.

نخستین عکس در افغانستان، زمان امیر حبیب الله و علاقمندی به عکاسی نخستین تصاویر از مناظر طبیعی و زنده گی مردم در آن زمان میباشد. و نخستین شات های مستند سینمای از جنگ استقلال افغانستان در محاذ (تل) که نشان دهنده همبارد قوای هوای انگلیس بر مواضع مدافعان افغان را نشان میدهد که توسط تیم از فلمسازان آلمانی تهیه شده بود است.

این تصاویر در آرشیف (استاک) افغان فلم موجود است. و تصاویر بعدی مستند از وقایع سیاسی افغانستان توسط انگلیس ها، المان ها و روسها تهیه گردیده است. فلم مستند سفر شاه امان الله یکی از انهاست. درین سفر بود که شاه بیشتر با پدیده جدید قرن بیست، سینما توکرافی آشنا میشود. بدینوسیله

علاقمندی موصوف به سینما افزونی می‌باید تا آن که نخستین دستگاه (آپارات) نمایش فلم تدارک می‌گردد و سینمای پغمان که محلی برای سرگرمی مردم بود و اکثر نمایش‌های تیاتری در آنجا برگزار می‌شدند و در همین محل بود که نخستین فلم افغانی نیز اقبال نمایش می‌باید.

در اثر پژوهشی که بعمل آمد نخستین تصاویر مستند خبری از سالهای ۱۹۵۰ میلادی به بعد در اختیار افغانها قرار گرفت و بعداً با به وجود آمدن ریاست مستقل مطبوعات (مدیریت عکاسی و فلمبرداری) تصاویر خبری اخذ و آرام، آرام سینما گران‌ما در تهیه و تولید فلم‌های اخباری و مستند موفقیتهای را بدست آوردن‌د.

در شمار فلم‌های مستند سالهای قبل میتوان از فلم مستند:

- ۱- سفر شاه به آمریکا
- ۲- جشن بین‌المللی
- ۳- گام به گام بسوی فردای روشن
- ۴- سره میاشت از ساخته عباس شبان

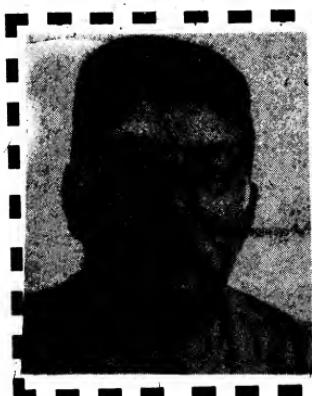
هر کدام این فلم‌ها در زمان خویش و زمانه‌های دیگر جالب و از ارزشمندی خاص برخوردار است.



محمد نوری

در زمرة، فلمسازان مستند افغانی یکی هم فلمبردار خوب و ورزیده محمود نوری است که در کنار دیگر ساخته هایش فلم مستندی را بگونه رنگین آن از بازی های معروف کشور (بزکشی) که بادیدن تصاویر زیبا و هیجان انگیزه آن واقعاً تماشگر را متوجه نوع فلمبرداری و انتخاب زاویه های جالب آن میسازد که بیان خوبیست از قهرمانی و جسارت مردم افغان باین ورزش باستانی ما.

* * *



یکی از فلمبرداران مجرب دیگر سینمای ما وحید الله رمق است که در بخش فلم های مستند داکومنتری پیشتر از ۳۰ ساخته دارد که از جمله بهترین هایش فلم مستند. (عملیات امداد) که در بین سالهای ۱۳۴۴-۱۳۴۵ در رابطه با فقر، بی سرپناهی، مرض، بیسوادی و مظلومیت های مردم ناتوان افغان تهیه شده است. وحید الله رمق کارگردان : عبدالخالق علیل فلمبرداران: محمود نوری، وحید الله رمق.

فلم مشترک افغان فلم و ازیک فلم تحت نام «زخم» که کارگردان فلم از جانب افغانستان ولی لطیفی و فلمبردار آن وحید الله رمق میباشد.

* * *

فلم سیاه و سپید «بزکشی» به کارگردانی حکیم مرزی و فلمبرداری وحیدالله رمق. فلم «توریستیک» از مناظر طبیعی و مردم افغانستان در نقاط مختلف سرزمین ما که زیبایی طبیعی و نهایی از رسم و رواج ها و عنعنات مردم با تصاویر زیبا انعکاس یافته است. کارگردان آن عبدالصمد آصفی و به فلمبرداری وحیدالله رمق تهیه و اکمال گردیده است.

* * *

فلم مستند «پرواز مشترک کیهانی»

و

خانه «تاریخ»

از جمله برجسته ترین فلم مستند دیگر همانا فلم مستند «پرواز مشترک کیهانی» است که تهیه این فلم در سیر شگوهمندی سینمای افغانی نیز یک حرکت مثبت تلقی میشود با خاطر آنکه یک فلمبردار ورزیده، ما با وجود تجارتی در زمینه تدارک و آماده گی و پرواز کیهان نوردان به فضای ثبت تصویری اش آنقدر دقت لازم بخراج دهد تا در پیوند همه تصاویر خلاص و اشتباه نبوده باشد. خوشبختانه که این مساعی با پشتکار فلمبردار افغانی (قادر طاهری) با موفقیت همراه بود.

این پرواز کیهانی میان دو کشور افغانستان و اتحاد شوروی وقت در سال ۱۳۶۷/۱۹۸۸ م انجام پذیرفت.

بعد از تثبیت و توافق هر دو کشور در آغاز کار دو نفر فضا نورد (عبدالاحد مومند و دوران) جهت اجرای وظیفه کاندید گردید که بعد از گذشت سلسله امتحانات (ترینات) عبدالاحد مومند در زمینه اجرای وظیفه موفقیت را کسب و انتخاب گردید.

واز سوی اتحاد شوروی لیا خوف فضا نورود روسی منتخب شد تا با فضا نورود افغانی پرواز مشترک را انجام دهند.

و بازهم این دو فضا نورود بصورت دقیق جریانات را که چگونه سفینه فیر میشود و امورات که در فضا انجام میابد و جریان وصل شدن سفینه با دستگاه میر و ارتباطات آن با زمین و دیگر امورات علمی و عملی که در فضا انجام میابد از سرگذارنیده و تمام مراحل آن را فلمبردار مانیز تصویر برداری نموده است. البته یادهای نمود که درین جریان سه فضا نورود قبلاً در «دستگاه میر» فعالیت داشتند وقتی که سفینه نزدیک شده با دستگاه میر وصل میشود، این دو فضا نورود بآن سه تن دیگریه کار مشترک خویش به مدت یکنیم هفته به فعالیت میپردازند و جریان را تصاویر اخذ شده میرساند که ارتباط آن به زمین ذریعه تصاویر و با مرکز تحقیقاتی فضا نوردان و ارتباط عملیات آن با فضا (دستگاه میر) و به همین گونه جریان برگشت سفینه بطرف زمین که بصورت مجموعی پرسه را در شهر پاینکانور- قذاقستان صورت پذیرفت.

در اكمال فلم تصاویر از استقبال مردم شوروی وقت از فضا نوردان و کارمشترک شان و همچنان تصاویر از بزرگداشت این اقدام توام با استقبال گرم مردم افغان که در شهر کابل از خود نشان دادند، پیوند (مونتاژ) یافته و این شیوه فلم متذکره را یک فلم جالب و زیبا، آموزنده و نشانه، پیشرفت و ترقی و افود کرده است.

* * *

از همین فلمبردار ورزیده ما قادر طاهری فلم ارزشمند دیگری داریم که از اهمیت تاریخی برخوردار میباشد فلمی که گواهی رخداد های تلخ روزگار ما را بازگو مینماید و نشان میدهد که چگونه دستان مغرضانه دشمنان ایدالوژی، وطن، مردم ما را و خانه و کاشانه و همه دارو ندار، ما را به یغما برد و مکارانه و دد منشانه هستی ما را به نیستی مبدل ساخت.

این فلم بنام «خانه، تاریخ» است فلم در نوار ۳۵ ملی متر بگونه سیاه سپید حوادث و وقایع سالیان ۱۳۷۲ - ۱۳۷۴ را در عرصه های مختلف حیاتی ما از شکنجه ها و ظلم و استبداد گرفته تا ویرانی اعمارات شخصی و دولتی و شهرما، سرگردانی و آواره گی اقوام مختلف ساکن وطن ما، فرو باشی سیستم دولتی، تعلیم و تربیه بی سرو سامانی دیگرزوایای زنده گی بر اثر نا عاقبت اندیشه سالاران جنگ افروز که از ویرانی وطن و ریختن خون انسان لذت میبردند و بر بادی مردم وطن با اشارات اجنبی ها سر اطاعت خم مینمودند و غرور و ننگ افغانیت و اسلامیت را به باد فراموشی میسپردند و دل با داران شان را شاد ساختند، ولی دریغ که این سیاه کاری های شان بدل تاریخ بجای اینکه همت و مردانگی از خود بجای میگذاشتند منحیث خاطره تاریک باقیمانده است.

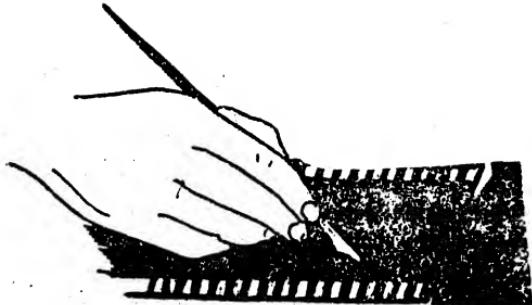
نوشته، متن را شیر محمد خارا به تحریر آورده است، تماشای این فلم یک اندیشه را به تماشگر القاح میکند که رسالت سینماگر آگاه

در هر مقطع زمان آن اینست تا با ارائه و خلق تصاویر و رخدادهای حوادث و تحولات آنچه مثبت است یا منفی به دل تاریخ بسپارد و گواهی و آگاهی برای نسل امروز و فردا باشد.

نقطه قابل عطفی دیگریکه درین فلم مشاهده میرسد همانا ده دقیقه دیگر فلم تصاویری که از برابر چشمان ما میگذرد و ما را به عمق اندیشه کارگردان آن متوجه میسازد و آن تصاویری آثار تاریخی از موزیم کابل و ابدات تاریخی در ساحات مختلف سرزمین ما که جنگ ویرانگر همه این داشته های ارزشمندی ما را چون قلب مردم ما زخمی و ویران و حتی نابوده کرده است.



قادر طاهری



دستآورده سینماگران ما در دیار مهاجرت

هر چند در داخل کشور از چگونگی کار سینما و کار کرد های سینمایی بوسیله سینماگران ما تا آنجا که مقدور و میسر بود و ذهن یاری کرد، ذکر بعمل آمد، ولی بی مورد نخواهد بود پیرامون کار کردهای سینما گران ما که در دیار مهاجرت با قبول رنج و مشکلات فراوان دستآوردهایی داشته اند و به پیکر بی رمق سینمای افغانی جانی داده اند کوتاه درنگی داشته باشیم.

فلم عصیان

فلم سینمایی «عصیان» در سمت شمال کشور زمانی به تهیه گرفته میشود که در کشور عزیز ما دولت اسلامی حکمرانی دارد گرچه وضع در سراسر کشور ثبات نداشت، این فلم سینمایی به اساس نوشته یی از سیر دهقان طرح ریزی شده و سناریوی آن اماده گردید. محتوای فلم در برگیرنده وقایع جنگ، دخالت شوروی ها در کشور و ادامه جنگ و بدیختی در جامعه را به تصویر کشیده است، تصاویر از جهت فلمبرداری خود زیبا ولی از جهت پیوند های نامناسب خود در ذهن تماشاگر سوالات مختلف را ایجاد میکند و به همین ترتیب تنظیم دیالوگ ها از زیان کرکتر ها لنگش های را نیز با خود دارد.

نویسنده، فلمنامه و کارگردان فلم: انجینیر لطیف

فلمبردار: وحیدالله رمق
تهیه کننده: صدیق عابدی

در اجرای نقش‌ها: بربال، استاد قیوم بسید، اکبر روشن، قادر فرخ، انسه وهاب، سمین، حوا، نرکس، نسیمه، نیکبین، رحمت الله، بهرام بیکی درخشش داشتند.

این فلم بعد از طی مراحل آن در شهر مزار شریف و تاجکستان به نمایش گذاشته شده است.

* * *

- فلم هنری پراوازه «شیر آغا و شیرین گل» به کارگردانی انجینیر لطیف و نقش آفرینی هنرمندان چیره رسنتم کشور: حاجی محمد کامران، حمیده عبدالله، ف. عبادی، خورشید، هما مستمندی، عزیز فروغ، صبور طوفان و دیگران، درخشش داشتند که همین یونت قسمت دوم آنرا نیز بدست تهیه گرفتند.

* * *

همچنان سینماگر افغان سعید اورکزی فلم سینمایی را تحت نام «خاکستر سپید» در رابطه با مواد مخدر و اضرار آن دردست تهیه گرفته که چشم پراه تماشای آن هستیم.

درین اواخر در کشور روسیه در شهر ماسکو سینماگر مستعد و

جوان دکتور سید همایون مرووت فلم کوتاه سینمایی را تهیه کرده است زیر نام «زغال سیز» که مایه یی از بی انصافی زمانه های قبل برچگونگی استعداد و سمتدهی جوانان میلان دارد، که نیکو به تصویر کشیده شده است فلم متذکر در فستیوال سویدن و بیستمین جشنواره بین المللی سینمایی مسکو شرکت کرد.

سناریست و کارگردان: سید همایون مرووت

پرودیوس و فلمبردار: ابراهیم عارفی

معاون کارگردان: شمس عبادی

در نقشها: شمس عبادی، سیدقاسم مرووت، ذکریا پاداش، ایرینا گروموا، بوریس آردف، قادر عارفی، حمید حقانی و چند هنرپیشه، روسی درخشش داشتند.

مونتاژ: س، کراکونسکایا

صدا بردار: ا، زکرییفسکی

امور تهیه: گ، کوزنتیسوا

محصول: ۱۳۷۰

* * *

به همین گونه:

- در شهر خجند، تاجکستان در سال ۱۳۹۹ج، جوانشیر حیدری فلم «چاپ انداز» را کارگردان نموده است که سناریست آن صدیق عابدی میباشد.

* * *

- همچنان ترتیب فلم ویدیویی بنام «عشق پیری» از انجنیر لطیف در شهر ماسکو به سال ۱۹۹۹ تهیه شده است که در آن نقش مرکزی را «امان اشکریز» عهده دار است.

* * *

- فلم سینمایی درنوار ۱۶ ملی متر بنام «در سرزمین بیگانه» به کارگردان حفیظ آصفی که سلام سنگی نیز در آن نقش دارد و این فلم در یکی از شهر های امریکا تهیه شده و با آهنگهای از فرهاد دریا تدوین گردیده است.

* * *

- فلم زیر نام «حادثه» ساخته نذیر مردمی است که در سال ۱۹۹۹ تهیه و تولید گردیده است.

* * *

- فلم وايداسکرين در نوار ۳۵ ملی متر بنام «چيلنجر» به کارگردانی قیوم سليمان خیل در کشور جرمنی در جریان سال های ۱۹۹۶-۱۹۹۹ تهیه و تدارک و اكمال گردیده است.

* * *

و در سرزمین هندوستان فلم ویدیویی زیر نام «شکست» که بوسیله عباد الله تپنگ کارگردانی گردیده است.

* * *

همچنان در همین کشور فلم دیگری زیر نام «روبا» از سناریوی

یوسف کهزاد به کارگردانی حشمت خان به همکاری فهیم سدوزی که هر دو ایفاگر نقش های عمدہ فلم نیز بودند و در کنار شان حشمت فنایی هنر پیشه سینمای ما نیز ظاهر شده است فلم از لحاظ محتوا، پرداخت تصویری و انتخاب کرکتر ها، و دیالوک ها ضعف های معین خود را داشت ولی باز هم تلاش است در زمینه هنر سینما.

* * *

در کشور المان سینماگر آگاه واحد نظری که باسعی و تلاش خویش عضویت انجمن فلم سازان آلمان را کسب کرده با همدمستی هنر پیشه محبوب سینمای ما فتح الله پرند به تهیه و تولید اثر سینمایی مصروف اند که امید واریم به زودی دستآورده شانرا به تماشا بنشینیم و از آن لذت ببریم.

* * *

جلال پیروز سینماگر اگاه دیگر ما در کشور هالند بسر میبرند که به گمان اغلب مصروف تهیه و تدارک اثر سینمایی خواهند بود.

* * *

به همین گونه عده بی از سینماگران و هنرپیشه سینما تلویزیون ما تیاتر ما در کشور پاکستان نیز مهاجر شده و در شهرهای مختلف آن روزگار میگذرانند اما با وجود مشکلات و دشواریها به فعالیت های هنری و فرهنگی با امکانات محدود همت گماشتنند.

* * *

یکی هم حنان زمریال است که با همایی مرحوم نبی نوجو سینما گر افغان ما موفق به دو فلم هنری به طریقه ویدیویی میشوند به نام «ندامت» و «زنده گی دویاره» البته فلم در رابطه به مواد مخدر «هیروین» و تأثیرات آن در اجتماع تدوین یافته است. نقش آفرینان درین دو اثر عبارتند از: عظیم جسور، قدیری، مرتضی بایقرا، زمریال، میمونه غزال، محبویه جباری و احسان اتیل که با درخشش شان به زیبایی فلم افزوده بودند.

* * *

«هدف» فلم ویدیویی کوتاهیست که در رابطه به ورزش تدوین یافته است این فلم هنری کوتاه را هنرپیشه، مستعد تلویزیون و عضو انجمن سینماگران جوان سید سمیع اللہ هاشمی که پیرامون فلم فلمسازی اندوخته های دارد و در چندین فلم تلویزیونی از ساخته های موسی رادمنش مثل: عارف تخم، گرگ و خرگوش، و ندامت در کنار ابراهیم رادمنش که هر دو درخشش خوبی داشتند با تکیه بر تجارت اش فلم «هدف» را به کار گردانی گرفته است.

فلمبردار: اجمل نظری تصویر برداری کرده است، و در اجرای نقش های اصلی: سید سمیع هاشمی، حشمت عتیق، امید نصیر، نازنین غربیار، مؤگان و دیگران سهم داشتند. این فلم در ساحت اسلام آباد - پاکستان تصویر برداری گردیده که بعد از اکمال اقبال نمایش یافته است.

* * *

در شهر پشاور پاکستان برای بار نخست در حالیکه سلسله جنگها، مصیبتها، ویرانیها، آواره گردیدن ملت افغان روز تا روز فزونی میبایست من «موسى رادمنش» در فکر آن شدم تا راجع به وضع و چگونگی حالات و بحران «اثری» داشته باشم، همانا با همدستی دوست خویم مصطفی مختار دست به ساختن فلمی مستندگونه یی زدیم به نام «کابل و وطن در ترازوی سه سال» با امکانات ناچیز و محدود تهیه و تدوین شده که بیانیست از رنج ها و مصیبتهای روزگار ناشی از جنگ.

سناریوی و کارگردان: موسی رادمنش
فلمبرداری و تدوین: مصطفی مختار

پویوودسر: شریف برات

گوینده، متن: م. رادمنش

ثبت نویشن: الیاس برلاس مسعود حفیظی
فلمبردار صحنه ها و نماهای مستند: عیسی رادمنش
نورپرداز: صادق برات

در اجرا نقشها: صفور آهنخیل، سلیمان رادمنش، شاکر سیار،
زملی آراء و دیگران.

آهنگهایی از آواز خوانهای محبوب کشور:
ظاهر هویدا و هماهنه نذیر پرویز، حمید گلستانی و
واحد پیغام.

محصول سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵) - پشاور، پاکستان

به همین منوال در ماه اسد سال ۱۳۷۵ مطابق اگست ۱۹۹۶ فلمنامه، «دود و خاکستر» را که یک فلم نیمه هنری و نیمه مستند است نوشتم این فلم ۴۰ دقیه بی بر محور جریانات و وضع نا بسامان و حالات جنگی و بحرانی که مصیبتهای ناگوار را در طول تاریخ بر ملت مظلوم افغان تحمیل کرده است می‌چرخد و عوامل را به گونه سیمبلیک با پیشینه تاریخی آن به تصویر کشیده است. و در پیامد خویش جلب توجه را در مردانه افغان را که همچو نیاکان خویش کمر همت بندند و در تعیین سرنوشت ملت و کشور فارغ از هر گونه تعصب و اخماص به دور هم جمع و ایتکاری را خود به دست گیرند تا آفتاب صلح و ثبات در کشور بدرخشد و در فضای آسمان نیلگون آن کبوتران به پرواز آید و سعادت همگانی را به ارمغان آورد. فلم بعد از اکمال پر اسس در جمیعی از فرهنگیان افغان طی محفلي در مرکز فرهنگی «اویسن» به نایش گذاشته شد و تماشگران بعد از ختم نایش درباره چگونگی فلم و تهیه، آن در چنین مقطع زمانی نظریات شان را ابراز و به ارجگذاری پرداختند.

سناریوی و کارگردان: موسی رادمنش

شاعران: یوسف کهزاد، مهدی دعاگوی

فلمبرداران: فلیپ تروز، محمد یوسف نوابی، مصطفی مختار،

عیسی رادمنش، نجیب الله صدیقی و نور الله سیفی

کمره ستديو: حسين صدیقی

معاون کارگردان و تخنیکر: سید عبدالقهرار روحانی

موزیک متن: قدیر شبدی

گوینده متن: فریده حمیدی

آواز از هنرمندان محبوب: استاد اولیر، احمد ظاهر و جواد غازی یار، بر برخی تصاویر قسمت های فلم قوت بخشیده است.

* * *

در برج قوس ۱۳۵۷ فلم پورتريت را از شخصیت وارسته مولانا صاحب فیضانی در پیوند با تصاویر مستند از کنفرانسهای که درباره، این عالم روحانی و کارنامه های شان در زمانه های مختلف برگزار گردیده بود، تهیه و انسجام یافته است به نام «چراغی بر رواق تاریخ»

کارگردان: موسی رادمنش

نوشته، متن: عبدالرزاق مأمون

گوینده متن: یوسف حیران

ادیت (تدوین): سید عبدالقهرار روحانی

پرودیوسر: خلیل رضوانی

موزیک متن: قدیر رشیدی

فلمبردار: انجینیر احمد منیب «رهیاب»

کمره استدیو: حسین صدیقی

محصول قوس سال ۱۳۵۷ - پشاور، پاکستان

* * *

به همین ترتیب در اکتوبر ۱۹۹۷ جهت گشایش مرکزی کلتوری

عرفان به منزله، یک هسته، فرهنگی که فرهنگیان افغان بتوانند بر ایجادگری خویش در عرصه های مختلف هنر و فرهنگ بپردازند فلم کوتاه هنری را به نام «فروغ» به دست تهیه گرفتیم که محتوای آن در محور آشتفتگی ذهنی و روانی روشنفکران افغان در رابطه به بحران و به رنوشتی افراد کشور میلان داشت. فلم در مدت کوتاه تهیه و در «مرکز کلتوری عرفان» به نایش گذاشته شد که طرف توجه علاقمندان کلتور و فرهنگ خاصتاً منورین افغان قرار گرفت.

سناریویست و کارگردان: موسی رادمنش

پرودیوسر و تخنیک دایرکتور: سید عبدالقهر روحانی

فلمبردار حسین صدیقی

معاون کارگردان و موزیک ولایت: قدیر رشیدی

محصول: اکتوبر ۱۹۹۷

در اجرای نقشها: در محمد به حیا، موسی رادمنش، واسع

صمدی، سلیمان رادمنش درخشیدند.

* * *

فلم وصال

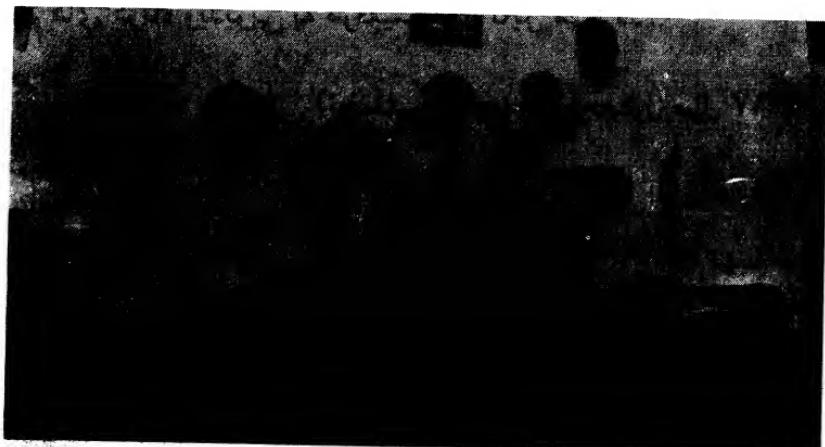
در اواسط سال ۱۹۹۸ عددی از جوانان ورزشکار و هنرپیشگان مهاجر افغان به دور هم جمع و طرح ساختار فلم بلند هنری را در مبدأ کار به حمایت اقتصادی و تکنیکی مرکز کلتوری عرفان و معاونت اقتصادی دسته، جوانان شامل یونت (کارکنان) فلم به اتکای سوژه «داستان» سید عبدالقهرار روحانی که بعداً سناریوی آنرا تحت نام «وصل» به رشته، تحریر در آورد. فلم در محتوای خود ورزش و چگونگی عملکرد آنرا و هوشدار جوانان افغان را که در لحظه، حساس کنونی در پرتگاه بی سرنوشتی قرار دارد نمایش میدهد و در پیوند با این هدفمندی دوستی و محبت نیز خط سیر خویش را در قبال مشکلات و موانع میپیماید و به وصال می‌نجامد.

* * *

فلم هنری «وصل» که یک سال و نیم را از تدارک صحنه آرایی و فلمبرداری گذشتاند، امور فلمبرداری آن به پایه اکمال رسید و اکنون در آستانه ادیت (مونتاژ)، دبنگ (ثبت آواز) قرار دارد.
سناریوی و کارگردان: موسی رادمنش
پردازش و تکنیک دایرکتور: سید عبدالقهرار روحانی
فلمبردار: حسین صدیقی

کانتیونتی و اسیستانت کارگردان: قدیر رشیدی
 لایت: نورپرداز: خواجه ابراهیم
 آرایشگر: جینا رهیان
 ترجمه، دیالوگ به زبان پشتو: مرحوم منان ملگری
 شاعر: پیر محمد کاروان
 مشاورین ورزش: استاد وحید الله شفیق، استاد حیات الله
 در اجرای نقشهای عمدہ:
 احسان الله، نجیب الله، ځدران، شاه محمد شارق،
 واسع صمدی، حیدر جلال، سپنا، مریم ناجی، طوبی،
 استاد وحید شفیق، استاد حیات الله، شهیر احمد، احسان،
 سلیمان رادمنش، سید طاهر روحانی، محمد عظیم بختیاری و عدهء
 از ورزشکاران جوانان افغانی درخشش دارند.
 امید واریم فلم با همت دست اندکاران آن زودتر آمادهء نمایش
 گردد.

* * *



دو جوان پرکار و مستعد امیر محمد صمیم و احمد زبیر فرغند که قبل از ما رخت هجرت بر بسته بودند، یکی امیر محمد صمیم که سالهای قبل عضویت انجمن سینما گران جوان و عضویت موسسه شفق فلم را داشت و با رادمنش منحیث اسیتانست در ساختار فلم ها دستیار خوبی بود. زمانیکه به شهر پشاور مهاجر گردید با مشقات فراوان به ساختار فلم ویدیویی بنام «یتیم» دست یازید که فلمش بعد از اکمال بنمایش آمد و طرف استقبال گرم مردم قرار گرفت.

* * *

جوان دیگر احمد زبیر فرغند است. این جوان مستعد در آغاز مدتی را به کشور ایران در شهر سراوان مهاجر شده و در انجا با علاقمندی رشته تیاتر را تعقیب کرده و در سال ۱۳۶۶ به شهر پشاور آمده منحیث آموزگار در آموزش تیاتر در خانه، فرهنگی ایران مقیم پشاور استخدام میشود و بعداً طی فعالیت های به تهیه فلم های کوتاه ویدیویی به موفقیت های نایل میگردد.

• فلم کوتاه ویدیویی (نخستین پیروزی) محسول سال ۱۳۶۷ منحیث هنرپیشه و کارگردان

- فلم کوتاه ویدیویی (زندان) که در سال ۱۳۶۹-۶۸ تهیه شد و منحیث هنرپیشه نقش بازی کرد به کارگردان بهرام بربال.

- فلم کوتاه ویدیویی (وسسه) بحیث هنرپیشه و کارگردان محسول ۱۳۷۱

- فلم کوتاه ویدیویی (آخرین حرف) بحیث هنرپیشه و کارگردان محصلو ۱۳۷۲.

- فلم کوتاه ویدیویی (سقوط یک فرشته) بحیث کارگردان

این چند ساخته از جمله ساخته های است که بدان توجه بیشتر مبذول داشته شده است.



فرغند حین اجرای امور شوتینگ



فلم نیلوفر در باران

در ماه سپتامبر 2000 دوست دیگر ما همایون کریمپور با مشوره سینما گر آگاه صدیق برمک فلم برداری فلم نیلوفر در باران را در شهر پشاور پاکستان آغاز کردند.

سناریوی فلم بر محور اینکه: شاهپور جوانی افغانی در غرب بعد از سالها تنها بی بالاخره با دیدن عکسی از نادیه دختر افغانی، ذوق ازدواج در روانش جوانه میزند، میخواهد با او ازدواج کند و زنده گی را با این وصلت در شهر پشاور سرو سامان دهد، ولی در شهر پشاور با واقعیت تلغی رویرو میشود و ونا گزیر با نیلوفر پیوند زنده گی میبیند و همین ماجرا باعث میشود تا شیرازه، زنده گی در غرب از هم بپاشد، نیاز پدر نیلوفر پس از سالها دوری در فرانسه با آنها یکجا میشود و نیخواهد دخترش را با مرد همسن و سال خودش ببیند. آنگاه طرح جدایی دخترش را میریزد و ویاuch میشود شاهپور و نیلوفر در مسیر تند حوادث تنها باقی بمانند... میتوان چنین سوژه را گونه بی از (درام) اجتماعی و روانی نام گذاشت.

سناریست و کارگردان: همایون کریمپور
مشاور عمومی فلم: صدیق برمک

فلم بردار: نور هاشم ابیر
 صدا بردار: نور الله سیفی
 پرودکشن منیجر: ایوب عمر
 معاون فلمبردار و نور پرداز: میرویس رکاب
 در اجرای نقشهای عمدۀ فلم، هنر پیشه گان محبوب و مجرب
 تیاتر، سینما و تلویزیون ما: منون مقصودی، قادر فرخ،
 میمونه غزال، اسد تاجزی، حبیب ذلگی، سلیمان رادمنش،
 افروز نیک زاد (هنر پیشه، ایرانی) نیکی، ایگزی ویه لاغورس
 (هنر پیشه، فرانسوی) و دیگران درخشش دارند.

وقت نمایش: یک و نیم ساعت "80' 1 دقیقه

و فلم بوسیله کمراه D.J.T ویدیویی فیلمبرداری گردیده ممکن
 در نوار 35 ملی متر سینمایی کاپی گردد.
 موفقیت مزید برای کارگردان (هایلون کریمپور) تنا برده و آرزو
 مندیم این فلم زیبا را زود تر به ناشا بنشینیم و از آن لذت ببریم.



پرودویس (تهیه و تولید) و وزیر اسد و اسما ظهیری^۱ بنده بوسیله حبیب محمد و مهر قشاد مرفت

دو تن از شایقین نہر سینما تارک^۲ بیه شدند.

نخست: ساریو «نہر ارد و دوشب» برآناس یک داستان داشت^۳ بوسیله صدیق برک
کار گردانی شد.

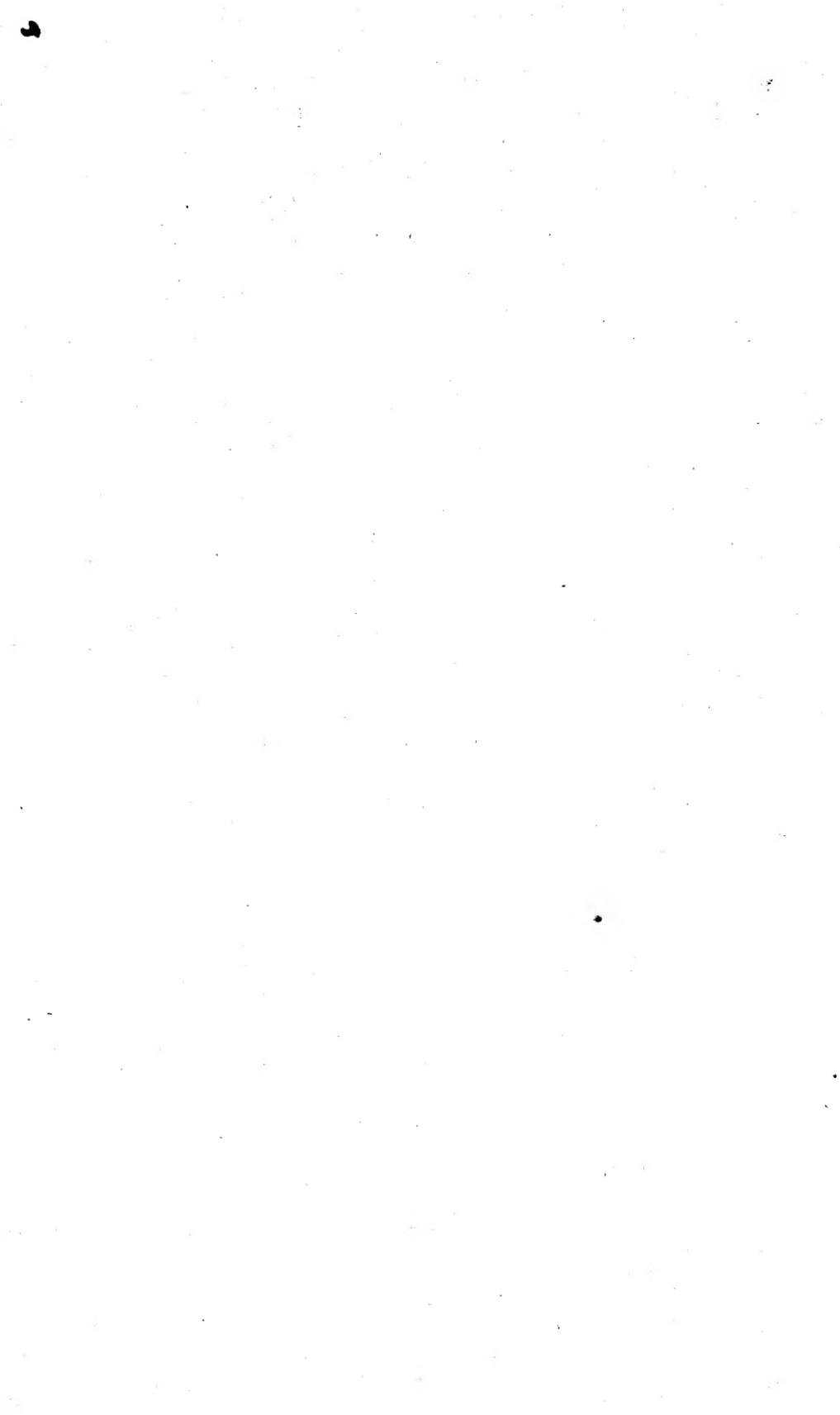
ثانی: موسی منش فلمن ره «قصہ هرک» را نوشتند که مسؤولیت کار گردانی

آزاد پندر و ش دارند.

این دو پروژه فعلاً در مرحله تسعین نیزت، کارست نہر پریش^۴ نامه و موقعيت فلبرداری

مصردوف آند.

البروج هندری سینهایی



حکایت حکیمان سینه‌ای افغانی





توریالی شفق



عبدالصمد آصفی



فیض محمد خیبرزاده



عبدالخالق علیل



ولی لطیفی



رفیق یحیالی



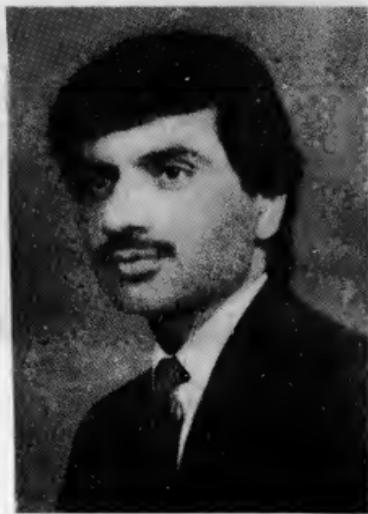
انجیر لطیف



واحد نظری



صدیق برمک



سعید ورکزی



جلال پیروز



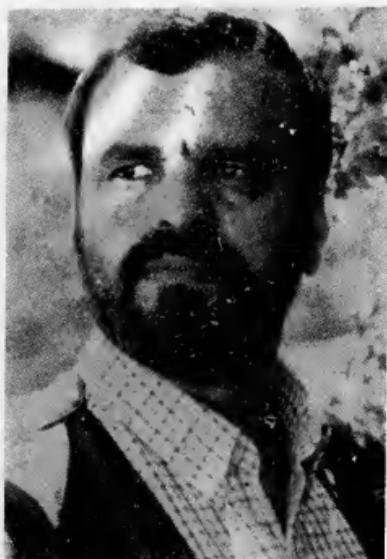
مهدى دعاگوى



فقیر نبی



خان محمد جوانشیر حیدری



موسی رادمنش



سید همایون ھوت



غزیز آسوده -



حنان زمیال - کاربرد -



سرور انوری



محمود نوری



سونه رام تلوار



قادر طاهری



وحیدالله رمق



نور هاشم فلمبردار
همایون سدوزی معاون کارگران
با مومی رادمنش حین دایرکت صحنه از فلم سینمایی (اراده)

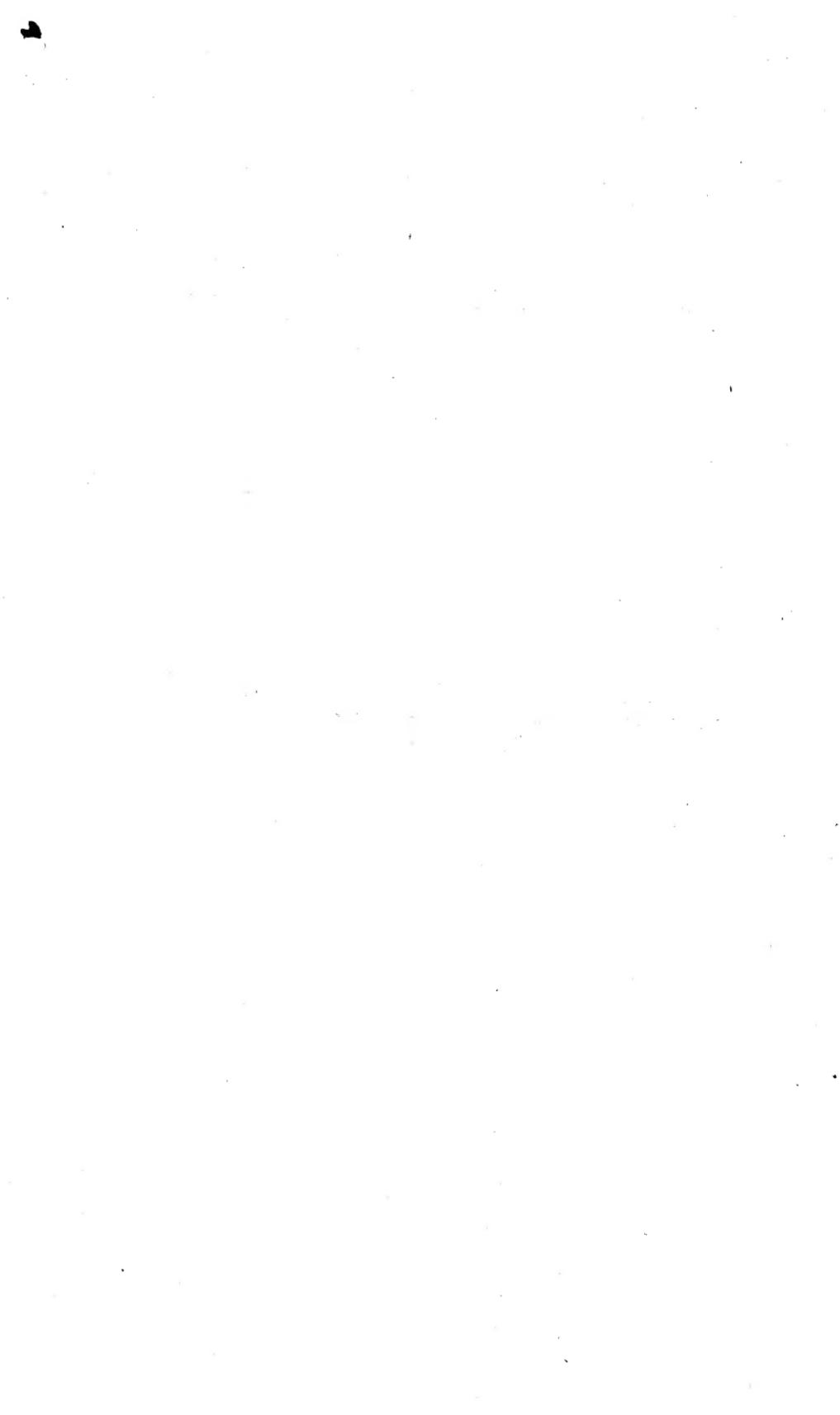


ظاهر طاهری
بنکاس وزیری



سلیمان علم
(طرف راست)

مختصر پیشنهادی مذکور سینهای انتخانه





قادر فرخ



اکرم خرمی



محمد جان گورن



فتح الله پرند



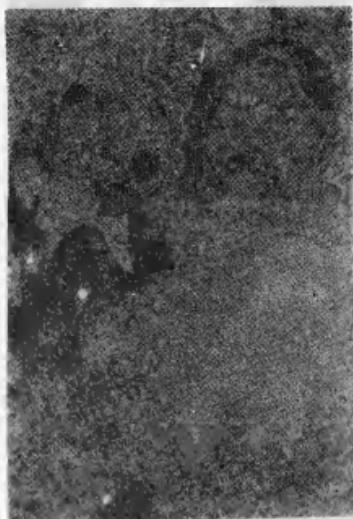
استاد عبدالقيوم بسيد



استاد رفيق صادق



ف، فضلى



ف، عبادى



حاجی محمد کامران



عنایت محب زاده "طرف چپ"



عزیز الله هدف



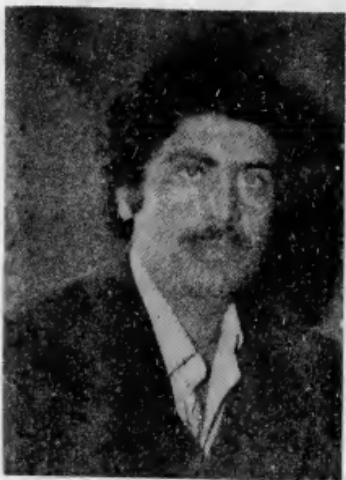
ابراهيم طغيان



عارف الدين



سلام سنگى



ناصر عزیز



اسدالله تاجری



عبدالله "طرف چب"



هشت پیشه سینما (میرفت شاه) معرفت



شاه محمود شارق با مشعل هنریار



امین رحیمی



نسیم خوشگوار



وزیر محمد نگهت



خلیل قاریزاده



محمد شریف



غفور عبادی



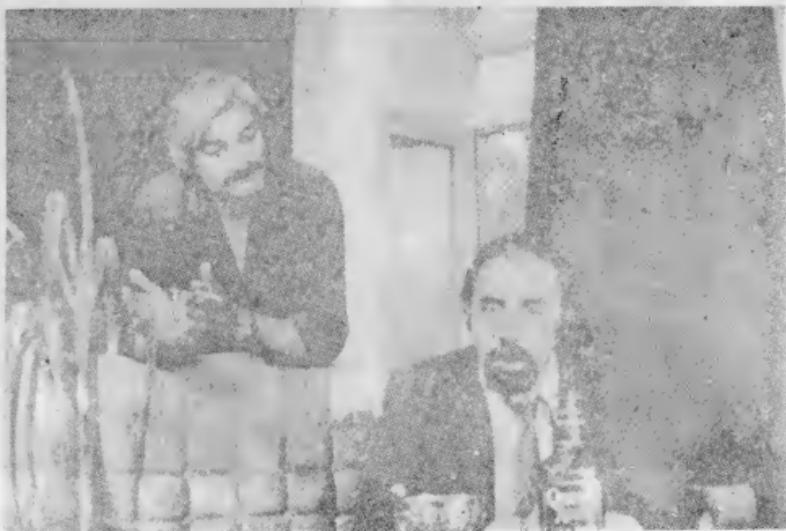
واسع صمدی و حمود



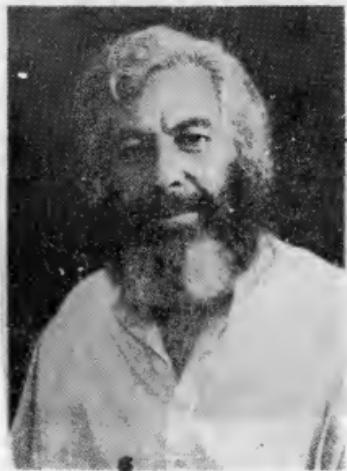
حبيب ذلگي



حبيب مخمور



حشمت فنایی با انور رضازاده در فلم گناه



انجینیر سید قاسم مرووت



ایوب معصومی



شاجهان



عصمت الله



شريف خير خواه



كريم نايل



حیدر جلال



محمد حیدر رادمنش

"در فلم گام های استوار"



عبدالقها



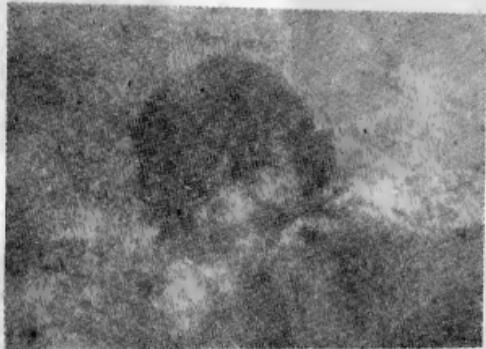
محمد عيسى فلمبردار



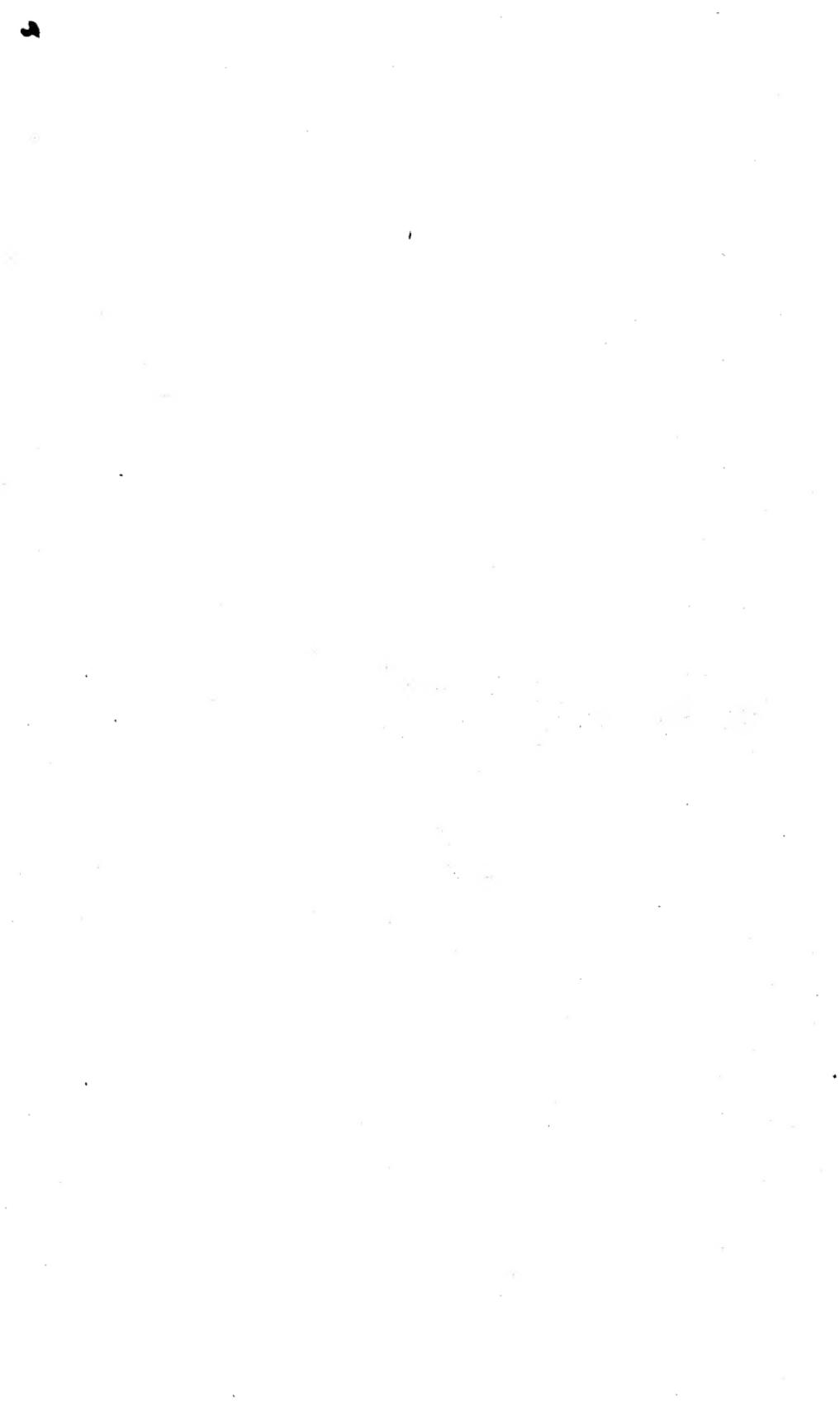


موسی رادمنش، ابراهیم، سلیمان





لند پیش کاری از ااثر سینماهی افغانی





ذکیه کهزاد در فلم مجسمه ها مختیداد



زرخونه آرام



سایرہ اعظم



خورشید مندوزی



محبوبه جباری وحید



ستوری منگل



ناهید سرمهد در فلم جنایتکاران



بصیره خاطره



عادلہ ادیم



عاقله



شاپری نغمہ

1881





ذکیه داماج



ذکیه داماج سفر



لیلی در زیر شدیدت نهاده



انیسه وهاب



م. نزد



افروز و قادر فرخ "در فلم نیلوفر در باران"



حبيبہ عسکر



مشیر و خدوان در فلم
حبيبہ عسکر



سپنا "هتر پیشہ فلم وصال"



فریده همراه ساحل "با یونت انجمن سینمای جوان"



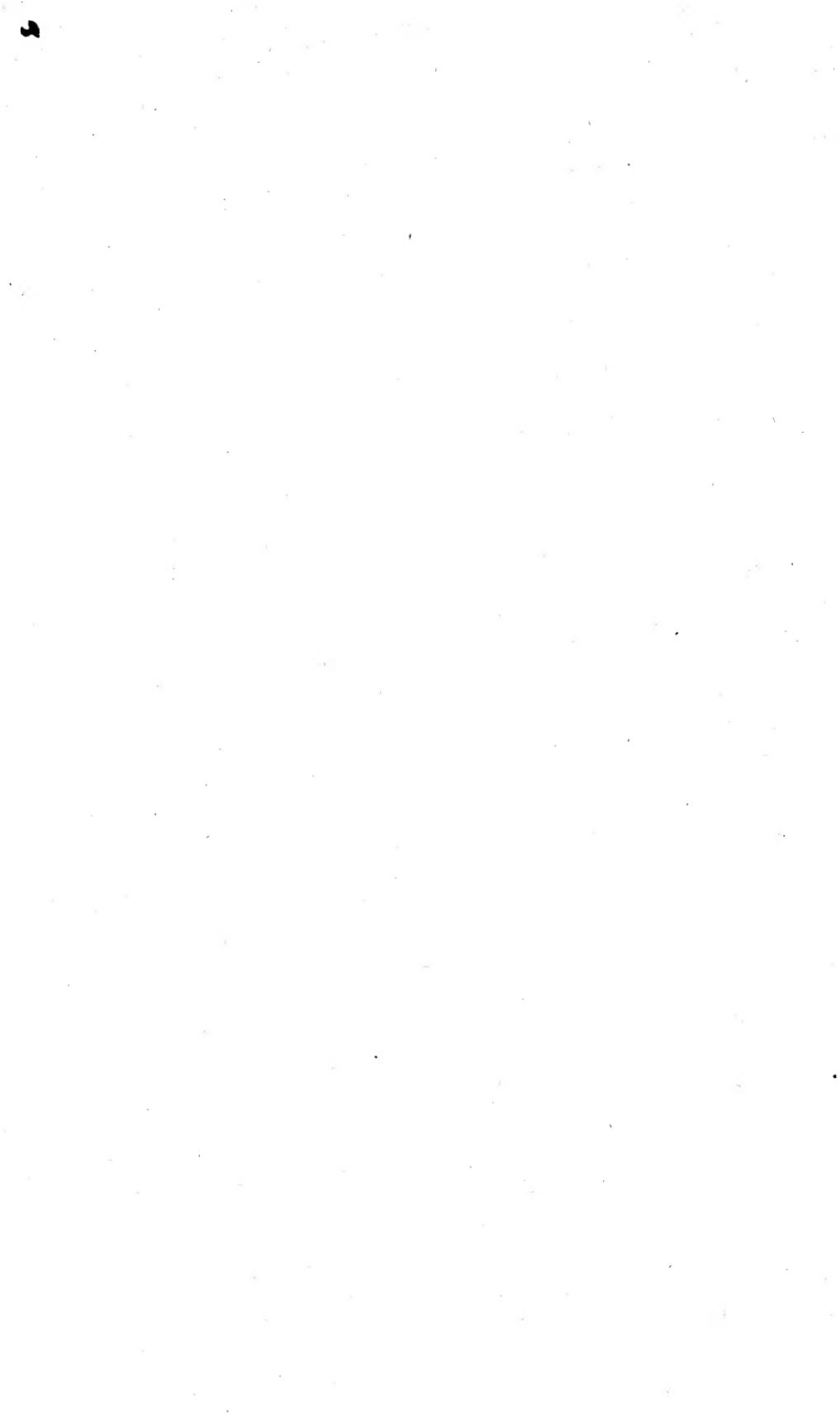
ذکیه داماج نوریه "با جوانان شرق فلم"



عادله عدیم" در جمع سینما گران افغانی



تکاولیز از خاطرات ملکه های افغانی

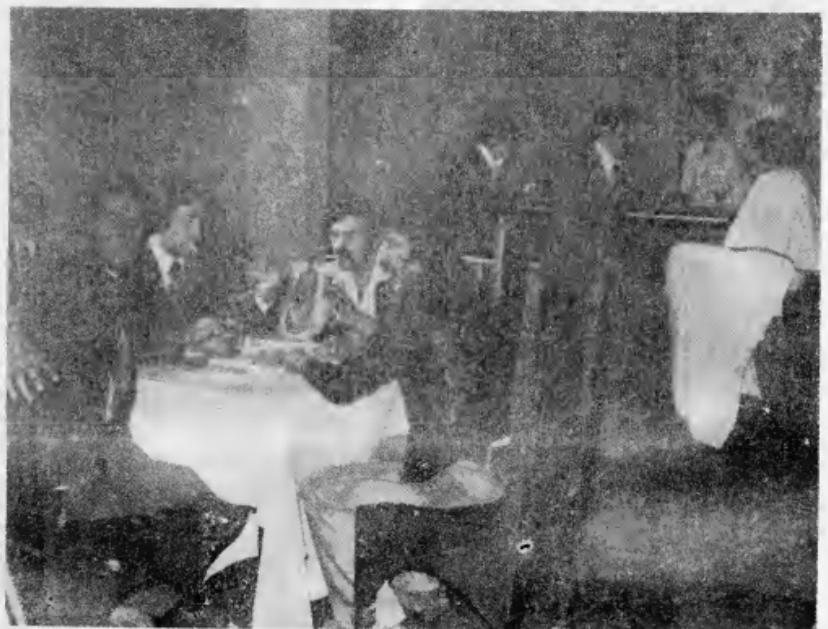
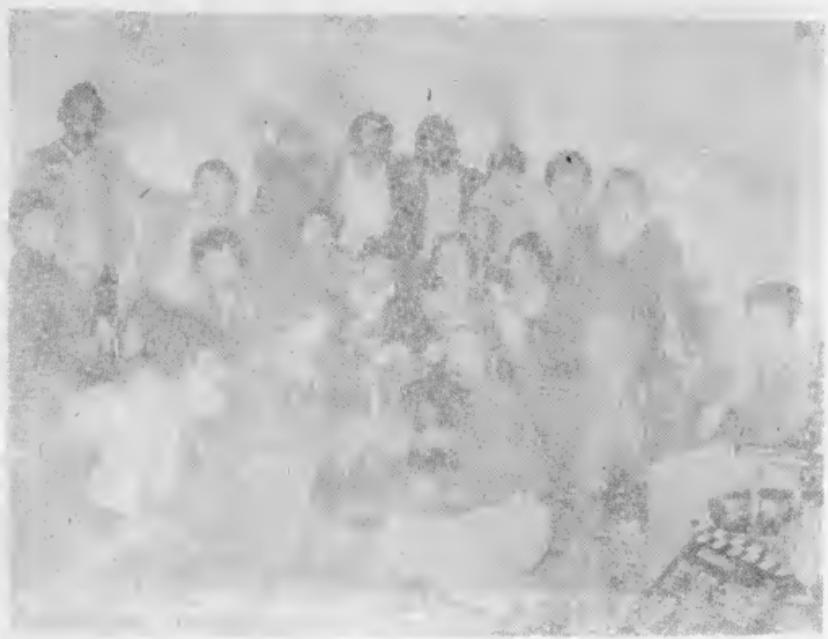












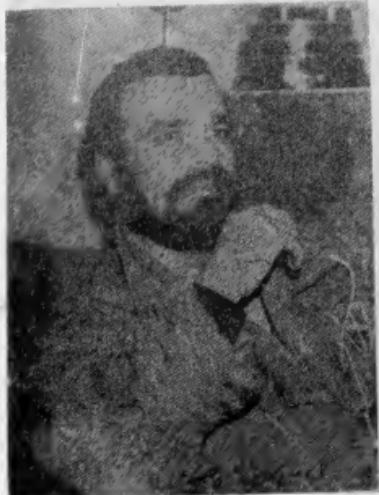














189

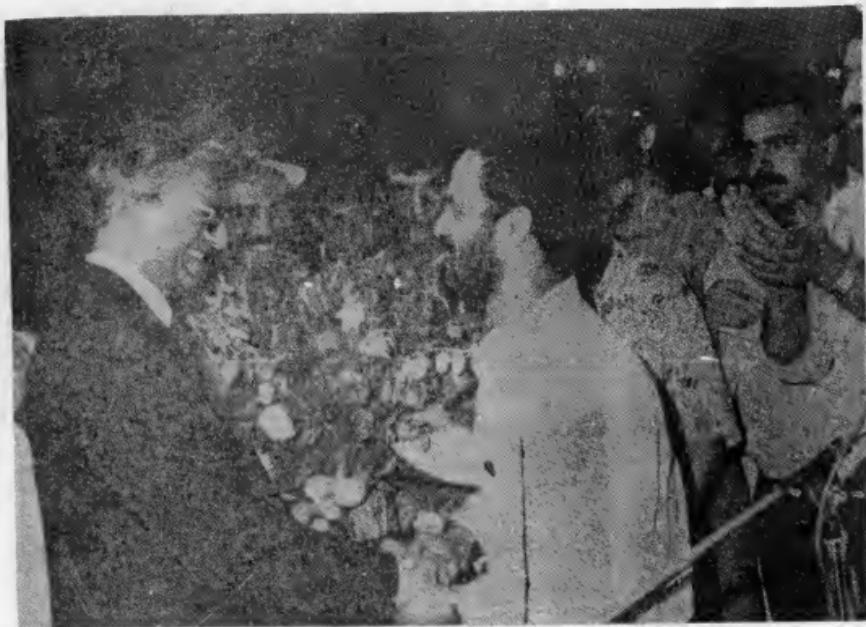




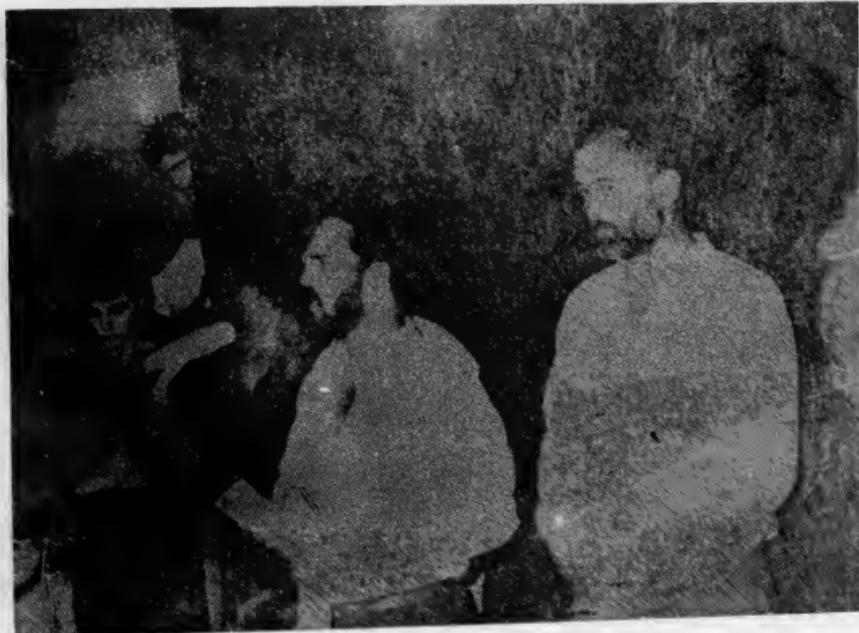








190



PROPERTY
ACKU^o
10176

111



197





بیوگرافی مختصر

محمد موسی رادمنش فرزند غلام محی الدین در سال ۱۳۲۲ هـ در گلزار بارانه کابل در یک خانواده روشنگر تولد شد. در سال ۱۳۵۳ از لیسه عالی نادریه وقت فارغ و شامل دیپارتمنٹ روانشناسی پوهنخی تعلیم و تربیه پوهنتون کابل گردید ولی بعد از یک سال بنا بر معاذبی به تحصیل ادامه داده توانست. بعداً در مجله هنر، اداره تولید فیلم های داستانی و مستند کمیته رادیو تلویزیون و افغان فیلم، معاونت و سرپرستی و مسؤول انجمن سینما گران جوان بوده است. موصوف بعد از تعییب یک سلسله کورس های مسلکی سینمایی و کسب تجارت توانست است منحیت ساریست. کارگردان و هنر پیشه در فیلم های هنری تلویزیونی و سینمایی افغانی خویشند.

در سال ۱۳۷۰ در فیلم سینمایی «اراده» فلیمیست جنایی و پولیسی) مستقلانه کارگردانی نمود و همراهی با نواده سینمایی پیاده کند، مگر به نسبت وقوع حوادث و بحران در کشور به اجرای این کار موقوف نشد. او جهت آموزش سینمایی شامل یونس سینمایی فلم (خداآواه) به کارگردانی موکل آتش سینمایی معرف فیلم هند گردید و سمت اسیستانت کارگردان راهنمایی شد. انجینیر طلیف سینمایگر افغان دارابود که از جانب سینمای افغانستان بعیث نماینده در آن سهم خوبی ادا و تجربه انداده است. اینک ساخته هایی که وی برای تلویزیون افغانستان نوشت و کارگردانی کرده نام میریم:

فیلم هنری «پشاھتگ» معروف به (عارف تخم)، گرگ و خرگوش، ایدن، ندامت، آینه شباب، شفق می تابد، میعادگاه، عاصی، نفرین بر جنگ و در تعدادی از فیلم های هنری تلویزیونی در کنار معاونت کارگردان به اجرای نقش نیز دست بازیده است. همچنان بتعداد بیشتر از (۳۰) فیلم مستند تلویزیونی به مناسبت های مختلف، روزهای ملی و رخدادها و تحولات زمانی تهیه و کارگردانی کرده که همه آنها از طریق نشرات تلویزیون کشور اقبال نش بافته و برجسته ترین آن بنابر استقبال و تقاضای مردم، بار، بارنامایش یافته اند.



چاچتی: دانش کتابخانه قصه خوانی پیپرور